یا لثارات الحسین (ع)

دوشنبه
۱۸ آبان ۱۴۰۵
۲۹ جمادی الاول ۱۴۴۸
۹ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۸۵
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



کوروش زارعی، بازیگر و کارگردانی که صحنه نمایش را سنگر تکلیف می‌دید، درگذشت

او سرباز سیدعلی بود

۴



دارو دسته ترامپ مشغول استعفا هستند

زلزله در کاخ سفید

۳

چت‌بات‌ها
جای روان‌شناس‌ها می‌نشینند
روان‌شناس جیبی!
۶

لایه‌های پنهان زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی مقاومت لبنان
سنگر آکادمی
۴

گفت‌وگوی تفصیلی «آگاه» با رضا دبیری‌نژاد، مدیر موزه هنرهای معاصر
دارایی پنهان سرمایه نیست
۵

ریشه واقعی چالش‌های امروز



سیدمرتضی مفیدنژاد
روزنامه‌نگار

«اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتا مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتا معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رایج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون...» (۱۳۸۹/۰۷/۲۹)

این جمله هشداری بود که رهبر شهید انقلاب ۱۶ سال قبل و در جمع دانشجویان و دانشگاهیان به آن اشاره کردند. نکته‌ای که منجر به این شد تا فضای دانشگاهی و نخبگی آن روز به تکاپو بیفتد که برای حل این مشکل چه اقدامی باید صورت بدهد و بحث‌ها و همایش‌های زیادی هم برگزار شد. هیاهویی که شاید چند سالی مراکز علمی کشور را متوجه خود ساخت و کم کم فروکش کرد.

اما واقعیت ماجرا چیست؟ به طور کلی علوم انسانی شاخه‌ای از دانش بشری است که پیرامون انسان و جامعه انسانی بحث می‌کند و مانند سایر دانش‌ها مبتنی بر مبانی اساسی، بنیادی و فلسفی در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی است. بر همین اساس مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی هرچه باشد، علوم انسانی هم که ریشه در این مبانی دارد، رنگ و بوی آنها را می‌گیرد. به نظر می‌رسد از آنجا که زادگاه و خاستگاه علوم انسانی کنونی، غرب بوده و همچنین این علوم در دوره جدید به وجود آمده‌اند، به طور طبیعی متناسب با مبانی فلسفی و دیدگاه‌های نظری رایج در غرب پایه ریزی شده و به بیان دیگر این دانش‌ها بر اثر این مبانی شکل گرفته‌اند. از سوی دیگر با توجه به اثرپذیری علوم انسانی از مبانی یاد شده، خود به خود در بخش‌هایی که باید این علوم در مبانی فلسفی و هستی‌شناسی از سوی فلسفه اسلامی پذیرفته و تایید شوند، با یکدیگر در تضاد، تناقض و اختلاف قرار می‌گیرند. از این رو، راه حل اساسی این مسئله نیز باید در مبانی فلسفی جست‌وجو شود.

با توجه به اینکه علوم انسانی در حوزه‌های مختلف از قبیل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و مانند آن، دانش‌های مربوط به خود انسان هستند، از این رو اصولا زمانی که انسان چیزی غیر از آنچه هست نگریسته شود، به شدت در دانش‌های مربوط به انسان نیز اثرگذار بوده و به آن سمت و سو می‌دهد. غرض از این نوشتار آن است که تا زمانی که ما بخواهیم مسائل و مشکلات داخلی مان را با نسخه‌های علوم انسانی غربی و غیربومی حل کنیم، طبعا به نتیجه نخواهیم رسید چون مبانی علوم انسانی غیربومی راه حلی برای مشکلات بومی ما نخواهد داشت و اینگونه است که تا زمانی که برای مسائل و موضوعاتی همچون مقولات آموزشی، بانکداری، سبک زندگی، پوشش، اوقات فراغت، روابط اجتماعی افراد و... صدها عرصه دیگر بر پایه و محور الگوهای فرهنگی و دینی بومی شکل نگیرد، نقایص و مشکلات به قوت خودش باقی خواهد بود. ریشه مسائل در جای دیگری است، آدرس غلط ندهیم.

«آگاه» اختلاف بر سر مبنای قانونی حذف خانوارها از فهرست مشمولان کالابرگ را بررسی کرد

کالابرگ، در دوراهی حمایت و حذف

افزایش اعتبار کالابرگ از یک میلیون به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای بخشی از خانوارها، همزمان با حذف حدود یک میلیون خانوار از چرخه دریافت این حمایت، سیاست جدید دولت در حوزه معیشت را با پرسش‌های جدی مواجه کرده است؛ به‌ویژه آنکه دیوان محاسبات، حذف مشمولان را فاقد مجوز قانونی دانسته و نمایندگان مجلس نیز نسبت به دقت شاخص‌های استطاعت‌سنجی و نحوه شناسایی خانوارهای برخوردار انتقاد دارند.

به گزارش «آگاه»، کالابرگ الکترونیکی که با هدف حفظ قدرت خرید خانوارها و جبران بخشی از فشار ناشی از افزایش هزینه‌های زندگی طراحی شده، این روزها با دو اتفاق همزمان روبه‌رو است؛ از یک سو دولت از افزایش ۵۰ درصدی اعتبار این طرح برای میلیون‌ها نفر خبر می‌دهد و از سوی دیگر، گروهی از دریافت‌کنندگان پیشین با پیام عدم مشمولیت مواجه شده‌اند. همین همزمانی، پرسش‌هایی درباره دامنه پوشش طرح، معیارهای برخورداری از حمایت و حدود اختیارات دستگاه اجرایی در حذف خانوارها ایجاد کرده است. ماجرا زمانی جدی‌تر شد که همزمان با آغاز شارژ اعتبار آبان، گزارش‌هایی از واریز نشدن اعتبار برخی خانوارها منتشر شد. تعدادی از سرپرستان خانوار اعلام کردند که با مراجعه به فروشگاه‌های طرف قرارداد، متوجه شده‌اند اعتبار جدید برای آنها منظور نشده است. برخی نیز پس از بررسی وضعیت خود در سامانه‌های مربوط، با پیامی مواجه شدند که در آن اعلام شده بود از آبان مشمول دریافت کالابرگ نیستند. انتشار این گزارش‌ها در شرایطی صورت گرفت که پیشتر فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، ادعای حذف ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر از فهرست دریافت‌کنندگان کالابرگ را رد کرده و تاکید کرده بود افراد واجد شرایط همچنان از حمایت دولت برخوردار خواهند بود. با این حال، اظهارات بعدی مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره بازنگری در فهرست مشمولان نشان داد که تغییراتی در سازوکار شناسایی دریافت‌کنندگان در حال اجراست؛ تغییراتی که جزئیات آن برای بسیاری از خانوارها همچنان روشن نیست.

بازنگری در فهرست مشمولان با چه معیاری انجام شد؟

مهاجرانی در توضیح شاخص‌هایی که ممکن است در بازنگری وضعیت اقتصادی خانوارها مورد استفاده قرار گیرد، به مجموعه‌ای از اطلاعات اقتصادی از جمله دارایی‌های ملکی، خودرو، موجودی و گردش حساب‌های بانکی و میزان تراکنش‌های مالی اشاره کرده بود. این اظهارات در واقع نشان می‌داد که دولت قصد دارد در کنار اطلاعات درآمدی، وضعیت دارایی و توان اقتصادی خانوارها را نیز در شناسایی گروه‌های برخوردار و نیازمند لحاظ کند. در ادامه این روند، یعقوب اندایش، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از تصویب معیارهای جدید استطاعت‌سنجی خانوارها خبر داد و اعلام کرد که جزئیات این تغییرات به‌زودی به‌صورت رسمی اطلاع‌رسانی خواهد شد. به گفته وی، افزایش اعتبار کالابرگ و بازنگری در فهرست مشمولان دو موضوعی است که به‌صورت همزمان در دستور کار قرار گرفته است. بر اساس توضیحات ارائه‌شده از سوی معاون وزارت تعاون، مجموع درآمد خانوار، میزان تراکنش‌های بانکی، حجم خرید، مالکیت خودرو و املاک از جمله شاخص‌هایی هستند که در فرآیند ارزیابی توان اقتصادی افراد مورد توجه قرار می‌گیرند. در بخش درآمدی نیز برای خانوارهای یک تا سه نفره، سقف درآمد کمتر از ۲۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. این سقف برای خانوار چهار نفره به ۲۷ میلیون تومان می‌رسد و به ازای اضافه شدن هر عضو دیگر، هفت میلیون تومان به آن افزوده می‌شود. در کنار این معیارها، برخی گروه‌ها نیز به دلیل شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی، در زمره گروه‌های هدف حمایتی قرار گرفته‌اند. مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی، افراد پشت‌نوبتی دریافت حمایت، معلولان کم‌درآمد، زنان سرپرست خانوار فاقد عضو شاغل و همچنین خانوارهای فاقد مسکن، خودرو و شغل رسمی از جمله گروه‌هایی هستند که در توضیحات مسئولان به عنوان مشمولان حمایت مورد اشاره قرار گرفته‌اند. با وجود اعلام این شاخص‌ها، همچنان ابهاماتی درباره نحوه ترکیب معیارهای درآمدی و دارایی، وزن هر شاخص در ارزیابی نهایی و چگونگی اعمال آنها بر پرونده خانوارها وجود دارد. برای مثال، مشخص نیست در شرایطی که یک خانوار درآمد ماهانه محدودی دارد اما مالک یک واحد مسکونی است، یا خانواری با درآمد بالاتر فاقد هرگونه دارایی باشد، این دو وضعیت چگونه در فرآیند استطاعت‌سنجی با یکدیگر مقایسه می‌شوند. از سوی دیگر، مشخص نبودن سازوکار اطلاع‌رسانی و اعتراض نیز ابهامات افزوده است. خانواری که تا پیش از این اعتبار کالابرگ دریافت می‌کرده، باید بداند بر اساس کدام اطلاعات و با استناد به چه معیاری از فهرست مشمولان خارج شده است. بدون دسترسی به چنین اطلاعاتی، امکان بررسی صحت تصمیم و پیگیری اعتراض برای شهروندان نیز دشوار خواهد بود.

حذف یک میلیون خانوار در مرحله نخست بازنگری

در ادامه اعلام سیاست‌های جدید دولت، معاون رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پانزدهم آبان، جزئیات بیشتری از تغییرات فهرست دریافت‌کنندگان کالابرگ ارائه کرد. بر اساس اظهارات اندایش در میزگرد اقتصادی شبکه خبر، از آبان حدود ۳۵ میلیون نفر مشمول افزایش ۵۰ درصدی اعتبار کالابرگ شده‌اند و به جای یک میلیون تومان، ماهانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به ازای هر نفر دریافت می‌کنند. در مقابل، به گفته وی، در مرحله نخست بازنگری، حدود یک میلیون خانوار، معادل سه میلیون نفر، از تداوم دریافت کالابرگ خارج شده‌اند و این فرآیند قرار است به‌تدریج ادامه پیدا کند. اندایش با تشریح نحوه اجرای مرحله جدید پرداخت‌ها توضیح داد که اعتبار کالابرگ از پانزدهم آبان برای گروهی از مشمولان شارژشده و زمان‌بندی دسترسی سایر خانوارها نیز بر اساس رقم پایانی کد ملی تعیین شده است. بر این اساس، در مرحله نخست، اعتبار خانوارهایی که رقم پایانی کد ملی سرپرست آنها صفر، یک و دو بوده، شارژشده است. خانوارهای دارای کد ملی با ارقام پایانی سه، چهار، پنج و ۶ نیز در ۲۵ آبان و گروه دارای ارقام هفت، هشت و ۹ در پنجم آذر به‌تدریج اعتبار خود را دریافت خواهند کرد. وی همچنین اعلام کرد حدود ۹ میلیون نفر، معادل سه میلیون خانوار، در این مرحله باقی مانده‌اند و برای آنها فرصت مجددی در نظر گرفته شده است تا با شرکت در نظرسنجی‌ها و تکمیل اطلاعات مورد نیاز، درخواست خود را برای افزایش اعتبار کالابرگ ثبت کنند. این اظهارات نشان می‌دهد که در کنار خانوارهایی که در مرحله نخست از تداوم دریافت کالابرگ خارج شده‌اند، گروه دیگری نیز وجود دارند که وضعیت آنها به دلیل تکمیل نشدن فرآیند پاسخگویی یا ثبت اطلاعات، هنوز تعیین تکلیف نشده است. بنابراین تفکیک میان حذف قطعی از فهرست مشمولان و باقی ماندن پرونده‌ها در فرآیند بررسی، برای جلوگیری از برداشت‌های نادرست و ایجاد شفافیت ضروری به نظر می‌رسد.

دیوان محاسبات: حذف مشمولان مجوز قانونی ندارد

در حالی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اجرای سازوکار جدید استطاعت‌سنجی و بازنگری در فهرست دریافت‌کنندگان تاکید دارد، مرکز رسانه، بین‌الملل و نظارت عمومی دیوان محاسبات کشور از زاویه دیگری به موضوع ورود کرده و مبانی قانونی حذف خانوارها را زیر سوال برده است. بر اساس اعلام این مرکز، در جدول شماره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۴۰۵، مبلغ ۹۹۶ هزار میلیارد تومان به‌صورت مطلق و با عنوان «کالابرگ الکترونیک بابت یکپارچه‌سازی نرخ ارز در سال ۱۴۰۴» برای اجرای این طرح پیش‌بینی شده است. به اعتقاد دیوان محاسبات، در احکام بودجه سنواتی حکمی مبنی بر اجرای آزمون وسع یا حذف برخی از مشمولان کالابرگ پیش‌بینی نشده است. این نهاد نظارتی همچنین با اشاره به آیین‌نامه‌های اجرایی مواد ۲۸ و ۷۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت، تاکید کرده است که احکام مربوط به آزمون وسع در این مواد، ناظر بر موضوعات بیمه‌ای بوده و نمی‌توان آنها را مبنایی برای حذف دریافت‌کنندگان کالابرگ قرار داد. از نگاه دیوان محاسبات، صرف تصویب شاخص‌های اقتصادی از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای خارج کردن بخشی از خانوارها از فهرست دریافت‌کنندگان کافی نیست و هرگونه تغییر در دامنه برخورداری از حمایت‌های پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه باید مستند به مجوز قانونی باشد. این نهاد نظارتی همچنین با استناد به مشروح مذاکرات و اظهارات مسئولان ذی‌ربط اعلام کرده است که اعتبار ۹۹۶ هزار میلیارد تومانی پیش‌بینی‌شده برای کالابرگ، با هدف برخورداری تمام ایرانیان در سال جاری در نظر گرفته شده است؛ از این رو حذف گروهی از خانوارها صرفا بر مبنای تشخیص وزارت تعاون و شاخص‌های اعلام‌شده، فاقد مجوز قانونی ارزیابی می‌شود. دیوان محاسبات در همین راستا بررسی مبانی قانونی حذف خانوارها، صحت فرآیند شناسایی و خارج کردن مشمولان از فهرست، منابع و مصارف ناشی از اجرای طرح و عملکرد دستگاه‌های مسئول را در دستور کار نظارتی قرار داده است، اما ورود این نهاد نظارتی به موضوع، اختلاف نظر درباره شیوه اجرای کالابرگ را از سطح ارزیابی شاخص‌های اقتصادی فراتر برده و آن را به مسئله‌ای مرتبط با حدود اختیارات دستگاه اجرایی و نحوه اجرای احکام قانون بودجه تبدیل کرده است. به بیان دیگر، حتی اگر دولت در تشخیص خانوارهای برخوردار و تمرکز منابع بر گروه‌های نیازمندتر اهداف مشخصی داشته باشد، همچنان این پرسش مطرح است که آیا ابزار قانونی لازم برای اعمال چنین تغییری در اختیار دستگاه اجرایی قرار دارد یا خیر.

اما در کنار اختلاف نظرهای حقوقی درباره حذف مشمولان، معیارهای اقتصادی مورد استفاده برای شناسایی خانوارهای برخوردار نیز با انتقاد نمایندگان مجلس مواجه شده است. شاهرخ رامین، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با اشاره به بررسی شاخص‌های جدید پرداخت کالابرگ، معتقد است استفاده از تعداد خودرو یا املاک به‌تنهایی نمی‌تواند تصویر دقیقی از وضعیت اقتصادی یک خانوار ارائه دهد. وی با تاکید بر ضرورت توجه به ارزش واقعی دارایی‌ها، توضیح داده است که صرف مالکیت چند ملک یا خودرو لزوما به معنای برخورداری اقتصادی نیست؛ چراکه محل قرارگیری، ارزش روز و نوع استفاده از این دارایی‌ها نیز در ارزیابی توان مالی افراد اهمیت دارد. به گفته رامین، در معیارهای اعلام شده برای ارزیابی املاک، تفاوت میان ارزش چند واحد کوچک در مناطق محروم با یک ملک گران‌قیمت در مناطق برخوردار به‌درستی مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که ممکن است خانواری چند دارایی با ارزش محدود داشته باشد، اما از نظر درآمد ماهانه و توان تامین هزینه‌های زندگی در وضعیت مناسبی قرار نداشته باشد. این نماینده مجلس یکی از مهم‌ترین ایرادهای احتمالی در فرآیند استطاعت‌سنجی را یکسان در نظر گرفتن درآمد و ثروت خانوار می‌داند و بر ضرورت تفکیک این دو مفهوم تاکید می‌کند. رامین در ادامه و در تشریح این موضوع به وضعیت زوج جوانی اشاره کرد که مجموع درآمد ماهانه آنها ۵۰ میلیون تومان است، اما مستاجر هستند و هیچ دارایی قابل توجهی ندارند. در مقابل، ممکن است فردی درآمد ماهانه کمتری داشته باشد، اما از ثروت و دارایی قابل توجهی برخوردار باشد. بنابراین مقایسه این دو خانوار صرفا بر اساس درآمد ماهانه یا تعداد دارایی‌ها نمی‌تواند به شناسایی دقیق گروه‌های نیازمند منجر شود. از نگاه این عضو کمیسیون اجتماعی، شناسایی وضعیت اقتصادی خانوارها به دلیل تنوع شرایط زندگی، ساختار درآمدی و تفاوت ارزش دارایی‌ها، فرآیندی پیچیده است و نمی‌توان با اتکا به چند شاخص محدود، درباره میزان نیازمندی افراد تصمیم‌گیری کرد. رامین در عین انتقاد از برخی معیارهای استطاعت‌سنجی، اصل هدفمند کردن حمایت‌های معیشتی و توزیع عادلانه منابع محدود کشور را ضروری می‌داند. از نظر وی، منابع حمایتی باید به‌گونه‌ای تخصیص یابد که خانوارهای واقعا نیازمند از حمایت بیشتری برخوردار شوند و افرادی که توانایی تامین هزینه‌های زندگی خود را دارند، در صورت اطمینان از انتقال منابع آزادشده به گروه‌های کم‌درآمد، می‌توانند با حذف خود از فهرست دریافت‌کنندگان همراهی کنند.

این اظهارات از یک سو بر ضرورت اصلاح نظام شناسایی مشمولان تاکید دارد و از سوی دیگر نشان می‌دهد که موفقیت چنین سیاستی به میزان اعتماد عمومی به فرآیند تصمیم‌گیری وابسته است. چنانچه خانوارها اطمینان داشته باشند که حذف افراد برخوردار به افزایش حمایت از اقشار کم‌درآمد منجر می‌شود، همراهی بیشتری با این سیاست خواهند داشت؛ اما اگر معیارها مبهم باشد یا خانوارهای فاقد توان مالی نیز از فهرست خارج شوند، اعتماد به سازوکار حمایتی آسیب خواهد دید. در مجموع، وضعیت جدید کالابرگ را می‌توان در تلاقی سه مسئله مهم بررسی کرد: ضرورت افزایش قدرت خرید خانوارها در شرایط تورمی، لزوم شناسایی دقیق گروه‌های برخوردار و نیازمند و رعایت الزامات قانونی در نحوه اجرای طرح.

افزایش اعتبار ماهانه کالابرگ از یک میلیون به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای میلیون‌ها نفر، اقدامی در جهت تقویت حمایت معیشتی محسوب می‌شود؛ اما همزمانی آن با حذف تعدادی از خانوارهای دریافت‌کننده و باقی ماندن گروهی دیگر در وضعیت بلاتکلیف، ضرورت شفاف‌سازی را افزایش داده است. در این میان، اختلاف نظر میان وزارت تعاون و دیوان محاسبات درباره مبنای قانونی حذف مشمولان، موضوعی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی عبور کرد. دولت برای اجرای سیاست‌های حمایتی هدفمند، علاوه بر برخورداری از اطلاعات دقیق اقتصادی، باید از مجوز قانونی روشن نیز برخوردار باشد. همچنین لازم است معیارهای ارزیابی توان اقتصادی به‌گونه‌ای تنظیم شوند که تفاوت میان درآمد، ثروت، هزینه‌های ضروری و شرایط واقعی زندگی خانوارها در آنها لحاظ شود. آنچه در نهایت می‌تواند به حفظ اثربخشی کالابرگ کمک کند، صرفا افزایش مبلغ اعتبار یا کاهش تعداد دریافت‌کنندگان نیست؛ بلکه اطمینان از آن است که حمایت‌های معیشتی به خانوارهایی برسد که بیشترین نیاز را دارند، هیچ خانوار واجد شرایطی به دلیل خطای اطلاعاتی یا نقص سامانه از این حمایت محروم نشود و هرگونه تغییر در فهرست مشمولان نیز بر اساس ضوابط شفاف و مستندات قانونی صورت گیرد. در غیر این صورت، طرحی که با هدف حمایت از قدرت خرید مردم طراحی شده، ممکن است خود به منشأ نگرانی و ابهام تازه‌ای در سبد معیشت خانوارها تبدیل شود.



علی عبدالعلی‌زاده، دستیار رئیس‌جمهور:

توسعه مکران نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی و پرهیز از تصمیم شتابزده است

دیپلماسی یا مداخله؟

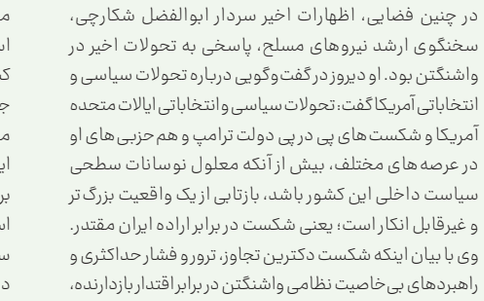
نقش باراک در قلب تحولات سوریه و عراق



محمدمهدی ملکی، کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» درباره نقش و تاثیرگذاری تام باراک، نماینده ویژه آمریکا در منطقه و به خصوص تحولات مهم سوریه و عراق، گفت: تام باراک با حفظ سفارت آمریکا در ترکیه و انتصاب به‌عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور سوریه و عراق، به چهره‌ای محوری در سیاست واشنگتن تبدیل شده است. ترامپ ماموریت او را گسترش داد تا هماهنگی سیاست آمریکا در قبال آنکارا، بغداد و دمشق تسهیل شود. وی افزود: ارتباط مستقیم باراک با ترامپ و بازیگران منطقه، جایگاه او را فراتر از یک فرستاده معمولی قرار داده است. او تصمیم‌گیر نهایی نیست، اما در انتقال دستور کار واشنگتن، میانجی‌گری و استفاده از اهرم‌های امنیتی، تحریمی و اقتصادی نقش دارد.

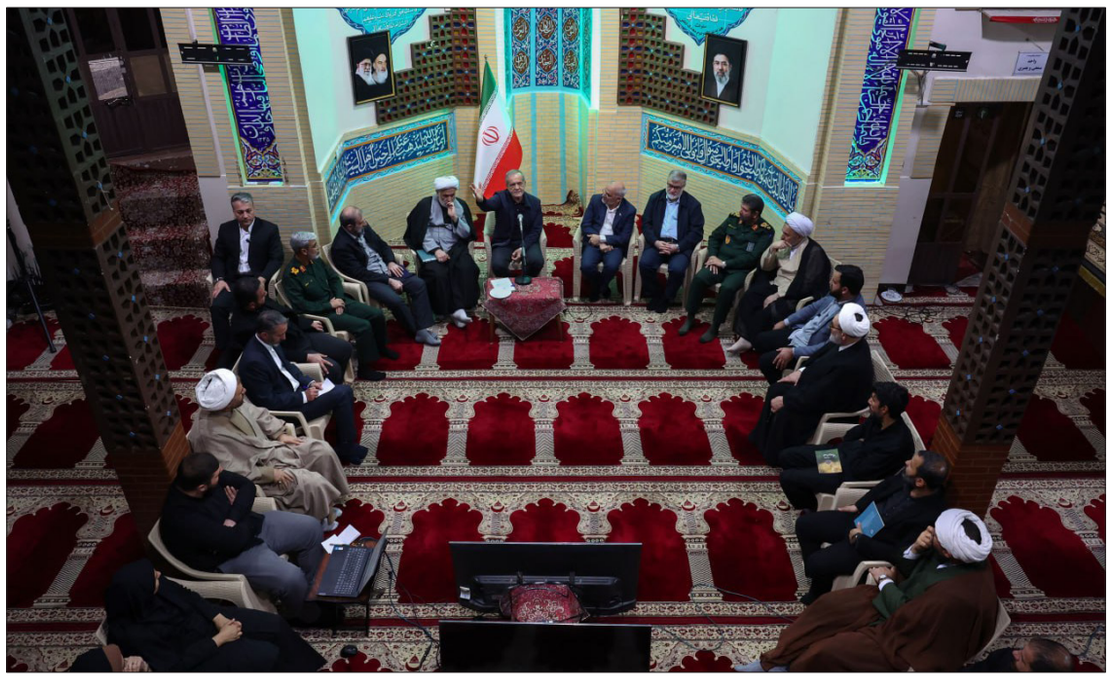
کارشناس مسائل منطقه با اشاره به چرخش واشنگتن از حمایت نظامی بلندمدت از نیروهای محلی به تعامل با دولت مرکزی تصریح کرد: باراک از چهره‌های اصلی این تغییر رویکرد است. پس از توافق ژانویه ۲۰۲۶ دمشق و نیروهای دموکراتیک سوریه و اعلام انحلال ساختار نظامی این نیروها، او ادغام آنها در دولت مرکزی را گامی تاریخی خواند. سفارت در آنکارا نیز به او امکان می‌دهد ملاحظات امنیتی ترکیه درباره کردهای سوری را لحاظ کند.

ملکی اضافه کرد: واشنگتن دیگر حفظ ساختار مسلح خودمختار در شمال شرق سوریه را اولویت نمی‌داند و بر تمرکز امنیت، مرزها و منابع انرژی در دولت مرکزی تاکید دارد. با این حال، ادغام نظامی به معنای حل مسئله کردها نیست؛ تضمین حقوق زبانی و فرهنگی، مشارکت سیاسی و اختیارات محلی همچنان محل بحث است. حمایت باراک از آموزش زبان کردی و حضور مظلوم عبدی (کوبانی) و الهام احمد در ساختار سیاسی، باید به ضمانت اجرایی تبدیل شود. وی در پاسخ به این سوال که آیا نقش باراک به پرونده امنیتی محدود می‌شود؟ بیان کرد: اقتصاد نیز بخش مهمی از ماموریت اوست. دیدار او با احمد الشرع و اظهاراتش درباره دشواری جذب سرمایه نشان می‌دهد واشنگتن بازسازی اقتصادی را اهرم اثرگذاری می‌داند. ضعف نظام بانکی، محدودیت‌های تجاری و ناامنی، ورود شرکت‌های غربی را دشوار کرده است. رفع محدودیت‌ها و جذب سرمایه، هم نیاز سوریه است و هم اهرمی برای نزدیک کردن اقتصاد دمشق به سیاست‌های آمریکا. کارشناس مسائل منطقه با اشاره به سفر اخیر باراک به بغداد و دیدار با علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر عراق نیز، گفت: باراک از گسترش روابط اقتصادی و تقویت حاکمیت در برابر وابستگی سخن گفت؛ اما واشنگتن خواهان کنترل سلاح به دست دولت، محدودسازی نقش گروه‌های نزدیک به تهران و جلوگیری از استفاده از خاک عراق علیه همسایگان است. گزارش‌ها از هشدار واشنگتن درباره احتمال تحریم عراق در صورت پیشرفت نکردن روند کنترل سلاح گروه‌های مسلح حکایت دارد؛ هرچند این هشدار را استیون فاگین، کاردار آمریکا، منتقل کرده است. ملکی با بیان اینکه پایان ماموریت ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در عراق در ۳۰ سپتامبر، به معنای پایان نفوذ آمریکا نیست؛ بلکه ابزار نفوذ از حضور نظامی ائتلافی به همکاری امنیتی دوجانبه، اقتصاد و دیپلماسی منتقل می‌شود، اظهار کرد: میانجی‌گری او برای از سرگیری صادرات نفت اقلیم و نزدیک کردن بغداد و اربیل نیز در همین چارچوب است. وی با اشاره به طرح احیای خط لوله کرکوک-بانیاس میان عراق و سوریه، گفت: این طرح مسیر تازه‌ای برای صادرات نفت به مدیترانه می‌گشاید. با این حال، انتشار گزارشی تحقیقی درباره پیگیری حضور شرکت «تی‌آی کپیتال» در این طرح، به دلیل ارتباط تجاری پیشین باراک با مدیر شرکت، پرسش‌هایی درباره تعارض منافع برانگیخته است. در آن گزارش شواهدی از سود مستقیم باراک از پروژه ارائه نشد و وزارت خارجه آمریکا نیز اعلام کرد او در خط لوله منفعت مالی ندارد؛ با این حال، ضرورت شفافیت در پیوند منافع اقتصادی و ماموریت دیپلماتیک همچنان مطرح است. کارشناس مسائل منطقه اظهار کرد: باراک نماینده رویکردی است که می‌خواهد با ترکیب دیپلماسی، اقتصاد و امنیت و نظم مطلوب واشنگتن را در عراق و سوریه تثبیت کند. موفقیت او به پذیرش داخلی و توان بغداد و دمشق در مدیریت اختلافات بستگی دارد؛ آمریکا می‌تواند محاسبات را تغییر دهد، اما قادر به نادیده گرفتن پیچیدگی‌های داخلی این دو کشور نیست.



«آگاه» در گزارشی به بررسی بازدید رئیس‌جمهور از اجرای طرح حکمرانی محله‌محور و مسجدمحور پرداخت

«مسجدمحوری» و بازگشت به ریشه‌ها



سیدمهدی حسینی، خبرنگار گروه سیاسی: مسجد در جامعه اسلامی تنها مکانی برای اقامه نماز و عبادات فردی نیست. اگر به تاریخ اسلام بنگریم، می‌بینیم مسجد، قلب تپنده جامعه و مرکزی برای اداره امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. امروز بازگشت به مفهوم «مسجدمحوری» از سوی رئیس جمهور در واقع بازگشت به همان ریشه‌های اصیل است. چرایی اهمیت این موضوع در دنیای امروز را می‌توان در کیلدواژه «اعتماد» جست‌وجو کرد.

مسجد جایی است که مردم در فضای صمیمی و بر اساس پیوندهای ایمانی کنار هم جمع می‌شوند؛ همین نزدیکی و اعتماد متقابل، باعث می‌شود مسجد بتواند سریع‌ترین و موثرترین مسیر برای شناسایی نیازهای مردم و حل مشکلات آنها باشد. وقتی دولت یا نهادهای مردمی از ظرفیت مساجد استفاده می‌کنند، درواقع از شبکه‌ای استفاده می‌کنند که ریشه در دل هر محله و هر روستا دارد و می‌تواند پیام‌ها را با اثرگذاری بیشتری به گوش همگان برساند. مسعود پزشکیان شامگاه شنبه در بازدید میدانی از اجرای طرح حکمرانی محله‌محور و مسجدمحور در یکی از مساجد جنوب تهران، با اشاره به ظرفیت بالای مساجد در حکمرانی محله‌ای، گفت: وجود ۸۰ هزار مسجد در کشور یک ظرفیت بسیار ارزشمند برای کمک به حل مشکلات جامعه با مشارکت خود مردم و همراهی بسیج است. وی در این نشست صمیمی که با حضور رئیس سازمان بسیج مستضعفین، استاندار تهران، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ، امام جماعت مسجد، مدیر محله و دبیران کارگروه‌های تخصصی طرح حکمرانی محله‌محور و مسجدمحور در مسجد امام زین‌العابدین (ع) محله خلیج فارس شمالی تهران برگزار شد، با تاکید بر اینکه نمی‌توانیم و نباید نسبت به مشکلات مردم بی‌تفاوت باشیم، افزود: اگر بتوانیم مساجد کشور را برای کمک به حل مشکلات کشور فعال کنیم، بخش زیادی از مشکلاتی که امروز در شهرها و محلات مختلف با آن مواجه هستیم، برطرف خواهد شد. رئیس جمهور با اشاره به مشکلات ایجاد شده ناشی از تحریم‌ها، محاصره اقتصادی و تهاجم نظامی دشمنان به کشورمان، اظهارکرد: دولت به تنهایی قادر به حل همه این مشکلات نیست اما در صورتی که مردم همراهی و کمک کنند می‌توانیم توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دشمنان متجاوز را خنثی کنیم.

پزشکیان با تاکید بر اینکه روحیه حاکم بر جامعه در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله و همراهی مردم و دولت در آن مقطع، امروز هم می‌تواند چاره حل مشکلات و بحران‌های کشور باشد، افزود: ما در دولت برای استفاده از مشارکت و همراهی مردم در طرح حکمرانی محله‌ای با محوریت مساجد، همه تلاش خود را انجام خواهیم داد. وی با بیان اینکه همه ما باید تلاش کنیم با صرفه‌جویی انرژی، برق و گاز صنایع تولیدی قطع نشود و تولید کشور آسیب نبیند، گفت: مساجد باید در مدیریت مصرف و تشویق مردم به صرفه‌جویی الگو باشند، دشمنان امروز به دنبال ایجاد نارضایتی در بین مردم هستند و همه ما باید دست به دست هم توطئه دشمنان را نقش برآب کنیم.

در ادبیات سیاسی و اجرایی دولت چهاردهم، مفاهیمی نظیر «محله محوری» و «مسجدمحوری» از جایگاهی فراتر از اقدامات حمایتی، به ضرورت حاکمیتی ارتقا یافته است. رئیس جمهور در این نگاه، بر ضرورت احیای ظرفیت‌های مردمی و بهره‌گیری از تجربه‌ها و فرهنگ‌های اجتماعی ریشه‌دار تاکید می‌کند. نکته کلیدی در این رویکرد، این است که هدف، ایجاد نقش‌های جدید برای محله و مسجد نیست بلکه مسئله اصلی، بازشناسی و فعال‌سازی توانمندی‌هایی است که پیشتر بخشی از زیست جمعی مردم بوده‌اند و اکنون می‌توانند در مواجهه با چالش‌ها و نیازهای معاصر، بازالگوی عمل قرار گیرند.

این نگرش از یک پرسش بنیادین نشأت می‌گیرد: وقتی سازوکارهای دولتی به تنهایی از توان پاسخ‌گویی به گستردگی و تنوع نیازهای جامعه ناتوان هستند، چگونه می‌توان از ظرفیت‌های مردمی برای رفع مشکلات بهره برد؟ پزشکیان با اشاره به محدودیت‌های ساختاری در پاسخ‌گویی، بارها بر ضرورت مشارکت عمومی و شکوفایی توانمندی‌های اجتماعی تاکید کرده است. از این منظر، محله و مسجد می‌توانند نقش «حلقه اتصال» را ایفا کنند، یعنی پیوند میان شناخت دقیق مسائل محلی با مشارکت فعال مردم و پیگیری راهکارها. اگر این ظرفیت‌ها به شکلی منسجم و متناسب با اقتضائات روز سازمان‌دهی شوند، امکان شناسایی و حل مسائل در نزدیک‌ترین سطح به زندگی مردم فراهم می‌آید، پیش از آنکه بحران‌ها پیچیده شوند.

تاکید رئیس جمهور بر توانمندی‌های محلی، فراتر از یک اقدام در حوزه خدمات اجتماعی است و به شیوه مدیریت امور بازمی‌گردد. در نشست بیست و نهم تیر ۱۴۰۵، وی با بررسی روند اجرای «طرح حکمرانی محله‌محور و مسجدمحور»، مشارکت اجتماعی و بهره‌گیری از توان مردمی را در کنار اصلاح الگوی مصرف، خوداتکایی و تقویت نقش مساجد، از الزامات عبور از ناترازی‌های اقتصادی و دستیابی به توسعه پایدار برشمرد.

پزشکیان بر این باور است که حل مسائل کشور، امری نیست که تنها بر دوش دولت قرار گیرد؛ نیازمند مشارکت فعال نهادهای اجتماعی، مساجد، گروه‌های مردمی و مدیران محلی در مسیر اصلاح ساختارها و رسیدگی به مشکلات انباشته است. در این چارچوب، محله محوری به معنای نزدیک‌تر کردن فرآیند شناسایی و پیگیری مسائل به محیطی است که مشکلات در آن شکل می‌گیرند. تحقق این هدف، مستلزم تقسیم دقیق نقش‌ها و ایجاد هماهنگی میان ظرفیت‌های مردمی و دستگاه‌های مسئول است.

در همین راستا، رئیس جمهور در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در چهارم شهریور ۱۴۰۵، با یادآوری تجربیات دوران دفاع مقدس، بر نقش محله‌ها در مدیریت بحران‌های اجتماعی تاکید کرد. این نگاه، محله را از یک ایستگاه صرف برای دریافت خدمات، به بستری پویا برای سازمان‌دهی مشارکت و بهره‌گیری از توان جمعی جامعه تبدیل می‌کند.

مسجدمحوری از دیدگاه امامین انقلاب

توجه رئیس جمهور به مسجدمحوری، تلاشی است برای عملیاتی کردن آن دیدگاهی که در اندیشه امامین انقلاب (ره) به عنوان ستون فقرات جامعه اسلامی تعریف شده است. امام خمینی (ره) در تمام دوران زندگی و رهبری، مسجد را نقطه آغاز هر تحول بزرگ می‌دانستند. از نظر ایشان، مسجد باید کانون تربیت، آگاهی‌بخشی و سازماندهی توده‌ها باشد. امام (ره) همواره تاکید می‌کردند مساجد باید به مراکز مدیریت جامعه تبدیل شوند تا هر مشکلی، چه معنوی و چه مادی، ابتدا در همان‌جا بررسی شود. ضمن آنکه فراموش نمی‌کنیم مساجد از ارکان مهم در نهضت امام خمینی (ره) در مبارزه با رژیم پهلوی محسوب می‌شدند. اندیشه امام درباره مسجدمحوری، تبدیل کردن مسجد به مرکزی بود که عدالت اجتماعی را جاری کند. مسجد در نگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی، قلعه‌ای بود برای صیانت از حاکمیت اسلامی و مرکز بسیج همگانی برای مقابله با هرگونه ظلم و استبداد.

در امتداد همین مسیر، اندیشه امام شهید (ره) در مورد مسجد، نگاه امام فقید را با رویکردی سازمان‌یافته‌تر و متناسب با چالش‌های عصر جدید تکمیل کرد. از نگاه ایشان، مسجد باید کانون هدایت باشد که در آن، ایمان با عمل پیوند می‌خورد. امام شهید (ره) بر این باور بودند: «مسجد نه تنها مرکز خودسازی و انسان‌سازی است، بلکه محلی برای تعمیر دل و دنیا، مقابله با دشمن، زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد به شمار می‌رود. این پایگاه، نقش اجتماعی و نظام‌سازی دارد و تجمع مردمی حول محور نماز و ذکر، از شاخصه‌های مهم قدرت و انسجام جامعه اسلامی است. مسجد می‌تواند محل رشد فردی، تقویت جامعه و ارتقای قدرت بازدارندگی فرهنگی و معنوی کشور باشد و باید با تاکید بر تعبد اسلامی، نقش خود را در جامعه بیش از پیش ایفا کند.»

رویکرد عملیاتی دولت

تاکید اخیر رئیس جمهور بر ظرفیت ۸۰ هزار مسجد کشور، در حقیقت تلاشی است برای تبدیل اندیشه‌های امامین انقلاب. حضور فعال مساجد در حل مشکلات مردم، گامی در جهت کاهش بروکراسی دولتی و رسیدن مستقیم به نیازهای جامعه است. رئیس جمهور با اشاره به این ظرفیت عظیم، بر این باور است، مساجد می‌توانند به عنوان بازوی اجرایی دولت در محله‌ها عمل کنند. یکی از محورهای اصلی این نگاه، مدیریت مصرف انرژی و ترویج فرهنگ صرفه‌جویی است. در دورانی که مدیریت منابع ملی اهمیت حیاتی دارد، مسجد می‌تواند به عنوان یک الگوی رفتاری عمل کند. وقتی امام جماعت و فعالان مسجد در مصرف بهینه پیش‌قدم شوند، این فرهنگ به سرعت در میان مردم نفوذ و پذیرش آن را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، رئیس جمهور به درستی به جنگ روانی دشمن اشاره کرد. دشمنان امروز با استفاده از ابزارهای مختلف، به دنبال ایجاد نارضایتی و تضعیف روحیه مردم هستند. در این میان، مسجدمحوری به عنوان سپر دفاعی عمل می‌کند. مساجد با ایجاد فضای گفت‌وگو، همدلی و گره‌گشایی از مشکلات معیشتی، هرگونه تلاش برای ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت را بی‌اثر می‌کنند. تبدیل مسجد به مرکزی برای شنیدن گله‌ها و رفع نیازهای محلی، باعث می‌شود مردم احساس کنند در کنار دولت هستند و همین همبستگی، توطئه‌های دشمنان را نقش برآب می‌کند. در نهایت، مسجدمحوری در دوران کنونی، هم ضرورت معنوی برای ارتقای ایمان است و هم ضرورت مدیریتی برای پیشبرد اهداف ملی و تقویت انسجام اجتماعی در برابر تهدیدات خارجی.

مسجد همچنان قلب تپنده انقلاب است

باید پذیرفت مسجد، زیربنای اصلی اعتماد میان مردم و ساختار حاکمیت است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های ۸۰ هزار مسجد کشور، راهکاری عملی برای مدیریت بحران‌های اقتصادی و مقابله با جنگ‌های روانی دشمن است. با حرکت به سوی مسجدمحوری، نه تنها مدیریت مصرف و منابع ملی بهبود می‌یابد، در اصل دیوار دفاعی جامعه در برابر توطئه‌های تفرقه‌افکن نیز مستحکم‌تر می‌شود. تحقق این هدف، مستلزم نگاهی است که در آن، مسجد همواره به عنوان کانون گره‌گشایی، مرکز آگاهی‌بخشی و پایگاه اصلی همبستگی ملی، در قلب برنامه‌های اجرایی و تصمیم‌های کلان کشور جای گیرد. در این مسیر، دولت چهاردهم با پایبندی به همین نگاه و باور، گامی جدی در راستای تحقق این اهداف برداشته است. امید می‌رود با همسویی کامل میان دستگاه‌های اجرایی و ظرفیت‌های مساجد، گام‌های موثری در جهت حل مسائل و مشکلات محلی (در قالب حکمرانی محله‌محور) برداشته شود و نتایج این حرکت، به شکلی ملموس در زندگی مردم و در آرامش اجتماعی آنها تجلی یابد.

گزارش «آگاه» درباره موضع‌گیری سخنگوی ارشد نیروهای مسلح را بخوانید

آمریکا و شکست دکترین تجاوز

در سپهر سیاست بین‌الملل، معادلات قدرت همواره در حال تغییر و تحول هستند. آنچه روزگاری به عنوان سلطه مطلق یا یک‌جانبه‌گرایی نظامی شناخته می‌شد، امروز در برابر اراده‌های مستقلی که از دل مقاومت برآمده‌اند، به شدت در حال فرسایش است. در حالی که جهان شاهد گذار از نظم تک‌قطبی به سوی نظم‌های چندجانبه است، ایالات متحده آمریکا در میانه بحران‌های عمیق داخلی و ناکامی‌های خود در منطقه، با چالشی بنیادین روبه‌رو شده است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در انتخابات اخیر شکست سنگین خورد و جمهوری‌خواهان را حسابی درکما برد و آنها باید برای شکست‌های آتی هم آماده شوند. بنا به اظهار نظر تعدادی از کارشناسان بین‌الملل، هر حزبی در آمریکا در انتخابات کنگره شکست بخورد، نمی‌تواند از سد انتخابات ریاست جمهوری عبور کند.

در چنین فضایی، اظهارات اخیر سردار ابوالفضل شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح، پاسخی به تحولات اخیر در واشنگتن بود. او دیروز در گفت‌وگویی درباره تحولات سیاسی و انتخاباتی آمریکا گفت: تحولات سیاسی و انتخاباتی ایالات متحده آمریکا و شکست‌های پی در پی دولت ترامپ و هم حزبی‌های او در عرصه‌های مختلف، بیش از آنکه معلول نوسانات سطحی سیاست داخلی این کشور باشد، بازتابی از یک واقعیت بزرگ‌تر و غیرقابل انکار است؛ یعنی شکست در برابر اراده ایران مقتدر. وی با بیان اینکه شکست دکترین تجاوز، ترور و فشار حداکثری و راهبردهای بی‌خاصیت نظامی واشنگتن در برابر اقتدار بازدارنده، شکننده و اراده آهنین رهبری، ملت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که امروز بر هیچ تحلیلگر منصفی پوشیده نیست، تاکید کرد: سیاست‌های خصمانه سران آمریکا علیه ایران، ناکامی‌های پی‌درپی در جهان و به ویژه در منطقه غرب آسیا، فروریختن هیمنه پوشالی ناوگان و تجهیزات نظامی آمریکای متجاوز و به بن‌بست رسیدن تهدیدات آن کشور، پایه‌های قدرت توخالی کاخ سفید را به لرزه درآورده است.

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح تاکید کرد: «ترامپ و همفکران بی‌خرد، تندرو و تروریست او برای نابودی ایران سربلند و متمدن وارد میدان شده بودند، اما در چرخشی معکوس، خود قربانی فرسایش راهبردی، بحران‌های عمیق داخلی و شکست‌های تحمیل شده از سوی نیروهای مسلح سرافراز ایران و محور مقاومت شدند. این شکست راهبردی سند زنده‌ای بر این حقیقت است که معادلات قدرت جهان هرگز به سود سلطه‌گران رقم نمی‌خورد.»

ضرورت مطرح شدن این مواضع در مقطع فعلی، از آنجا نشأت می‌گیرد که جهان شاهد تقابل شدید داخلی در ایالات متحده است. تلاطم‌های سیاسی در آمریکا و چرخشی که در کنگره این کشور رخ داد باعث شده، تحلیل‌گران به دنبال معنای شکست جمهوری‌خواهان باشند. سردار شکارچی با انتخاب این زمان، می‌خواهد به مخاطب جهانی و داخلی پیامی منتقل کند، مبنی بر اینکه شکست دکترین فشار حداکثری، اتفاق گذرا نیست، نتیجه برخورد با واقعیت غیرقابل انکار است؛ «اقتدار بازدارنده جمهوری اسلامی ایران.»

سخنان سردار شکارچی بر واقعیت عمیق تاکید دارد؛ شکست دولت‌های متجاوز، برخاسته از نوسانات سطحی نیست. او با دقت، شکاف میان توان نظامی کاغذی و واقعیت میدانی را ترسیم می‌کند. دکترین‌های قدیمی واشنگتن که بر پایه ترور، فشار حداکثری و تجاوز نظامی بنا شده بودند، در برابر ایستادگی ملت



ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، به بن‌بست رسیده و در حال فروپاشی هستند. این فرسایش، تنها محدود به عرصه‌های نظامی نیست، سیاست‌های خصمانه سران آمریکا، درواقع منجر به خودتخریبی قدرت آنها شده است. ناکامی‌های مستمر در منطقه غرب آسیا و بی‌اثر بودن ناوگان و تجهیزات نظامی متجاوز، نشان می‌دهد قدرت واقعی، در برخورداری از سلاح‌های پیشرفته نهفته نیست، در بسیج همگانی ملت است. ترامپ و همفکران تندرو و تروریست او، با این تصور واهی وارد میدان شدند که می‌توانند ایران را به زانو درآورند، اما در چرخشی معکوس، خود آنها قربانی بحران‌های عمیق داخلی و شکست‌های تحمیل‌شده از سوی محور مقاومت شدند. این شکست حکایت از آن دارد، معادلات قدرت دیگر به سود سلطه‌گران یا بهتر است بگوییم استکبار (دموکرات و جمهوری‌خواه) رقم نمی‌خورد.

نکته تکمیلی و تاکیدکننده بر سخنان سردار شکارچی، اعتراف تحلیل‌گران وابسته به غرب است. میدل‌ایست‌مانیتور در مطلبی با اشاره به ادعای برخی رسانه‌ها درباره آماده‌سازی احتمالی واشنگتن و تل‌آویو برای از سرگیری کارزار نظامی علیه ایران با امید واهی به دستیابی به اهدافی که در دو جنگ گذشته به آنها دست نیافته‌اند، نوشت: «ایران اکنون آماده‌تر است و بانک اهداف گسترده‌تری را مهیا کرده و در نتیجه، جنگ جدید با تهران، نه‌تنها بی‌حاصل خواهد بود بلکه منافع آمریکا، متحدانش و اقتصاد جهانی را در معرض خطری جدی قرار خواهد داد. تهران در دو جنگ قبلی تجربه مستقیمی از توانمندی‌های نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل، متدهای حمله آنها و ضعف‌های موجود در سامانه دفاعی خود ایران به دست آورده و از آن زمان فرصت داشته است تا بخشی از این ضعف‌ها را برطرف و قابلیت‌های نظامی خود را تقویت کند.»

در این مطلب آمده است: افزون بر این، باید کاهش چشمگیر احتمال غافلگیری را مد نظر قرار داد. به ادعای میدل‌ایست‌مانیتور، در جنگ‌های قبلی، حملات اولیه بخش‌هایی از ساختارهای نظامی و امنیتی ایران را غافلگیر کرد. اما این بار ایران فرصت داشته است تا تدابیر امنیتی پیرامون مقامات ارشد سیاسی و نظامی خود را تقویت کند. اکنون به احتمال زیاد، حفاظت از فرماندهان و مقامات کلیدی ایران بسیار قوی‌تر از دوره درگیری‌های قبلی است. این رسانه غربی در تحلیل خود آورده است: ایران همچنین از تجربه نظامی و امنیتی کلی در دو جنگ گذشته درس آموخته است. اکنون تهران درک بهتری از نقاط آسیب‌پذیر آمریکا دارد و بیش از پیش می‌داند که چگونه می‌تواند از توانمندی‌های نظامی و فنی خود برای وارد کردن خسارت بیشتر به آمریکا استفاده کند. این تجربه می‌تواند در یک درگیری جدید، پاسخ ایران را موثرتر سازد. تهران این فرصت را داشته است تا عملیات‌های قبلی خود را بازبینی، نقاط قوت و ضعف این عملیات‌ها را شناسایی کند و گزینه‌های واقع‌بینانه‌تری برای واکنش مهیا کند. این تغییرات بدان معناست که جنگ جدید، در شرایطی مشابه دو جنگ قبلی آغاز نخواهد شد. ایران آماده‌تر است، آسیب‌پذیری‌اش در برابر غافلگیری کمتر شده و شناخت بیشتری از نحوه واکنش به عملیات نظامی واشنگتن و تل‌آویو دارد.

به هر حال آنچه مشخص است، جهان امروز با ظهور ایران مقتدر روبه‌روست؛ کشوری که توانست با تکیه بر شعار «ما می‌توانیم»، تعریف قدرت را در منطقه و جهان تغییر دهد. سخنان سردار شکارچی و تحلیل‌های رسانه‌های خارجی، هردو به نقطه مشترک ختم می‌شوند؛ دوران اعمال فشار بی‌محابا و تهدیدات توخالی به پایان رسیده است. ایران با تکیه بر اراده مردم و توانمندی پیشرو در نیروهای مسلح، توانسته است معادلات قدرت را از سلطه یک‌جانبه به حالت توازن مقتدرانه و بازدارنده تغییر دهد. این تغییر پارادایم به این معناست که دیگر هیچ قدرتی نمی‌تواند با اتکا به ابزارهای نظامی یا فشارهای اقتصادی، استقلال و حاکمیت ملی ایران را به چالش بکشاند.

امروز، این اقتدار، تنها ضمانت صیانت از حاکمیت ملی و تنها مانع واقعی در برابر توطئه‌های جهانی و نقشه‌های تفرقه‌افکن است. اما باید توجه داشت، حفظ این جایگاه، مستلزم تداوم همین مسیر است؛ مسیر آمادگی دائمی، هوشیاری مستمر و به‌روزرسانی توانمندی‌ها. تنها با تکیه بر همین اراده جمعی است که می‌توان این پیروزی‌های راهبردی را تثبیت و هرگونه جسارت احتمالی در آینده را در نطفه خفه کرد تا صلح و ثبات منطقه، بر پایه عدالت و اقتدار ملت‌های منطقه استوار شود.



حجت‌الاسلام خلیلی، معاون اول قوه قضاییه:

یک محور، یک ملت، یک اراده؛ این معادله اقتدار ایران اسلامی است

چرا برخی مدعیان اصلاح‌طلبی با اتمی شدن ایران، مخالفند؟

«سلاح هسته‌ای» بهانه است؛ «اقتدار ملی» نشانه است

سلاح هسته‌ای یک مؤلفه اقتدار است که عامل قوی بازدارندگی برای ایران اسلامی در جنگ وجودی با گرگ‌های آمریکایی و صهیونیستی است. اکنون دستیابی به سلاح هسته‌ای به یک مطالبه جدی در بدنه اجتماعی و نخبگانی تبدیل شده است و آحاد مردمی که برای تمامیت جغرافیایی و امنیت ایران، دغدغه و دل‌نگرانی دارند، این مطالبه را پیش می‌برند.



به گزارش «آگاه»، سلاح هسته‌ای، ستون خیمه اقتدار ملی و مطمئن‌ترین ضامن بازدارندگی ایران اسلامی در نبردی است که دشمن آن را جنگ وجودی می‌داند. امروز این مطالبه از حاشیه به متن آمده و در بدنه اجتماعی و نخبگانی کشور به یک خواسته جدی و گسترده بدل شده است؛ خواسته‌ای که صاحبان آن، همه دغدغه‌مندان تمامیت جغرافیایی و امنیت ایران هستند!

در جنگ وجودی و موجودیتی فعلی با مستکبران، تکیه بر حسن نیت و معاهدات طرف متخاصم، امنیت نمی‌آورد؛ آنچه امنیت می‌آورد، اقتدار برخاسته از توان هسته‌ای است. بازدارندگی، پیش از آنکه در میدان نبرد سنجیده شود، در عرصه اقتدار ساخته می‌شود و سلاح هسته‌ای موثرترین مؤلفه این اقتدار در مصاف با گرگ‌های آمریکایی و صهیونیستی است. از همین رو، دستیابی به آن دیگر یک بحث نخبگانی نیست، بلکه مطالبه‌ای جدی و رو به گسترش در بدنه اجتماعی است که آحاد مردمی دل‌نگران امنیت و تمامیت ارضی ایران آن را پیش می‌برند. در این میان، برخی عناصر مدعی اصلاح طلبی و برخی تریبون داران، در حال شنا کردن خلاف جریان آب هستند و مدام پمپاژ می‌کنند که دستیابی به سلاح هسته‌ای برای ایران خطرناک است. این جماعت همان‌هایی هستند که کلیدواژه «تله تنش» و «تله جنگ» و «دام نتانیاهو» را پیش از جنگ ۱۲ روزه مدام غرغره می‌کردند و کشور را از پاسخ به ترور اسماعیل هنیه بازمی‌داشتند.

تلاش برای تضعیف هر مؤلفه قدرت ملی!

مسئله این جماعت اصلاح طلب نما، سلاح اتمی نیست؛ هر مؤلفه قدرت ملی که بتواند کشور را از رفتن به زیر چکمه آمریکا باز دارد برای آنها مانند خار در چشم و استخوان در گلو است. تنگه هرمز، سلاح اتمی، اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری اجتماعی، قدرت منطقه‌ای یا هر مؤلفه دیگری فرقی ندارد، این جماعت با تمام قوا برای تضعیف هر مؤلفه قدرت ملی، چنگ می‌زنند.

در ادبیات سیاسی امروز ایران، بحث بر سر سلاح اتمی به تنهایی محل نزاع نیست؛ آنچه در سال‌های اخیر بیش از پیش آشکار شده، الگویی تکرارشونده در رفتار جریان موسوم به اصلاح طلب است و آن الگو، عبارت است از اینکه هر عاملی که توان بازدارندگی کشور در برابر فشار بیرونی را افزایش دهد، به‌جای آنکه به‌عنوان سرمایه ملی دیده شود، به میدان نقد و تضعیف تبدیل می‌شود. درواقع، مسئله، هسته‌ای یا غیرهسته‌ای بودن ابزار قدرت نیست؛ مسئله خود «قدرت» است. سلاح اتمی برای این جماعت تنها یک نمونه از فهرست بلند بالایی است که در آن، تنگه هرمز، اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری اجتماعی و قدرت منطقه‌ای نیز جای دارند.

بررسی مواضع و عملکرد این جریان در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که ابزار مخالفت تغییر می‌کند، اما جهت آن ثابت می‌ماند. زمانی، تنگه هرمز و توان دریایی کشور در معرض تردید قرار می‌گیرد؛ زمانی دیگر، اقتصاد مقاومتی با برچسب انفعال و انزوا، از میدان بیرون رانده می‌شود و در نوبتی دیگر، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری ملی در برابر فشارهای بیرونی، به اتهام مقاومت‌فروشی، تحقیر می‌شود.

جریانی که وابستگی را می‌پسندد!

جریان مدعی اصلاح طلبی در هر دوره، مؤلفه‌های قدرتی را هدف می‌گیرد که در آن لحظه بیشترین نقش را در حفظ استقلال کشور ایفا می‌کند؛ گویی اولویت‌بندی آنها نه بر اساس منافع ملی، بلکه بر اساس میزان اصطکاک آن مؤلفه با انتظارات قدرت‌های بیرونی تنظیم می‌شود. پرسش اصلی این نیست که فلان ابزار قدرت چه هزینه‌ای دارد، بلکه این است که آیا آن ابزار، کشور را از وابستگی و تحمیل اراده بیرونی دور می‌کند یا نه. از این منظر، هر مؤلفه‌ای که فاصله میان تهران و سلطه واشنگتن را افزایش دهد، در فهرست اهداف این جریان قرار می‌گیرد؛ بی‌آنکه تفاوتی میان ابزار نظامی، اقتصادی یا اجتماعی آن باشد. ضرورت بازتعریف وفاداری سیاسی بر پایه منافع ملی در جریان اصلاح طلبی بسیار احساس می‌شود. اصلاح طلبان اصیل باید راه و مسیر خود را از مدعیان اصلاح طلبی که مؤلفه‌های اقتدار ملی را تخطئه می‌کنند، جدا کنند؛ برای آن جماعت، سلاح هسته‌ای بهانه است؛ اقتدار ملی نشانه است. همگان باید بدانند که قدرت ملی، مجموعه‌ای به‌هم پیوسته است که تضعیف هر حلقه آن، کل زنجیره بازدارندگی را سست می‌کند. در این نگاه، نقد سازنده با تخریب هدفمند یکی نیست و آنان که هر روز یک ستون از این بنا را نشانه می‌گیرند، در عمل نه منتقد قدرت، بلکه عامل تضعیف آن‌اند.

منادیان آمریکا و اقدامات ضد ملی آنها

بزرگ‌ترین ماموریت منادیان آمریکا در ایران در سه دهه گذشته، ممانعت از تولید و بازتولید قدرت ملی به خصوص قدرت نظامی و امنیتی در ایران بوده است. از اقدامات مخرب علیه وزارت اطلاعات در دهه ۷۰ و تمام پروژه‌های سیاسی، امنیتی و رسانه‌ای برای تضعیف سپاه، بسیج و فراجا تا ترور شخصیت حاج قاسم سلیمانی و تخریب نیروی قدس سپاه با انگ مدافعان بشار و کوبیدن نیروی هوافضا به بهانه شعارنویسی روی موشک‌ها و رونمایی از شهرهای موشکی به اتهام برهم زدن برجام و... همه و همه پازل‌های یک ماموریت ۳۰ ساله برای تضعیف قدرت نظامی و امنیتی و در یک کلام قدرت و امنیت ملی ایران بود.

به عبارت دیگر، سه دهه است که در سپهر سیاسی ایران، الگویی تکرارشونده و کم‌وبیش ناشناخته جریان دارد؛ نه مجموعه‌ای از رخدادهای پراکنده، بلکه یک خط ممتد که در هر برهه، یکی از ارکان توان دفاعی و امنیتی کشور را در تیررس می‌گیرد. تحلیلگران معتقدند آنچه در این سال‌ها رخ داده، بیش از آنکه واکنش به یک تصمیم یا یک پرونده مشخص باشد، اجرای مرحله به مرحله یک طرح بلندمدت بوده است. اما یکی از مهم‌ترین محورهای این کلان سیاست، خلع سلاح ایران بوده است که بخش مهمی از آن از طریق عضویت ایران در کنوانسیون‌های مختلف خلع سلاح از جمله سی‌تی‌بی‌تی رقم خورد. تمام حقه‌بازی رسانه‌ای و تبلیغاتی و سیاسی این جماعت برای اینکه ایران به بمب اتم مجهز نشود را در همین چارچوب باید دید.

ماموریت منادیان آمریکا در ایران هرگز تغییر نکرد؛ فقط ابزارها و سیبل‌ها عوض شد؛ یک روز وزارت اطلاعات، روز دیگر سپاه و امروز برنامه هسته‌ای. تضعیف هر یک از این حلقه‌ها، تضعیف کل زنجیره بازدارندگی است و آنان که هر روز یک ستون را نشانه می‌گیرند، در عمل نه منتقد قدرت، بلکه عامل خلع قدرت‌اند. اگر خلع سلاح را نه یک هدف فنی بلکه یک پروژه سیاسی بلندمدت ببینیم، آن‌گاه مواضع داخلی عناصر طرفدار محدودسازی ابزارهای اقتدار و عناصر تحذیرکننده از رفتن به سمت سلاح اتمی، دیگر تصادفی یا دلسوزانه به نظر نمی‌رسد.

دارودسته ترامپ مشغول استعفا هستند

زلزله در کاخ سفید

ریچارد والترز، معاون رئیس دفتر کاخ سفید، روز یک‌شنبه هشتم نوامبر از کناره‌گیری خود از دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، خبر داد؛ تصمیمی که همزمان با تغییر رئیس دفتر کاخ سفید و افزایش گمانه‌زنی‌ها درباره جابه‌جایی‌های بیشتر در میان مقام‌های ارشد دولت اتخاذ شده است.

به گزارش خبرگزاری ریانووستی به نقل از وبگاه آمریکایی آکسیوس، والترز نخستین مقام ارشد کاخ سفید است که پس از معرفی استفان میلر به‌عنوان جانشین سوزی وایلز، از سمت خود کنار می‌رود. ترامپ روز جمعه ششم نوامبر اعلام کرده بود که استفان میلر، مشاور ارشد و از چهره‌های نزدیک به او، از روز دوشنبه نهم نوامبر مسئولیت ریاست دفتر کاخ سفید را بر عهده خواهد گرفت. والترز در پیامی که آکسیوس منتشر کرده، خدمت در دولت ترامپ را افتخاری بزرگ توصیف کرده و از سوزی وایلز به دلیل فراهم کردن فرصت حضور او در کاخ سفید قدردانی کرده است. براساس گزارش یک منبع آگاه، والترز استعفای خود را روز جمعه ششم نوامبر ارائه کرده و جدایی او از دولت بدون بروز اختلاف آشکار صورت گرفته است.

استفان میلر، رئیس جدید دفتر کاخ سفید، نیز در واکنش به این استعفا اعلام کرده است که والترز همچنان در خارج از ساختار دولت به پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های ترامپ کمک خواهد کرد. والترز از ماه مه مسئولیت معاونت رئیس دفتر کاخ سفید را بر عهده داشت و از نزدیکان سیاسی سوزی وایلز محسوب می‌شد. همکاری و ارتباط سیاسی این دو به سال‌ها پیش بازمی‌گردد. کناره‌گیری والترز در شرایطی رخ داده که تغییر در رأس دفتر کاخ سفید، به یکی از مهم‌ترین تحولات داخلی دولت ترامپ پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا تبدیل شده است. جمهوری‌خواهان در انتخابات اخیر با شکست‌هایی روبه‌رو شدند و گزارش‌های رسانه‌ای حاکی از آن است که ترامپ پس از اعلام نتایج، از عملکرد برخی مشاوران و مسئولان سیاسی خود ابراز نارضایتی کرده است.

آکسیوس پیشتر گزارش داده بود که سوزی وایلز پس از افزایش نارضایتی ترامپ از نتایج انتخابات، استعفای خود را ارائه کرد؛ هرچند رئیس جمهور آمریکا هنگام معرفی جانشین او، از عملکرد وایلز تمجید کرد و گفت که وی به فعالیت در مجموعه سیاسی ترامپ ادامه خواهد داد. در همین حال، روزنامه انگلیسی دیلی میل نیز پیشتر مدعی شده بود که ترامپ پس از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان دوره‌ای، در دفتر بیضی کاخ سفید با وایلز مشاجره شدیدی داشته است. براساس این گزارش، رئیس جمهور آمریکا در جریان این مشاجره از رئیس دفتر خود خواسته بود اتاق را ترک کند؛ ادعایی که یکی از مقام‌های کاخ سفید، دست‌کم درباره بالا رفتن صدای ترامپ، آن را رد کرده است.

استفان میلر که قرار است از روز دوشنبه فعالیت خود را در سمت جدید آغاز کند، از چهره‌های شناخته‌شده در تدوین و پیگیری سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی دولت ترامپ است. انتصاب او به ریاست دفتر کاخ سفید در حالی صورت می‌گیرد که دولت آمریکا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای با شرایط سیاسی تازه‌ای روبه‌رو شده و قرار است در ماه‌های آینده با کنگره‌ای مواجه شود که دموکرات‌ها در آن قدرت بیشتری خواهند داشت.

استعفای والترز، به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین همکاران سوزی وایلز، نخستین نشانه آشکار تغییر ترکیب مدیریتی دفتر کاخ سفید پس از انتصاب میلر است؛ تغییری که می‌تواند با آغاز فعالیت رئیس دفتر جدید، به جابه‌جایی‌های دیگری در ساختار تصمیم‌گیری دولت ترامپ منجر شود.

فریادهای انتخاباتی ترامپ بر سر رئیس دفتر سابقش

دونالد ترامپ پس از شکست سنگین حزب جمهوری‌خواه در انتخابات میان‌دوره‌ای، در نشستی با حضور شماری از دستیاران خود به شدت از سوزی وایلز، رئیس دفتر مستعفی کاخ سفید، انتقاد کرد و با فریاد از او خواست جلسه را ترک کند؛ اتفاقی که در نهایت به کناره‌گیری وایلز و جایگزینی او با استفان میلر منجر شد. به گزارش روزنامه انگلیسی دیلی میل، بر اساس روایت چهار منبع آگاه که با دیلی میل گفت‌وگو کرده‌اند، ترامپ روز پنج‌شنبه در جلسه‌ای با حضور دستیارانش، وایلز را به دلیل نتایج نامطلوب جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای به شدت مورد سرزنش قرار داد.

یکی از منابع نزدیک به رئیس جمهور آمریکا گفت که ترامپ در این جلسه از کوره در رفت و آن قدر بر سر وایلز فریاد زد تا او اتاق را ترک کرد. دو منبع دیگر نیز مدعی شدند که ترامپ شخصا او را از جلسه بیرون کرده و به وی گفته است که اتاق را ترک کند.



وایلز که ۶۹ سال دارد، از سال ۲۰۱۶ در کنار ترامپ بوده و طی دو سال گذشته ریاست دفتر کاخ سفید را بر عهده داشته است. او در جریان انتخابات ۲۰۲۴ نیز نقش مهمی در بازگشت ترامپ به قدرت و پیروزی او در هر هفت ایالت سرنوشت‌ساز انتخاباتی ایفا کرده بود. با این حال، به نوشته دیلی‌میل، تنها طی ۷۲ ساعت پس از شکست جمهوری‌خواهان، جایگاه او در کاخ سفید به شدت متزلزل شد.

این روزنامه به نقل از دو منبع آگاه نوشت وایلز که از ماه‌ها قبل به طور محرمانه برای خروج از دولت پس از انتخابات برنامه‌ریزی می‌کرد، از ترامپ خواسته بود تا ماه فوریه در سمت خود باقی بماند تا روند انتقال مسئولیت‌ها به‌تدریج انجام شود؛ اما رئیس جمهور با این درخواست موافقت نکرد. به گفته یک مقام کاخ سفید، وایلز پنج‌شنبه شب و پیش از آنکه ترامپ رسما او را برکنار کند، استعفای خود را اعلام کرد. با این حال، ترامپ بلافاصله با این استعفا موافقت نکرد و به او گفت بعدا درباره آن صحبت خواهند کرد. وایلز صبح جمعه بار دیگر به دفتر بیضی شکل رفت و بر ضرورت کناره‌گیری خود تاکید کرد. در نهایت، برخلاف درخواست او برای ادامه حضور تا فوریه، جمعه آخرین روز کاری‌اش اعلام شد. مقام کاخ سفید دلیل کناره‌گیری وایلز را خستگی او عنوان کرد و گفت: او خسته شده بود و دیگر نمی‌خواست به این مبارزه ادامه دهد. با این حال، منابع نزدیک به ترامپ این روایت را رد کرده و مدعی شدند که وایلز همچنان برای حفظ موقعیت خود تلاش می‌کرده است.

اختلافات عمیق در واشنگتن پیرامون جنگ با ایران

بخش دیگری از گزارش دیلی‌میل به اختلافات داخلی کاخ سفید بر سر مسئولیت شکست جمهوری‌خواهان اختصاص دارد. بر اساس این گزارش، متحدان وایلز در روزهای پس از انتخابات تلاش کردند پیت هگزث، وزیر جنگ آمریکا، را عامل اصلی ناکامی جمهوری‌خواهان معرفی کنند. سه منبع آگاه به این روزنامه گفتند که اطرافیان وایلز قصد داشتند نقش هگزث در هدایت جنگ علیه ایران را برجسته کنند؛ جنگی که به افزایش هزینه‌های زندگی و فشار اقتصادی بر رأی‌دهندگان آمریکایی منجر شده بود. یک مقام ارشد پنتاگون در این باره مدعی شد: سوزی تلاش می‌کرد پیت را کنار بزند تا مسئولیت فاجعه انتخاباتی از دوش خودش برداشته شود.

بر اساس این گزارش، ترامپ نیز پیشتر اذعان کرده بود که جنگ به جمهوری‌خواهان آسیب زده و در شکل‌گیری موج انتخاباتی به سود دموکرات‌ها نقش داشته است. او گفته بود رأی‌دهندگان حاضر نبودند پیامدهای کوتاه‌مدت افزایش قیمت بنزین را تحمل کنند. در همین حال، یکی از منابع نزدیک به ترامپ گفت که مشاوران رئیس جمهور طی روزهای اخیر بارها به او هشدار داده بودند که اعضای تیم وایلز اطلاعاتی درباره هگزث را به رسانه‌ها درز می‌دهند تا توجه افکار عمومی را از عملکرد رئیس دفتر کاخ سفید منحرف کنند. این منبع گفت در نهایت، افراد زیادی این موضوع را با ترامپ مطرح کردند و او به‌شدت عصبانی شد. پس از انتخابات نیز گزارش‌های متعددی درباره نارضایتی ترامپ از هگزث و بررسی احتمال برکناری او منتشر شده بود. یک مقام سابق دولت ترامپ نیز با لحنی تند وایلز را به افشای گسترده اطلاعات محرمانه متهم کرد و گفت: سوزی و وایلز اطلاعات را به رسانه‌ها درز می‌دهد؛ او به‌شدت در این کار دست دارد.

ترکیه از آذربایجان خشمگین است

تنش پنهان میان باکو و آنکارا

اختلاف اخیر ترکیه و آذربایجان پس از آن وارد مرحله‌ای پرتنش‌تر شد که دفتر دادستانی کل آذربایجان برای هفت شهروند ترکیه، از جمله چند روزنامه‌نگار، حکم بازداشت بین‌المللی صادر کرد. این اقدام در اوج تنش‌ها بین دو کشور بر سر موضع ترکیه در قبال تصمیم آذربایجان برای ممنوعیت حجاب در مدارس انجام شده است.

این تصمیم پرسش‌های بسیاری برانگیخت و مقام‌های آذربایجانی نه تنها با اخراج دانش‌آموزان و معلمان زن محجبه از مدارس، اقدامات خود را علیه آنها افزایش داده‌اند، بلکه فعالان آذربایجانی معترض به این ممنوعیت را نیز دستگیر و زندانی کرده‌اند. اتهامات رسمی آذربایجان علیه این هفت نفر، به ویژه عبدالله امام اوغلو، عالم دینی ترکیه و رئیس انجمن اوزگوردر نیز غیرعادی و شامل تحریک افکار عمومی برای تغییر اجباری قانون اساسی، گسترش نفرت و دشمنی مذهبی و سرنگونی حکومت بود.

این اتهامات گویای درک ناقص از دموکراسی در جمهوری آذربایجان و تضاد مدل سیاسی سکولار آن با مفاد قانون اساسی خود است. گرچه قانون اساسی این کشور دولت سکولار را تاسیس می‌کند، اما آزادی مذهب و بیان را نیز تضمین کرده است. همچنین، این اتهامات نشان دهنده وضعیت نامطلوب ساختار قضایی و تبعیت قوه قضاییه از دستورات دولتی است. طبق داده‌های سال ۲۰۲۶ خانه آزادی، آذربایجان در شاخص استقلال قضایی و چندین شاخص مرتبط با آزادی بیان، رسانه‌ها و انتخابات نمره صفر کسب کرده است. طبق اعلام دفتر دادستانی کل آذربایجان، حکم بازداشت بین‌المللی برای این هفت شهروند ترکیه به دلیل مطالب و پست‌هایی منتشر شده که آنها در شبکه‌های اجتماعی و وب سایت‌های مختلف منتشر کرده بودند. به ادعای مقام‌های آذربایجانی، این محتواها شامل دعوت به خشونت و افراط‌گرایی بوده‌اند. رسانه‌های حامی دولت ترکیه با بیان این موضوع، محدودیت‌های حجاب در آذربایجان را یادآور سیاست‌ها و اقداماتی دانستند که ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ موسوم به کودتای پست‌مدرن در ترکیه اجرا شد و با محوریت فرماندهان ارتش ترکیه با هدف زیر فشار گذاشتن و سرنگونی دولت اسلام‌گرای وقت رقم خورده بود.

بحران فقط حجاب نیست

تحولات اخیر بین باکو و آنکارا نشان می‌دهد این بحران محدود به جلوگیری از حجاب دانش‌آموزان و بانوان معلم در آذربایجان یا اختلاف بر سر قوانین پوشش مدارس نیست.

این بحران پس از حملات مقام‌های آذربایجانی به ترکیه و به دنبال آن، طرح اتهاماتی علیه هفت شهروند ترکیه به وسیله دفتر دادستان کل آذربایجان، صدور غیابی حکم بازداشت آنها و قرار دادن آنها در فهرست افراد تحت تعقیب بین‌المللی به دلیل انتشار سخنرانی‌های حاوی محتوای افراطی، وارد مرحله حساس‌تری شده است. امام اوغلو، عالم ترکیه‌ای نوشت: به دلیل سخنرانی در کنفرانس مطبوعاتی در مقابل سفارت آذربایجان در آنکارا برای اعتراض به ممنوعیت حجاب، رژیم علی‌اف حکم بازداشت بین‌المللی من را صادر کرده است.

همچنین، آذربایجان با اعلام ۳۱ شهروند ترکیه به عنوان عنصر نامطلوب و ممنوعیت ورود آنها به این کشور، تنش‌ها را افزایش داد. مقام‌های آذری این تصمیم را با استناد به اظهارات افراد توجیه می‌کنند که به باور آنها حاکمیت، امنیت ملی و نظم قانون اساسی آذربایجان را هدف قرار می‌دهد و نفرت و خشونت را تحریک می‌کند.

پیشتر آذربایجان از نحوه حمایت آنکارا از آذربایجان در آزادسازی منطقه قره‌باغ کوهستانی انتقاد کرده بود. منتقدان در باکو باور دارند مانند هر کشور دیگری سلاح‌های ترکیه را خریداری کرده و نقش ترکیه در عملیات نظامی، حضور فرماندهان ارتش ترکیه در آذربایجان در جنگ و نقش پهپادهای بایراکتار را کم اهمیت جلوه دادند.

علی‌اف نیز اعلام کرد کشورش هزینه این پهپادها را پرداخته است، در حالی که نظامیان ترک مسئول راه‌اندازی آنها بوده‌اند. اختلافات میان باکو و آنکارا ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و رو به وخامت گذاشته است. به طوری که برخی رسانه‌های جمهوری آذربایجان، هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه را متهم کرده‌اند در جریان آخرین سفر خود به باکو و در دیدار با چهره‌های اپوزیسیون، در پی تحریک شورش علیه دولت الهام علی‌اف بود. در همین راستا وب سایت نزدیک به نهاد ریاست جمهوری آذربایجان، این سفر را به اتهامات گسترده‌تری پیرامون فعالیت نهادهای وابسته به ترکیه در خاک آذربایجان مرتبط دانست. با وجود تکذیب‌های رسمی مقام‌های ترکیه، این وب سایت با انتشار گزارشی پرسید: آیا آذربایجان نیز با تلاش نهادهای وابسته به ترکیه برای انجام کودتا و ایجاد هرج‌ومرج در کشور مواجه شده است؟ گزارش این رسانه همچنین حزب عدالت و توسعه (AKP) را متهم کرد به وسیله سازمان‌های غیردولتی وابسته، در تلاش برای گسترش ایدئولوژی اسلام‌گرایانه خود در این کشور است. این گزارش همچنین ادعا کرد سازمان اطلاعات ترکیه از این نهادها برای دخالت در امور داخلی سایر کشورها استفاده و احتمالا فیدان در سفر خود دستورالعمل‌هایی در این زمینه صادر کرده باشد. گلوبال اینفو، یکی دیگر از وب سایت‌های خبری آذربایجان، ترکیه را به دنبال کردن سیاست نئوعثمانی در منطقه متهم و ادعا کرد، آنکارا با باکو به عنوان کشور تابع و نه شریک برابر رفتار می‌کند. طبق گزارش میدل ایست آی، آذربایجان از ترکیه خواسته تا حساب‌های کاربری و صفحات شبکه‌های اجتماعی هدایت‌کننده کمپین‌های موضوع حجاب در داخل این کشور را مسدود کند.

روابط با رژیم صهیونیستی

رابطه نزدیک بین آذربایجان و اسرائیل نیز عامل مهمی در درک متغیرهای منطقه‌ای پیرامون تنش‌های اخیر بین باکو و آنکارا است و این مقوله، رژیم صهیونیستی را به بخشی از این مناقشه سیاسی تبدیل می‌کند.

باکو و تل‌آویو همکاری راهبردی در زمینه‌های تسلیحات، فناوری امنیتی و انرژی را ادامه می‌دهند. آذربایجان با وجود حمایت ترکیه به وسیله پهپادهای بایراکتار، به پهپادها و سامانه‌های تسلیحاتی اسرائیل از جمله تسلیحات مورد استفاده در جنگ قره‌باغ، متکی بوده است. بنابراین، تصمیم برای محدود کردن حجاب، انتقاد برخی محافل ترکیه را برانگیخت که سکولاریسم باکو را به نزدیکی روزافزون آن با اسرائیل مرتبط می‌دانستند. از همین روی، تل‌آویو به نقطه اختلاف در روابط ترکیه و آذربایجان تبدیل شد. همزمان با تیره شدن روابط ترکیه و اسرائیل بر سر جنگ غزه، همکاری‌های نزدیک باکو و تل‌آویو به موضوعی حساس در محافل سیاسی و رسانه‌ای ترکیه تبدیل شد. به طوری که برخی رسانه‌های حامی دولت ترکیه، اعمال محدودیت‌های حجاب در آذربایجان را نشانه‌ای از نزدیکی بیشتر این کشور به اسرائیل دانستند.

در مقابل، به گزارش پایگاه اوراسیانت، حزب حاکم آذربایجان نوین این اتهامات را قاطعانه رد کرد و آن را تلاشی در جهت تحریف ماهیت روابط باکو و تل‌آویو خواند. طبق استدلال‌های مذکور، موضع تند آذربایجان در قبال ترکیه به اتحاد این کشور با اسرائیل و کشورهای متخاصم با ترکیه مرتبط است.

راسیم موسی بیگوف، نماینده مجلس آذربایجان حتی درباره اسرائیل، ترکیه را تهدید کرد و گفت: ما قصد نداریم روابط سودمند خود با اسرائیل را به خاطر چند نفر مختل و روابط خود را با تل‌آویو تضعیف کنیم، زیرا این روابط بر پایه‌های محکمی بنا شده‌اند که نمی‌توان آن را تضعیف کرد.



محمدصادق افراسیابی، مدیرعامل انجمن سواد رسانه‌ای ایران:

تاخیر رسانه‌های رسمی، میدان روایت‌سازی را به دشمن واگذار می‌کند

بازیگر و کارگردانی که صحنه نمایش را سنگر تکلیف می‌دید، درگذشت

او سرباز سیدعلی بود

خبر درگذشت کوروش زارعی، بازیگر، کارگردان و مدیر فرهنگی باسابقه در روز گذشته، ۱۷ آبان ۱۴۰۵ پس از یک دوره تحمل بیماری، بازتاب گسترده‌ای در محافل فرهنگی و رسانه‌ای کشور داشت.

به گزارش «آگاه» کوروش زارعی از آن دسته چهره‌هایی بود که نامش نه تنها با نقش‌های تلویزیونی و صحنه‌ای، بلکه با یک جهت‌گیری صریح، تثبیت شده و بدون پرده‌پوشی در چارچوب هنر متعهد و مذهبی تعریف می‌شد. درگذشت او، پرونده حیات حرفه‌ای هنرمندی را بست که هنر را ابزاری عملیاتی در خدمت باورهای فکری مشخص می‌دانست.

یکی از ابعاد بنیادین در کارنامه زارعی، مبارزه مداوم او با ساختار پایتخت‌زده تئاتر ایران و تلاش عملی‌اش برای تمرکززدایی از صحنه بود. او که خود زاده جنوب و برآمده از بستر تئاتر میناب هرمزگان بود، انحصار سالن‌ها و بودجه‌ها در تهران را مانعی بزرگ در برابر شکوفایی استعدادهای بومی می‌دانست. زارعی در مدیریت هنرهای نمایشی، وزن عمده توان نهادی را به تقویت جشنواره‌های استانی، رپرتوارهای منطقه‌ای و احیای جریان «تئاتر بچه‌های مسجد» در روستاها و شهرهای دورافتاده معطوف کرد. این پیگیری میدانی با فشارکاری سنگینی همراه بود؛ به گونه‌ای که در جریان برگزاری رویدادهای نمایشی استان‌ها و هدایت جشنواره فجر در سال ۱۴۰۱، بر اثر فشارهای عصبی دچار سکته مغزی و بستری در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان نمازی شیراز شد، اما بلافاصله پس از بازیابی نسبی سلامت، فعالیت‌های اجرایی‌اش را در همین مسیر تا آخرین روزها پی گرفت.

بررسی کارنامه زارعی نشان می‌دهد مسیر کاری او توازنی مستمر میان بازیگری، کارگردانی و مدیریت نهادی داشته است. او متولد اول مهر ۱۳۵۱ در میناب استان هرمزگان و دانش‌آموخته رشته هنرهای نمایشی بود. آغاز کارش با صحنه تئاتر همراه شد، اما قاب تلویزیون چهره او را در سطح وسیع‌تری به مخاطبان معرفی کرد. ایفای نقش «لاوی» (برادر بزرگ حضرت یوسف) در مجموعه تلویزیونی به کارگردانی فرج‌الله سلحشور (۱۳۸۷)، مهم‌ترین تصویر ماندگار او در حافظه بصری عامه مردم به جا گذاشت. پس از آن، حضور در مجموعه‌هایی نظیر «جابربن حیان»، «آنام»، «کیمیا» و «آسمان من» سابقه تصویری او را در سیمای جمهوری اسلامی تکمیل کرد. با این وجود، خاستگاه اصلی زارعی تئاتر بود. او روی صحنه آثاری چون «آینه»، «مسافران مرو» و «رویاهای خلیج فارس» را کارگردانی کرد؛ آثاری مانند «آینه» حتی در رویدادهای برون‌مرزی مانند فستیوال بین‌المللی جاده ابریشم آلمان نیز به نمایش درآمد. در عرصه مدیریتی، او قریب به یک دهه (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴) مدیریت مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری را عهده‌دار بود و تمرکز ویژه‌ای بر جریان تئاتر آیینی، تئاتر خیابانی و احیای جریان «بچه‌های مسجد» داشت. علاوه بر آن، دبیری چهل‌ویکمین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در سال ۱۴۰۱ یکی از مقاطع مهم مدیریت اجرایی او در شرایطی پرچالش به شمار می‌رفت.

یکی از مولفه‌های متمایز کارنامه زارعی، خروج تئاتر از سالن‌های سربسته و اجرای نمایش‌های میدانی در سطح منطقه‌ای بود. پروژه نمایشی «خورشید از حلب طلوع می‌کند» (الشمس تشرق من حلب) در شهرهای حلب و دمشق سوریه و سازماندهی موکب‌ها و تئاترهای آیینی در جریان راهپیمایی اربعین عراق، تجسم میدانی همین نگاه به تئاتر فرامرزی بود.

کوروش زارعی در نهایت با همان عنوانی که خود همواره بر آن تاکید داشت به پایان راه رسید؛ هنرمندی که با پرهیز از دوگانگی میان هنر و تعهد سیاسی، تا واپسین روزهای عمرش خود را سرباز سنگر فرهنگی جریان انقلاب تعریف کرد و در همین مسیر نامش در تاریخ تئاتر و تلویزیون معاصر ایران باقی ماند.



لایه‌های پنهان زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی مقاومت لبنان (۳)

سنگر آکادمی

مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ – دانشگاه‌های بیروت دهه‌هاست ویترین تقاطع مدرنیته فرانسوی، لیبرالیسم آمریکایی و منازعات هویتی خاورمیانه‌اند؛ جایی که در کافه‌های خیابان بلیس یا تالارهای تاریخی «دانشگاه آمریکایی بیروت» (AUB)، طبقه نخبه و تکنوکرات جهان عرب بازتولید می‌شود. اما درست در قلب این محیط‌های به‌شدت سکولار و غربی‌شده، شبکه‌ای سازمان‌یافته، منسجم و نخبگانی به نام «التعبئه التربویه» (بسیج دانشجویی و پرورشی مقاومت) صحنه بازی را دگرگون کرده است. جوانانی که چفیه را با کت‌های آراسته مدرن جایگزین کرده‌اند، با تسلط حیرت‌انگیز بر زبان‌های خارجی، منطق مناظره، ادبیات چپ ضدامپریالیستی و استانداردهای روزآمد آکادمیک، نه برای ایجاد تنش فیزیکی، بلکه برای فتح صندوق‌های انتخابات دانشجویی و تغییر موازنه فکری به میدان آمده‌اند. این گزارش، روایتی عمیق از نبرد نرم و بی‌صدای چریک‌های اندیشه در دانشگاه‌های لیبرال بیروت است؛ جدالی که در آن قلم، تریبون و استدلال، مرزهای مقاومت را تا پشت درهای کافه‌های لوکس رأس بیروت گسترش داده است.



برای درک عمق نبرد فرهنگی در پایتخت لبنان، باید چند دقیقه مقابل دروازه اصلی (Main Gate) دانشگاه آمریکایی بیروت ایستاد؛ همان ساختمانی با آجرهای سرخ و معماری سده نوزدهمی که خیابان شلوغ بلیس را به فضای آرام و در سایه‌سار درختان نخل یکی از غربی‌ترین کانون‌های آکادمیک غرب آسیا وصل می‌کند. در این راهروها، مکالمات روزمره میان زبان‌های عربی، فرانسوی و انگلیسی درهم تنیده است. پوسترهای احزاب سکولار، کلوپ‌های محیط‌زیستی و بیانیه‌های جریان‌های فمینیستی و لیبرال بر بوردها خودنمایی می‌کنند. سال‌ها پیش فرض طبقه سنتی و مذهبی این بود که ورود یک جوان مومن به این دانشگاه، یعنی آغاز مسیر تغییر هویت فکری، بریدن از ریشه‌ها و هضم شدن در سبک زندگی مصرف‌زده غربی.

اما معادله مدت‌هاست وارونه شده است. اعضای شاخه دانشجویی «التعبئه التربویه» (بسیج پرورشی) مقاومت، وارد این اتمسفر نشده‌اند تا در حاشیه بمانند یا هویت‌شان در سکوت هضم شود؛ آنها آمده‌اند تا در قلب نمادین مدرنیته لیبرال بیروت، از کرامت و حقانیت ایده مقاومت دفاع کنند. آنان ظاهر رزمندگان مرزی را ندارند. در دانشگاه AUB، قدیس (دانشگاه سن‌ژوزف) یا دانشکده‌های علوم دانشگاه ملی لبنان، فعال التعبئه ممکن است دانشجوی سال آخر دکترای فیزیک کاربردی با لهجه بی‌نقص انگلیسی، یا دانشجوی برتر مهندسی کامپیوتر باشد که کت جین پوشیده، لپ‌تاپ مک‌بوک زیر بغل دارد، اما در جیب داخلی کتش تسبیحی تربت و در ذهنش منظومه‌ای منسجم از مبانی مقاومت نهفته است. این تغییر فرم، نه نقاب، بلکه مجهز شدن به سلاح خود حریف برای نبردی عقلانی است.

التعبئه التربویه: اتاق فکر، نه پادگان نظامی

نام بسیج یا التعبئه در ذهن بسیاری از ناظران خارجی تصویری از رژه‌ها، لباس‌های استتار و فریادهای حماسی را تداعی می‌کند؛ اما در ساختار حزب‌الله، «التعبئه التربویه» واحدی کاملا متفاوت و شبه‌تکنوکراتیک است. این بخش از مقاومت که وظیفه هدایت و پشتیبانی دانش‌آموزان و دانشجویان را برعهده دارد، اساسا شبیه به یک مرکز سنجش استعداد، اندیشکده فرهنگی و باشگاه نخبگان عمل می‌کند. یکی از مهم‌ترین ماموریت‌های التعبئه، هدایت تحصیلی و حمایت نخبگانی است. آنها با رصد دانش‌آموزان ممتاز در مدارس المصطفی، المهدی و دبیرستان‌های دولتی، با استعدادترین فرزندان جنوب، ضاحیه و بقاع را تشویق و بورسیه می‌کنند تا در سخت‌ترین و نخبگانی‌ترین رشته‌های دانشگاه‌های معتبر غیرمذهبی ثبت‌نام کنند؛ از مهندسی بیومدیکال گرفته تا علوم سیاسی و حقوق بین‌الملل و اقتصاد. منطق حاکم بر این استراتژی روشن است؛ مقاومت نمی‌تواند در محیط دانشگاهی با موعظه سنتی نفوذ کند؛ مقاومت زمانی احترام برمی‌انگیزد که نماینده‌اش رتبه اول دانشکده پزشکی یا برجسته‌ترین محقق آزمایشگاه هوش مصنوعی باشد. وقتی یک دانشجو به لحاظ علمی در اوج ایستاد، دیگر کسی نمی‌تواند برچسب واپس‌گرایی یا تحجر به تفکر او بزند.

خلع سلاح لیبرالیسم در کافه‌ها

در محیط‌های دانشگاهی چون AUB و [US، دانشجویان هوادار مقاومت شیوه‌های مرسوم تبلیغ دینی را به کناری نهاده‌اند. میدان نزاع در این دانشکده‌ها بر سر نظریه‌های نولیبرالیسم، استعمارستیزی، عدالت توزیعی و حقوق بین‌الملل است. نیروهای التعبئه التربویه به شکلی حساب‌شده در جلسات مناظره حاضر می‌شوند. آنها به جای رجوع مستقیم به احادیث یا ادبیات حوزوی، زبان جهان را برمی‌گزینند. در بحث از ضرورت سلاح مقاومت و استقلال حاکمیت ملی، با ارجاع به نظریات نوام چامسکی، ادوارد سعید، فرانتس فانون و ژیل دلوز استدلال می‌آورند؛ از پارادوکس‌های دموکراسی غربی در حمایت از آپارتاید پرده برمی‌دارند و استدلال‌های جناح‌های راست‌گرای غرب‌گرا را با زبان خودشان به چالش می‌کشند. این مواجهه در نشریات دیواری، پادکست‌های مستقل دانشجویی، نمایشگاه‌های عکس و گعده‌های نقد کتاب در کافه‌های خیابان بلیس یا الحمرا جریان دارد. برای دانشجوی لائیک بیروتی که همواره در معرض رسانه‌های غربی تصویر مقاومت را به عنوان جریانی خشونت‌طلب و بی‌ارتباط با دنیای نوین دریافت کرده، هم‌صحبتی با دانشجوی حامی حزب‌الله که فلسفه سیاسی مدرن را موشکافی می‌کند، یک شوک شناختی قدرتمند است. این بازآفرینی گفتمانی، قدرت نرم دهه‌های متوالی غرب‌گرایی در مراکز آموزش عالی بیروت را متزلزل کرده است.

زلزله در پای صندوق

نمود بیرونی این قدرت آفرینی خاموش، در فصل داغ انتخابات شورای صنفی و انجمن‌های دانشجویی نمایان می‌شود؛ آوردگاهی که در سپهر سیاسی لبنان، به عنوان فشارسنج دقیق افکار عمومی و انتخابات پارلمانی تعبیر می‌شود. در دانشگاه‌های ملی لبنان (الجامعه اللبنانیه) که پیکره اصلی دانشجویان کشور از تمام طبقات و طوایف را در خود جای داده و همچنین در فضای دانشگاه‌های خصوصی مانند دانشگاه بین‌المللی لبنان (LIU) و حتی AUB، اعضای التعبئه التربویه هنر ائتلاف‌سازی سیاسی را به نمایش می‌گذارند.

آنها در ایام انتخابات، صرفا با شعارهای حزبی به میدان نمی‌آیند. مطالبات صنفی واقعی دانشجویان، شفافیت مالی شهریه‌ها، اعتراض به کاهش بودجه تحقیقاتی و عدالت در تخصیص خوابگاه‌ها، سرلوحه کارزارآنهاست. شگفتی زمانی رخ می‌دهد که فهرست‌های دانشجویی مورد حمایت مقاومت با کلوپ‌های دانشجویی مارونی (حامیان جریان ملی آزاد)، تشکل‌های چپ‌گرای مستقل و حتی فعالان اهل سنت فهرست‌های ائتلافی مشترک تشکیل می‌دهند و در مواردی آرای سنتی احزاب راست‌گرای مسیحی (مانند القوات و الکتائب) را می‌شکنند. این پیروزی‌های پیاپی پای صندوق‌های رأی دانشگاهی، نشان می‌دهد که جوانان مقاومت توانسته‌اند تفاوت‌های ایدئولوژیک را به نفع مشارکت مدنی کارآمد مدیریت کنند.

دستگیری در بزنگاه بحران

دانشگاه‌های بیروت در سال‌های اخیر زیر ضربات مهلک بحران فروپاشی ارزش لیره، تورم لجام‌گسیخته و کمبود سوخت و برق دست‌وپا زده‌اند. در شرایطی که دولت عملا از ارائه خدمات اولیه به دانشگاه ملی ناتوان ماند و دانشگاه‌های خصوصی شهریه‌ها را به دلار نقدی تبدیل کردند، التعبئه التربویه با سازماندهی اجتماعی خیره‌کننده به میدان آمد. ایجاد خطوط حمل‌ونقل اشتراکی ارزان برای جابه‌جایی هزاران دانشجو میان روستاهای جنوب، بقاع و دانشکده‌های بیروت، راه‌اندازی سامانه‌های اشتراک رایگان کتب درسی و جزوه‌های آکادمیک، تامین ژنراتورهای اضطراری برای خوابگاه‌ها و تاسیس صندوق‌های وام خرد برای پرداخت هزینه‌های ترم، جلوه‌ای بی‌بدیل از حمایت را خلق کرد. این اقدامات خدماتی بدون تفتیش عقاید یا خط‌کشی‌های فرقه‌ای پیاده‌سازی شدند. دانشجویی که فقر مانع ادامه تحصیلش می‌شد و به یاری این شبکه پایان‌نامه‌اش را به سرانجام می‌رساند، به حزب‌الله فراتر از یک گروه نظامی نگاه می‌کرد؛ پناهگاهی مدنی و واقعی در میانه هرج‌ومرج حاکمیتی.

چریک‌های روی خط توسعه

نکته بنیادین در زیست‌بوم هیات‌های دانشجویی مقاومت، هدف‌گذاری بلندمدت است. برای ساختار حزب‌الله، دانشگاه صرفا پایگاهی برای رأی‌آوری مقطعی یا پاسخ به اتهامات سیاسی نیست؛ دانشگاه، شاهرگ حیاتی تولید کادر تراز اول برای اداره آینده لبنان است. دانشجویانی که در کوران فعالیت‌های التعبئه تربیت می‌شوند، پس از فارغ‌التحصیلی به اساتید دانشگاه، مدیران بانک‌های توسعه‌ای، پزشکان جبهه سلامت، مهندسان عمران، دیپلمات‌ها و تحلیل‌گران اتاق‌های فکر تبدیل می‌شوند.

این کادرسازی باعث شده است که حتی ترورهای هدفمند، فشارهای شدید اقتصادی و تحریم‌های کمرشکن نتواند حرکت سیستم را متوقف سازد. جایگزینی نسل‌های فرماندهی و مدیریتی در بدنه مقاومت، دقیقا از همین مخزن نخبگی دانشگاهی تغذیه می‌شود. نسل نوپایی که در قلب رقابت‌های تنگاتنگ آکادمیک رشد کرده، توان مقابله با پیچیده‌ترین جنگ‌های سایبری، رسانه‌ای و حقوقی بین‌المللی را داراست؛ میدانی که پیروزی در آن نیازمند دانشی هم‌سطح و حتی فراتر از دانشگاه‌های غرب است.

هفت شهید را غسل داد و دعا کرد

هشتمین شهید خودش بود

پروانه نوری، از نویسندگان مجموعه کتاب‌های «قصه فرماندهان»، در تشریح روند تدوین کتاب «مثل حسین» درباره شهید حسین اجاقی، از مسیر پژوهشی خود برای گردآوری خاطرات همرزمان و خانواده این شهید سخن گفت. او ضمن بازخوانی ویژگی‌های اخلاقی این فرمانده، از روایتی تکان‌دهنده پرده برداشت که در آن، دعای شهید برای شهادتی شبیه به سرور و سالار شهیدان و بی‌نیازی از غسل و کفن، در نهایت به حقیقت پیوست.



نوری درباره روند نگارش کتاب «مثل حسین» تشریح کرد: دو کتابم در مجموعه «قصه فرماندهان» به چاپ رسیده است. اولی برای شهید سیدمحمدسعید جعفری بود با نام «غریب غرب» که مهر ۱۴۰۴ چاپ شد؛ کتابی درباره اولین فرمانده سپاه غرب و استان کرمانشاه. همزمان با نگارش «غریب غرب»، در حال مصاحبه با همسر شهید مجید زارعی بودم که خواهر شهید حسین اجاقی هم هست. چون خاطرات خانم اجاقی را از دوران کودکیشان گرفتم، در طی مصاحبه‌ها خواه ناخواه برادرش حسین هم روایت شد. با اتمام خاطرات خانم اجاقی فکر کردم حیف است حالا که بخشی از خاطرات شهید حسین را در اختیار دارم، برایش کار جداگانه‌ای انجام ندهم. این بود که به سراغ همرزمانش رفتم و با استفاده از خاطرات همرزمان، سایر اعضای خانواده، اسناد، پایگاه‌های اطلاعاتی و منابع مستند دیگر، خاطراتش را کامل کردم و «مثل حسین» را در قالب قصه فرماندهان نوشتم.

ویژگی‌های اخلاقی شهید؛ از رقت قلب تا نفوذ کلام

نوری درباره ویژگی‌های شهید اجاقی گفت: اکثر شهدا یکسری خصوصیات مشابه داشته‌اند. از جمله ساده زیستی، اهل دعا و عبادت، اخلاص و شجاعت. شهید حسین اجاقی علاوه بر این موارد، خصوصیاتی دارد که من آنها را خیلی دوست دارم. مهم‌ترینش اینکه او انسانی بسیار «رقیق‌القلب» بوده و چشم‌هایش یاری‌کننده قلبش بوده است. طبق آنچه اطرافیان، دوستان و همرزمانش می‌گفتند او در عبادت‌هایش بسیار اشک می‌ریخته. طوری که در زمان شنیدن خاطراتش قصد داشتم عنوان کتابش را «معجزه اشک» بگذارم، اما در نهایت «مثل حسین» انتخاب شد.

او افزود: شهید اجاقی خیلی دلسوز بوده و از همان ابتدای جوانی «نفوذ کلام» داشته و تاثیرگذار بوده است. به عنوان مثال، گاهی که زن و شوهری مشکل یا بحث و جدلی با هم داشتند، وقتی شهید حسین با آنها صحبت و پادرمیانی می‌کرده، با هم آشتی می‌کردند. یا مثلا زمانی که هنوز نوجوان بوده، طی صحبتی که در خصوص حجاب با معلم دبستان خواهرش داشته، روی او تاثیر گذاشته و نظرش را در مورد حجاب تغییر داده است.

این نویسنده افزود: شهید اجاقی همیشه خیرخواه دیگران بوده و به گفته نزدیکان، اصلا دوست نداشته منزلشان از مهمان خالی باشد. او هر بار که از جبهه می‌آمده، تعدادی از همرزمانش را با خودش به خانه می‌آورده و در اتاقی که در حیاط داشته، میزبانی آنها را می‌کرد. او هیچ چیزی را برای خودش به تنهایی نخواسته و همیشه هر چه داشته را با دیگران تقسیم کرده است. این موارد از خصوصیاتی بوده که در کتاب بیشتر بر آنها تاکید کرده‌ام.

خاطره‌ای از عملیات عاشورا و قضاوت‌های سخت

او در خصوص خاطره‌ای که در کتاب هم به آن پرداخته، شرح داد: شهید اجاقی در عملیات عاشورا فرمانده گردان حُنین بود؛ عملیاتی در منطقه میمک ایلام که موفقیت‌آمیز نبود و بسیاری از نیروهایش شهید شدند. مجید زارعی، همسر خواهرش که تنها یک ماه از عقدشان گذشته بود و معاونش بود، در این عملیات مفقود می‌شود و حسین اجاقی هم از ناحیه سر مجروح می‌شود. از آن عملیات به بعد، شهید اجاقی خیلی اذیت شده و زندگی را به خود بسیار سخت می‌گرفته است. او از اینکه هم اکثر نیروهایش شهید شده بودند و هم خودش توفیق شهادت نداشته، ناراحت بود. مخصوصا، در حضور خواهرش سعی می‌کرد از همسرش فاصله بگیرد، با او بیرون نمی‌رفته و حتی او را تا منزل مادرش که فقط دو کوچه تا خانه‌شان فاصله داشته، همراهی نمی‌کرده؛ مبادا دل خواهرش بشکند.

نوری ادامه داد: حسین اجاقی در خانه خودش و با همسر و خانواده‌اش اینگونه زندگی را به خود سخت می‌گرفت و فقط کنار مزار دوستان شهیدش به آرامش می‌رسید، اما آنجا هم یکبار که سر مزار یکی از شهدای میمک نشسته و اشک می‌ریخت، مادر شهید ازراه می‌رسد و دو دستی بر سر او که باند پیچی شده می‌کوبد و می‌گوید: چطور خودت سالم ماندی، ولی پسر من و خیلی از رزمندگان شهید شدند! شهید حسین با چشمان خیس فقط سکوت می‌کند و از دوستانی که همراهش بودند می‌خواهد دخالت نکنند و اجازه بدهند مادر شهید راحت باشد. می‌گوید خانواده‌های شهدا حق دارند، چون داغ دیده‌اند. شنیدن این خاطره خیلی من را اذیت کرد.

نوری درباره علت انتخاب این عنوان برای کتابش عنوان کرد: می‌خواستم نام کتاب را «معجزه اشک» بگذارم. به همان دلیل که گفتم زیاد گریه می‌کرده، ولی وقتی عکس پیکرش را دیدم و داستان شهادتش را نوشتم، نظرم تغییر کرد و «مثل حسین» را برای این کتاب انتخاب کردم. این نویسنده درباره شهادت حسین اجاقی بیان کرد: شهید اجاقی در زمان حیاتش هفت شهید را غسل و کفن کرده و به گفته پدر یکی از شهدا، بعد از غسل و کفن هفتمین شهید، در غسالخانه رو به قبله دعا می‌کند:

«خدایا! این آخرین شهیدی باشد که غسل دادم و دفعه بعد خودم طوری شهید شوم که حتی قابل غسل و کفن هم نباشم!» در جای دیگری هم دعا می‌کند در نزدیک‌ترین نقطه به حرم امام حسین علیه‌السلام شهید شود. اتفاقا دعایش مستجاب می‌شود و ۱۶ تیر ۱۳۶۵ زمانی که دخترش دقیقا یک ماهه بوده، در عملیات کربلای یک در ارتفاعات قلاویزان (جبهه مهران) شهید می‌شود. به گفته همرزمانش پیکرش طوری از هم پاشیده و له شده بود که برای انتقالش نایلون بزرگی را با احتیاط از زیر پیکرش رد می‌کنند و او را در نایلون می‌پیچند. سرش کاملا متلاشی شده و چون پیکرش قابل غسل دادن نبوده، به توصیه امام جمعه وقت، با همان لباس‌های خاکی تکه تکه شده او را کفن و به دل خاک می‌سپارند. نوری افزود: از آنجا که سوم شعبان به دنیا آمده، نامش حسین بود و سرو پیکرش هم مانند امام حسین علیه‌السلام تکه تکه شده، مطمئن شدم که عنوان «مثل حسین» مناسب و زیباتر است.

برشی‌هایی از کتاب مثل حسین:

فرا از فراز زیارت عاشورا را خواندم. لابلایش هم روضه. انگار انبار باروتی بود که در آن کبریت انداخته باشی. شانه‌هایش می‌لرزید و هق‌هق گریه‌اش پیچیده بود توی فضای خالی حسینیه. شور و حالش حال مرا هم دگرگون کرد. زیارت عاشورا که تمام شد، من مداحی کردم و او سینه زد. چنان محکم به سینه می‌زد که خیال می‌کردم حسینیه پر از سینه‌زن است.

عزادار یمان آنقدر طولانی شد که قرص آفتاب پشت کوه‌های مغرب پنهان شد. با چفیه مشکی دور گردنش صورت خیسش را پاک کرد. گفتم: «تقبل‌الله»

خدا خیرت بده رضا. دمت گرم!

خدا تو رو خیر بده که بانی خیر شدی.

روضه و اشک، مثل یک داروی تقویتی به او نیرو می‌بخشید.

*****

یکدفعه شیطنتم گل کرد. خواستم کمی سر به سرش بگذارم. با یک حالت دلخوری مصنوعی گفتم: «پس میخوای مهریه ندی آقا!» کمی به جلو خم شد و با تعجب گفت: «ها!؟ کی گفته من مهریه نمی‌دم؟»

یک قاچ سیب دادم دستش و گفتم: «کی بود تو دفترخانه، وقتی حاج آقا خرمشاهی گفت: «پونصد هزار تومن برای بسیجی مهریه سنگینیه»، گفت: «حاج آقا ما که زنده نمی‌مانیم تا مهریه بدیم!» خندید و با کف دست زد به پیشانی‌اش: «آخ! اونو میگی!؟»

لب و لوچه‌ام را کج کردم و با همان حالت، مثلا دلخور، گفتم: «آره! اونو میگم آقای بسیجی.»

یک قاچ سیب به طرفم گرفت و گفت: «زینب جان! اون حرف‌ها شوخی بود! شوخی یه داماد بسیجی که می‌خواست خودشو برای عروس شیرین کنه. حتی اگه زنده هم نمونم، سفارش می‌کنم مهریه‌ات رو تقدیمت کنن!»



حسین گنجی، روزنامه‌نگار و مجری نمایشگاه «جست‌وجوی ایران»:
کنار هم دیدن این آثار، امکانی برای پرسش دوباره فراهم می‌کند

ایران، جان جهان

گفت‌وگوی تفصیلی «آگاه» با رضا دبیری‌نژاد، مدیر موزه هنرهای معاصر (بخش نخست)

دارایی پنهان، سرمایه نیست

انتشار تصاویر نخستین گام است؛ پیرامون شاهکارها باید صنایع خلاق شکل بگیرد



عکس: مرضیه موسوی

زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: راه‌اندازی پایگاه برخط و نمایش آنلاین گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران، گامی راهبردی در گذار از موزه‌داری مخزن‌محور به الگوی نهادی باز، اجتماعی و پاسخگو است. این طرح که با انتشار اطلاعات هزار اثر از مجموع نزدیک به سه هزار اثر ایرانی و خارجی کلید خورده، درپی رفع ابهام‌های تاریخی پیرامون گنجینه و بازگرداندن این دارایی به صاحبان اصلی آن یعنی جامعه و پژوهشگران است. دسترس‌پذیری دیجیتال، علاوه بر ایجاد امنیت حقوقی و حفاظتی برای آثار، بستری زیرساختی جهت خلق چرخه‌های پژوهشی، انتشاراتی و صنایع خلاق فرهنگی پدید می‌آورد و نقش موزه را فراتر از نمایشگاه‌های موقت ارتقا می‌بخشد.

رضا دبیری‌نژاد، پژوهشگر و کارشناس موزه‌داری که پیشتر معاونت فرهنگی و ریاست اداره موزه در موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک را بر عهده داشت و در اسفند ۱۴۰۳ به سرپرستی و سپس اردیبهشت ۱۴۰۴ به ریاست موزه هنرهای معاصر تهران منصوب شد، در این گفت‌وگو به تبیین ضرورت‌های بازتعریف کارکرد اجتماعی و نهادی این موزه می‌پردازد. او با تکیه بر تجارب گذشته در دسترس‌پذیری برخط منابع، شفافیت را پیش‌شرط صیانت از میراث ملی، پاسخگویی عمومی و رفع ابهام‌های تاریخی پیرامون اصالت و موجودی آثار می‌داند. دبیری‌نژاد با نقد رویکرد انحصاری و رویداد‌محور، بر اجرای طرح نمایش دائمی شاهکارهای ایرانی و خارجی، اتصال داده‌ها به سامانه‌های ملی و گسترش تعامل با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی تاکید می‌کند. به باوری، انتشار برخط اگرچه هرگز جایگزین تجربه زیسته و حسی مواجهه با اثر در فضای معماری موزه نمی‌شود، نخستین گام بنیادین از چرخه پژوهش، محتواسازی و بازتولید اجتماعی هنر است. بخش نخست این گفت‌وگوی تفصیلی را در ادامه می‌خوانید:

■ راه‌اندازی گنجینه آنلاین چه ضرورتی داشت و قرار است چه امکاناتی در اختیار مخاطبان و پژوهشگران قرار دهد؟

ابتدا توضیح بدهم که گنجینه آنلاین اتفاق عجیب یا اختراع تازه‌ای نیست؛ در دنیا امری رایج است. یکی از اهداف اصلی موزه‌ها در دسترس قرار دادن آثار است. موزه‌ها از گذشته آثار را گردآوری و نگهداری کرده‌اند تا به شیوه‌های مختلف در اختیار جامعه قرار دهند. بخشی از این دسترسی از طریق نمایشگاه‌های دائمی و موقت فراهم می‌شود؛ بخشی دیگر نیز از راه انتشار کاتالوگ، بروشور و محصولات فرهنگی. امروز فضای مجازی هم به این ابزارها اضافه شده و امکان تحقق بخشی از ماموریت‌ها و اهداف موزه را فراهم کرده است. از این طریق می‌توان گنجینه را در اختیار صاحبان اصلی آن، یعنی مردم گذاشت.

سال‌هاست بسیاری از موزه‌های جهان این کار را انجام می‌دهند و در ایران نیز تجربه‌هایی وجود داشته است. برای نمونه، در سال‌های گذشته در موزه ملک آثار را به‌صورت برخط منتشر کردیم و تلاش داشتیم هرچه در اختیار داریم به مخاطبان ارائه کنیم. از زمانی که به موزه هنرهای معاصر آمدم نیز چنین قصدی داشتیم. موزه چند سال وب‌سایت فعال نداشت و سایت آن از دسترس خارج شده بود. در عین حال به بانک اطلاعاتی نیاز داشتیم که هم عموم مردم بتوانند از آن استفاده کنند و هم به کارهای داخلی موزه کمک کند؛ برای مثال، کیوریتورها برای برنامه‌ریزی نمایشگاه‌ها و پژوهشگرانی که مراجعه می‌کنند بتوانند از اطلاعات آن بهره ببرند.

برنامه ما این بود که این اتفاق سال گذشته رخ دهد، اما شرایط اجازه نداد. ابتدا وب‌سایت موزه را به شکلی راه‌اندازی کردیم و سپس از یک پایگاه مرجع کمک گرفتیم. این پایگاه خدمات کتابخانه‌ای ارائه می‌کند و می‌کوشد میان داده‌های پژوهشی، از جمله اسناد، نسخه‌ها، کتاب‌ها و مجلات ارتباط برقرار کند. در جلسات مشورتی به این نتیجه رسیدیم که آثار هنری و موزه‌ای نیز می‌توانند در کنار این منابع، جایگاهی پژوهشی و اطلاعاتی داشته باشند. به کمک همین مجموعه، داده‌ها را به بانک اطلاعاتی تبدیل کردیم تا روی سایت موزه در دسترس قرار گیرند.

موضوع دیگر، ابهام‌هایی است که درباره گنجینه موزه‌ها وجود دارد. این مسئله در موزه‌های هنر مدرن و معاصر، به دلیل حضور هنرمندان زنده و مسائل روز، پررنگ‌تر است. وقتی اطلاعات در دسترس نباشد، پرسش‌هایی شکل می‌گیرد؛ چه تعداد اثر وجود دارد؟ کدام آثار موجودند؟ در گذشته گاهی تصور می‌شد هرچه آثار دیده نشده بیشتری در اختیار موزه باشد، اهمیت آن بیشتر است؛ اما به نظرم موزه‌داری امروز چنین نگاهی ندارد. موزه نباید در پی پنهان نگه داشتن گنجینه باشد؛ باید به منبعی اطلاعاتی، عمومی و اجتماعی تبدیل شود. برای رسیدن به این هدف، آثار باید در معرض پژوهش، استفاده و تولید محتوا قرار گیرند. هرچه درباره اثری مقاله و محتوای بیشتری تولید شود، شناخت و اهمیت اجتماعی آن افزایش پیدا می‌کند. به موزه‌های ایران نگاه کنید. در کشور حدود ۵۰۰ موزه داریم، اما مردم چند اثر از مجموعه‌های آنها را می‌شناسند؟ چگونه است که آثار ایرانی نگهداری شده در موزه‌های جهان شناخته می‌شوند، اما بسیاری از آثار موزه‌های خودمان شناخته شده نیستند؟ مردم ایران مونالیزا را می‌شناسند؛ این اثر به یکی از نشانه‌های شناخته شده موزه‌اش تبدیل شده و پیرامون آن چرخه‌ای از بازدید، پژوهش، فیلم، محتوا و صنایع خلاق شکل گرفته است. چرا در ایران نمونه‌های مشابه کمتری داریم؟ کدام اثر موزه هنرهای معاصر در جامعه به چنین جایگاه شناخته شده‌ای رسیده است؟ مدام می‌گوییم آثار جهانی داریم و واقعا هم داریم، اما وقتی مردم آنها را نمی‌شناسند، عملا از این سرمایه بهره نمی‌بریم. انتشار آثار نخستین گام است؛ در مراحل بعد باید پژوهش، انتشارات، هدایا و محصولات فرهنگی شکل بگیرند تا اثر هنری وارد چرخه زندگی مردم شود.

ما نزدیک به سه هزار اثر ایرانی و خارجی داریم. در فاز نخست، هزار اثر را آنلاین کرده‌ایم و قرار است هر هفته آثار دیگری به‌تدریج اضافه شوند تا طی چند ماه آینده تقریبا تمام گنجینه برخط باشد. می‌دانم انتشار بعضی آثار با محدودیت‌های عرفی و اجتماعی روبه‌روست؛ با این حال می‌توان اطلاعات یا جزئیاتی از آنها را منتشر کرد. آنلاین شدن گنجینه لزوما به معنای نمایش کامل تصویر همه آثار نیست. مردم حق دارند بدانند چه آثاری به عنوان سرمایه‌های ملی و هنری در کشور وجود دارد. اگر موزه‌های ملی این آثار را به نمایندگی از مردم نگهداری می‌کنند، باید امکان دسترسی آنان به اطلاعات را هم فراهم کنند.

این انتشار، بخشی از شفافیت است. شفافیت هم پاسخگویی ایجاد می‌کند و هم زمینه مشارکت را فراهم می‌آورد. وقتی مردم بدانند موزه چه دارد، می‌توانند متوجه شوند چه چیزهایی ندارد و درباره آنها نیز پرسش کنند. موزه هنرهای معاصر در جایگاه نهاد متولی هنر معاصر، باید در برابر داشته‌ها و نداشته‌های خود مسئول باشد. آنلاین شدن و دیده شدن آثار به تحقق وظایف دیگر موزه، از گردآوری و حفاظت گرفته تا پژوهش، آموزش و نمایش کمک می‌کند. همچنین پژوهشگران، متخصصان، هنرمندان و دیگر مخاطبان می‌توانند نظر بدهند، پیشنهاد مطرح کنند و در فعالیت‌ها مشارکت داشته باشند.

موزه نباید در پی پنهان نگه داشتن گنجینه باشد؛ باید به منبعی اطلاعاتی، عمومی و اجتماعی تبدیل شود

■ منظور شما از شفافیت گنجینه چیست و انتشار اطلاعات آثار چطور به پاسخگویی و حفاظت از آنها کمک می‌کند؟

موزه‌ها اطلاعات خود را در سطوح مختلف ارائه می‌کنند. متخصصان به‌طور طبیعی به اطلاعات دقیق‌تری نیاز دارند و ممکن است با مراجعه به موزه به داده‌های تکمیلی دسترسی پیدا کنند. اما حداقل اطلاعات عمومی باید برای همه در دسترس باشد. همواره درباره آثار هنری پرسش‌هایی مطرح می‌شود؛ آیا اثری هنوز موجود است؟ گم شده، به سرقت رفته، فروخته شده، جعل شده یا نسخه‌ای کپی از آن ارائه شده است؟ وقتی اثری را آنلاین منتشر می‌کنیم، مسئولیت وجود آن را می‌پذیریم و مشخص می‌کنیم با چه شماره‌ای در مخزن موزه ثبت شده است. به این ترتیب، اثر قابل پیگیری خواهد بود.

نمونه‌ای از اهمیت این مسئله، موزه ملی بغداد است که پس از حمله آمریکا غارت شد. بعدها با استناد به کاتالوگ منتشرشده موزه، شمار زیادی از آثار به سرقت رفته شناسایی و بازگردانده شدند. انتشار اطلاعات اثر به امنیت آن کمک می‌کند، چون مشخص می‌شود متعلق به کجاست و امکان سوءاستفاده یا عرضه آن با هویتی دیگر کاهش می‌یابد. وقتی می‌گوییم چه تعداد اثر و چه دارایی‌هایی داریم، هم موجودی موزه را روشن می‌کنیم و هم مسئولیت خود را مشخص می‌سازیم. از سوی دیگر باید درباره آنچه در اختیار نداریم نیز پاسخگو باشیم. ماموریت موزه هنرهای معاصر تنها به آثار موجود در گنجینه محدود نیست و انتشار آنلاین می‌تواند این بخش از شفافیت را نیز تقویت کند.

■ چه اطلاعاتی از آثار منتشر می‌شود و روند مستندنگاری و راستی‌آزمایی اطلاعات گنجینه در چه مرحله‌ای است؟

اطلاعات آثار به‌تدریج وارد بانک عمومی می‌شود. درباره بخشی از آثار، اطلاعات کامل در اختیار داریم و درباره بخشی دیگر، همزمان با ثبت اطلاعات، راستی‌آزمایی اولیه انجام می‌دهیم. همکاران موزه در سال‌های گذشته نیز در این زمینه کار کرده‌اند. طی یک سال اخیر جلسات مستندنگاری داشته‌ایم و تیمی در موزه مسئول این کار است. اطلاعات بررسی و پایش می‌شوند و به‌تدریج در بانک عمومی قرار می‌گیرند. در پشت این بانک عمومی، اطلاعات آثار موجود است. حتی فهرست همه آثار موزه را در سامانه «جام» وابسته به میراث فرهنگی وارد کرده‌ایم، اما داده‌ها را مرحله به مرحله راستی‌آزمایی و دقیق می‌کنیم و پس از تکمیل و تدقیق، در دسترس عموم قرار می‌دهیم.

■ همکاری موزه با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی چه چشم‌اندازی دارد؟

موزه برای گسترش این همکاری آمادگی دارد. تعامل ما تنها به دانشگاه‌ها محدود نمی‌شود؛ با ناشران و مجموعه‌های دیگر هم همکاری می‌کنیم و در حال توسعه همین فعالیت‌ها هستیم.

■ چرا بعضی آثار گنجینه تاکنون نمایش داده نشده‌اند و آیا همه آثار الزاما باید در معرض دید قرار گیرند؟

باید به یاد داشته باشیم که گنجینه موزه‌ها مانند کوه یخ است؛ همه آثار آنها هر روز در معرض دید نیستند. نمی‌توان موزه‌ای را نام برد که تمام آثارش به نمایش درآمده باشد. بخشی از آثار بیشتر ارزش پژوهشی دارند و الزاما برای نمایش گردآوری نشده‌اند. در موزه‌ها آثار را دسته‌بندی می‌کنیم؛ بعضی ارزش نمایشی دارند و بعضی دیگر، علاوه بر ارزش پژوهشی، به عنوان سند تاریخی گردآوری می‌شوند، چون بخشی از تاریخ ما را روایت می‌کنند.

مسئله دیگر این است که موزه هنرهای معاصر تاکنون بیشتر با رویکرد رویدادی و نمایشگاهی پیش رفته و انتخاب آثار به موضوع هر نمایشگاه وابسته بوده است. در نتیجه برخی آثار از نظر موضوعی در نمایشگاه‌ها نمی‌گنجیدند و فرصت دیده شدن پیدا نمی‌کردند. برخی دیگر نیز با محدودیت‌های عرفی و اجتماعی روبه‌رو بوده‌اند. البته این محدودیت‌ها فقط مختص جامعه ما نیست و هر جامعه و هر موزه‌ای شرایط خودش را دارد. با وجود این، گردآوری و نگهداری آثار نباید فقط تابع امکان نمایش آنها باشد. ما مسئولیتی تاریخی برای گردآوری و حفاظت داریم و مسئولیتی دیگر برای اینکه این آثار را چگونه روایت کنیم.

هر اثر در هر بار نمایش می‌تواند روایت و معنای متفاوتی داشته باشد. تابلویی از سهراب سپهری را اگر امروز در یک نمایشگاه ببینید، ممکن است معنایی داشته باشد که با معنای همان اثر در نمایشگاهی درباره سپهری در ۱۵ سال پیش متفاوت است. اگر همان تابلو در نمایشگاهی با موضوع طبیعت قرار بگیرد، باز معنای دیگری پیدا می‌کند. هرکدام از این شیوه‌های ارائه، به پرسشی متفاوت پاسخ می‌دهند.

■ انتشار آنلاین آثار می‌تواند جای مواجهه حضوری با آنها در فضای موزه را بگیرد؟

آیا دیدن یک اثر در فضای مجازی برای شما کافی است و پس از آن دیگر احساس نمی‌کنید لازم است به موزه بروید؟ هرکدام از این شیوه‌ها نقش و ویژگی خود را دارند. انتشار آنلاین حتی جای انتشار کتاب را هم نمی‌گیرد. عکس‌های فراوانی از مونالیزا در سراسر جهان منتشرشده است، اما مردم همچنان می‌خواهند خود اثر را از نزدیک ببینند. مواجهه مستقیم با اثر هنری تجربه و احساسی متفاوت دارد. معرفی آن در فضای مجازی، انتشار کتاب و تولید محصولات دیگر هم به شناساندن اثر کمک می‌کنند؛ این شیوه‌ها جانشین یکدیگر نیستند.

در موزه، گاهی از تماشای اثر هنری، روایت آن، داستانش و اطلاعاتی که درباره آن می‌شنویم به لذت و بهجت می‌رسیم. یکی از تفاوت‌های مهم موزه با دیگر رسانه‌ها حضور فیزیکی انسان در فضاست. وقتی در موزه هستید، با تمام حواس خود تجربه می‌کنید؛ می‌بینید، می‌شنوید و حتی بو، دما و دیگر ویژگی‌های محیط بر شما اثر می‌گذارند. خودتان انتخاب می‌کنید کدام اثر را بیشتر ببینید، از کدام عبور کنید و مقابل کدام اثر بنشینید و شاید یک ساعت به تماشایش بپردازید. این اختیار در مواجهه با اثر و حضور در محیط موزه، تجربه را متفاوت و جذاب می‌کند.

■ طرح نمایش دائمی آثار شاخص گنجینه اکنون در چه مرحله‌ای است و چه موانعی پیش روی آن وجود دارد؟

از زمانی که به موزه آمدم، موضوع نمایش دائمی بخشی از گنجینه مطرح بود؛ البته این بحث از سال‌ها پیش هم وجود داشت. موزه هنرهای معاصر آثاری دارد که مخاطبان مرتب سراغشان را می‌گیرند: اثر پیکاسو کجاست؟ جکسون پولاک و جاکومتی کجا هستند؟ آثار تناولی و زنده‌رودی چه زمانی نمایش داده می‌شوند؟ گردشگران داخلی و خارجی باید همواره امکان دیدن بخشی از آثار شاخص و شناخته شده را داشته باشند. نمی‌توانیم در برابر مخاطبان فقط رویکرد نمایشگاهی و موقت داشته باشیم. مگر در طول یک سال چند اثر را می‌توانیم نمایش دهیم؟ اگر اثری از پیکاسو در نمایشگاهی ارائه شود و نمایشگاه پایان یابد، چه زمانی دوباره امکان دیدن آن فراهم خواهد شد؟ نسل‌های مخاطب هم تغییر می‌کنند.

از نمایشگاه پیکاسو حدود ۱۲۰ هزار نفر بازدید کردند، اما در مقایسه با جمعیت کشور هنوز بسیاری آن آثار را ندیده‌اند. اگر بخشی از موزه به نمایش دائمی آثار مهم اختصاص پیدا کند و آثار نیز هر چند وقت یک بار جابه‌جا شوند، مردم فرصت بیشتری برای دیدن آنها خواهند داشت. ممکن است کسی بخواهد ۶ ماه بعد دوباره اثری را ببیند. موزه، مانند موزه‌های دیگر، باید جایی برای آثار تازه و معرفی آثار جدید، بخشی برای آثار اهدایی و بخشی برای شاهکارهای گنجینه داشته باشد. همه اینها باید در سیاست‌گذاری موزه دیده شوند. برای ایفای نقش موزه‌ای، بخشی از فضا باید به نمایش دائمی و بخشی دیگر به رویدادها و نمایشگاه‌های موقت اختصاص یابد.

در حال کار روی این طرح هستیم، اما نمایشگاه دائمی به زیرساخت و شرایط مشخصی نیاز دارد که باید فراهم شود. متاسفانه شرایط اجتماعی یک سال اخیر برنامه‌های ما، حتی جدول نمایشگاه‌ها را به هم ریخته است. از سال گذشته تا امروز حدود ۶ ماه تعطیلی داشته‌ایم. پس از جنگ ۴۰ روزه، موزه هنرهای معاصر از نخستین موزه‌هایی بود که بازگشایی شد؛ در حالی که بسیاری از مراکز دیگر همچنان تعطیل بودند، ما تلاش کردیم برنامه‌ها و خدماتی ارائه کنیم. در وضعیت اجتماعی و اقتصادی فعلی، پیش بردن طرح‌های زیرساختی دشوار است. در عین حال باید چند کار را همزمان دنبال کنیم: توسعه مخازن، نمایش دائمی و دیگر برنامه‌های موزه.

■ ساختمان ثبت ملی شده موزه چه نیازهایی برای حفاظت، مرمت و انطباق با استانداردهای امروز دارد؟

ساختمان موزه حدود ۵۰ سال عمر دارد و طبیعتا نیازمند نگهداری، رسیدگی و گاهی بازسازی است. این ضرورت فقط به ثبت ملی آن مربوط نمی‌شود؛ هر ساختمانی، حتی خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، به مراقبت نیاز دارد، به‌ویژه وقتی پیوسته مورد استفاده قرار می‌گیرد.

باید به یاد داشته باشیم که این موزه ۵۰ سال پیش و متناسب با دانش موزه‌داری همان دوره ساخته شده است. در این ۵۰ سال، استانداردهای نگهداری آثار، بهره‌برداری و کارکردهای موزه تغییر کرده‌اند. آیا کارکردهای امروز موزه همان کارکردهای ۵۰ سال پیش است؟ قطعا نه. برای پاسخگویی به نیازهای امروز باید اقداماتی انجام شود، اما چون بنا در فهرست آثار ملی ثبت شده، این اقدامات باید با رعایت ضوابط حفاظت از بنا باشد. در سال‌های گذشته، از جمله در دوره ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، تغییرات و به‌سازی‌هایی در موزه انجام شده است؛ اما این به معنای رسیدن به نقطه پایان نیست. مدیریت موزه مانند دوی امدادی است و هر دوره مدیریتی باید تلاش کند کار را یک گام جلوتر ببرد و شرایط بهتری فراهم کند.



عکس: مهناز صحاف

یکی از دلایلی که موزه هنرهای معاصر هنوز به اندازه کافی به نهادی عمومی و اجتماعی تبدیل نشده، محدود بودن زمینه مشارکت است. موزه‌های بزرگ جهان با مشارکت نهادها و گروه‌های مختلف پیش می‌روند



محمد الله‌داد، مدیرعامل شرکت توانیر:

محدودیت سوخت نیروگاه‌ها در زمستان تشدید شد



چت‌بات‌ها جای روان‌شناس‌ها می‌نشینند

روان‌شناس جیبی!

گسترش استفاده از هوش مصنوعی و افزایش هزینه جلسات روان‌درمانی، گروهی از کاربران را به سمت مشاوره گرفتن از چت‌بات‌ها سوق داده است ابزارهایی که همیشه در دسترس‌اند، به حرف‌های کاربران گوش می‌دهند، پاسخ می‌دهند و حتی گاهی نقش یک روان‌شناس یا روانکاو را بازی می‌کنند و مهمتر آنکه همیشه حق را به کاربر می‌دهند!

به گزارش «آگاه» ساعت از نیمه‌شب گذشته است. روز سختی را پشت سر گذاشته و ذهنش پر از سؤال‌های بی‌جواب است. از رابطه عاطفی‌اش ناراحت است، در محیط کار احساس اضطراب می‌کند و نمی‌داند با اتفاقی که برایش افتاده چگونه کنار بیاید. نه کسی را برای درد دل کردن در آن ساعت پیدا می‌کند و نه برای مراجعه به روان‌شناس وقت و هزینه کافی دارد. گوشی تلفن همراه را برمی‌دارد. هزینه روان‌شناس تلفنی کم از حضوری ندارد. وارد ChatGPT می‌شود و شروع به نوشتن می‌کند؛ می‌خواهم مثل یک روان‌شناس با من صحبت کنی. کمک کن بفهمم چرا این‌قدر مضطربم و با مشکلی که برایم پیش آمده چطور کنار بیایم و آن را حل کنم.

چند ثانیه بعد، گفت‌وگویی آغاز می‌شود که ممکن است ساعت‌ها ادامه پیدا کند. هوش مصنوعی سوال می‌پرسد، پاسخ‌ها را تحلیل می‌کند، درباره احساسات و رفتارهایش توضیح می‌دهد و پیشنهادهایی برای مواجهه با مشکلات ارائه می‌کند. گاهی آن‌قدر دقیق و همدلانه پاسخ می‌دهد که کاربر احساس می‌کند کسی بالاخره حرف‌هایش را فهمیده است. این تجربه برای بسیاری از کاربران ناآشنا نیست. در سال‌های اخیر، همزمان با گسترش ابزارهای هوش مصنوعی در زندگی روزمره، استفاده از آنها برای مسائل شخصی، عاطفی و روان‌شناختی نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی از افراد برای شناخت احساسات خود، برخی برای حل اختلاف‌های خانوادگی و عاطفی و گروهی نیز برای دریافت راهکار درباره اضطراب، افسردگی و مشکلات فردی سراغ این ابزارها می‌روند. حتی بعضی از آنها در ابتدای گفت‌وگو از هوش مصنوعی می‌خواهند نقش یک روان‌شناس، روانکاو یا مشاور متخصص را برعهده بگیرد.

در این میان، هزینه جلسات روان‌شناسی و روان‌درمانی نیز مسئله‌ای است که نمی‌توان از کنار آن گذشت. وقتی مراجعه مستمر به متخصص برای بخشی از افراد به یک هزینه سنگین تبدیل می‌شود، ابزارهای رایگان یا کم‌هزینه هوش مصنوعی می‌توانند وسوسه‌کننده باشند ابزاری که نه نیاز به تعیین وقت قبلی دارد، نه محدودیت ساعت مراجعه و نه هزینه هر جلسه را به کاربر تحمیل می‌کند. اما این جایگزینی ظاهرا آسان، پرسش‌های مهمی را درباره سلامت روان جامعه ایجاد می‌کند اینکه آیا هوش مصنوعی واقعا می‌تواند مشکلات روان‌شناختی افراد را حل کند؟ آیا پاسخ‌های همدلانه آن به معنای درک احساسات انسان است؟ استفاده مداوم از این ابزارها چه تاثیری بر روابط انسانی و توانایی افراد برای مدیریت هیجان‌های‌شان دارد؟

یکی از دلایل استقبال از هوش مصنوعی در حوزه سلامت روان، دسترسی آسان به آن است. برخلاف مراجعه به روان‌شناس که مستلزم پیدا کردن متخصص، هماهنگی زمان و پرداخت هزینه است، گفت‌وگو با یک چت‌بات در هر ساعت از شبانه‌روز امکان‌پذیر است. یک فرد می‌تواند درباره موضوعی که حتی بیان آن برایش در برابر یک انسان دشوار است، بدون نگرانی از قضاوت شدن صحبت کند. می‌تواند بارها یک اتفاق را توضیح دهد، درباره واکنش دیگران سوال کند، از هوش مصنوعی بخواهد رفتار طرف مقابل را تحلیل کند یا حتی برای تصمیم‌گیری در یک رابطه عاطفی از آن راهنمایی بگیرد.

این دسترسی آسان، به‌ویژه برای افرادی که به دلیل محدودیت مالی، جغرافیایی یا کمبود متخصص امکان مراجعه منظم به روان‌شناس را ندارند، جذابیت بیشتری دارد. از سوی دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند در مدت کوتاهی اطلاعات عمومی درباره اضطراب، افسردگی، سوگ، استرس و شیوه‌های مدیریت هیجان در اختیار افراد قرار دهد. همچنین می‌تواند به آنها کمک کند افکارشان را مرتب کنند، احساسات خود را بنویسند و برای مراجعه به متخصص آماده شوند.

اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که استفاده از این ابزار از دریافت اطلاعات و آموزش فراتر می‌رود و کاربر انتظار دارد هوش مصنوعی نقش یک درمانگر را ایفا کند. کافی است در ابتدای یک گفت‌وگو از هوش مصنوعی بخواهید مانند یک روان‌شناس بالینی با شما صحبت کند در این وضعیت، فرد ممکن است درباره اختلاف با همسر، تجربه‌های تلخ دوران کودکی، احساس تنهایی، ترس از شکست یا مشکلات ارتباطی خود صحبت کند. هوش مصنوعی نیز بر اساس اطلاعاتی که دریافت کرده، پاسخ‌هایی ارائه می‌دهد که گاهی بسیار نزدیک به ادبیات مشاوره و روان‌شناسی است.

این در حالی است که پاسخ مناسب یک نرم‌افزار با شناخت بالینی از یک انسان تفاوت دارد. هوش مصنوعی به اطلاعاتی دسترسی دارد که کاربر در اختیارش قرار می‌دهد و ممکن است از بسیاری از عوامل موثر بر وضعیت روانی او بی‌اطلاع باشد. برای مثال، فردی که از مشکلات تمرکز شکایت می‌کند، ممکن است از هوش مصنوعی بخواهد تشخیص دهد که آیا به اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی مبتلاست یا خیر. در حالی که مشکلات تمرکز می‌توانند دلایل مختلفی از جمله اضطراب، افسردگی، کمبود خواب، استرس یا برخی مشکلات جسمانی داشته باشند و تشخیص آنها نیازمند ارزیابی تخصصی است. به همین ترتیب، تحلیل یک اختلاف عاطفی بر اساس روایت یک طرفه کاربر نیز لزوما به شناخت درست مسئله منجر نمی‌شود. چت‌بات ممکن است بدون اطلاع از تمام ابعاد ماجرا، برداشت فرد را تایید کند و حتی ناخواسته به تقویت باورهای نادرست او دامن بزند.

درمان فقط حرف زدن و دریافت اطلاعات نیست

اسماعیل سلطانی، روان‌شناس بالینی، با هشدار نسبت به استفاده از هوش مصنوعی به جای روان‌شناس، معتقد است این فناوری اگرچه می‌تواند در آموزش، افزایش آگاهی و ارائه اطلاعات عمومی موثر باشد، اما نمی‌تواند جایگزین روان‌شناس و رابطه درمانی شود. او با تاکید بر اینکه تغییر روان‌شناختی صرفا از طریق افزایش آگاهی حاصل نمی‌شود، توضیح می‌دهد که روان‌درمانی فرآیندی پیچیده و چندبعدی است و رابطه انسانی در آن نقش بسیار مهمی دارد. به گفته این روان‌شناس بالینی، مهم‌ترین تفاوت هوش مصنوعی و روان‌درمانی در ماهیت رابطه درمانی است؛ رابطه‌ای که در آن حضور در لحظه، اصالت ارتباط و تجربه هیجانی مشترک اهمیت دارد، در حالی که هوش مصنوعی یک ابزار است.

ریحانه درگاهیان، روان‌شناس بالینی نیز با اشاره به گسترش کاربرد هوش مصنوعی در حوزه روان‌شناسی، معتقد است خطر اصلی استفاده از این فناوری، پرسیدن سوال‌های گاه‌به‌گاه نیست، بلکه تصور جایگزین شدن آن با رابطه درمانی و انسانی است. او تاکید می‌کند آنچه موجب رشد و تغییر فرد در فرآیند درمان می‌شود، صرفا اطلاعات و آموزش نیست، بلکه رابطه و پویایی‌هایی است که درون آن شکل می‌گیرد.

درگاهیان توضیح می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار خودیار برای تمرین مهارت‌هایی مانند مدیریت استرس مفید باشد، اطلاعات در اختیار فرد قرار دهد و حتی به او برای پیدا کردن درمانگر متخصص کمک کند؛ اما نمی‌تواند منبع اضطراب را به شکل ریشه‌ای شناسایی و درمان کند.

وابستگی به هوش مصنوعی و کاهش تحمل روابط انسانی

یکی از چالش‌های مهم استفاده مداوم از هوش مصنوعی برای مسائل شخصی، شکل‌گیری نوعی وابستگی عاطفی و روان‌شناختی است.

چت‌بات‌ها معمولا در دسترس هستند، خسته نمی‌شوند، برای شنیدن حرف‌های کاربر محدودیت زمانی ندارند و در بسیاری از موارد پاسخ‌هایی سریع و حمایت‌کننده ارائه می‌دهند. این ویژگی‌ها ممکن است به‌تدریج باعث شوند فرد برای آرام کردن خود، تصمیم‌گیری یا حل تعارض‌های شخصی بیش از اندازه به هوش مصنوعی متکی شود.

درگاهیان درباره این مسئله هشدار می‌دهد که تعامل مداوم با هوش مصنوعی می‌تواند ظرفیت افراد را برای تحمل ناکامی و ابهام در روابط انسانی کاهش دهد. به گفته او، روابط انسانی همیشه مطابق انتظار ما پیش نمی‌روند. گاهی با سکوت، اختلاف نظر، ناهمخوانی و محدودیت مواجه می‌شویم؛ اما هوش مصنوعی عموما سریع، پاسخ‌محور و در دسترس است.

این روان‌شناس بالینی معتقد است در چنین شرایطی ممکن است فرد انتظار داشته باشد سایر روابط نیز مانند ارتباط با هوش مصنوعی، سریع و کاملا پاسخ‌دهنده باشند. درنتیجه، آستانه تحمل او در روابط واقعی کاهش پیدا می‌کند و ممکن است در مواجهه با اختلاف‌ها و ناکامی‌های معمول، زودتر مضطرب یا عصبانی شود.

او همچنین تاکید می‌کند که در روان‌درمانی، درمانگر صرفا تایید‌کننده گفته‌های مراجع نیست و گاهی با طرح پرسش یا ایجاد چالش، فرد را به بررسی باورها و رفتارهای خود دعوت می‌کند؛ در حالی که تعامل با هوش مصنوعی ممکن است به دلیل تمایل به ارائه پاسخ‌های حمایت‌کننده، به تایید بیش از اندازه برداشت‌های کاربر منجر شود. یکی دیگر از مشکلات استفاده از هوش مصنوعی، اشتباه گرفتن احساس آرامش موقت با درمان شدن است.

ممکن است فرد پس از ساعت‌ها گفت‌وگو با یک چت‌بات احساس سبکی کند و تصور کند توانسته مشکل خود را حل کند. اما احساس بهتر در یک مقطع زمانی الزاما به معنای برطرف شدن علت اصلی مشکل نیست. برای مثال، فردی که از اضطراب ناشی از یک رابطه رنج می‌برد، ممکن است بارها درباره رفتار طرف مقابل از هوش مصنوعی سوال کند و هر بار پاسخی دریافت کند که موقتا او را آرام می‌کند. اما اگر ریشه مشکل در الگوهای ارتباطی، تجربه‌های گذشته یا مشکلات عمیق‌تر روان‌شناختی باشد، دریافت پاسخ‌های مکرر به‌تنهایی نمی‌تواند به تغییر آن الگوها منجر شود.

درگاهیان در این زمینه معتقد است برخی افراد با مراجعه به هوش مصنوعی احساس می‌کنند برای خود کاری انجام داده‌اند یا حتی درمان شده‌اند، در حالی که اتفاق افتاده ممکن است صرفا افزایش اطلاعات، آموزش روان‌شناختی یا ارتقای برخی مهارت‌ها باشد. او تاکید می‌کند اطلاق عنوان درمان به چنین تعاملاتی می‌تواند نوعی سوءبرداشت ایجاد کند؛ زیرا ممکن است فرد تصور کند مشکلش برطرف شده، در حالی که تنهایی، اضطراب یا سوءتفاهم‌های او در طول زمان همچنان ادامه داشته باشد یا حتی تشدید شود.

هوش مصنوعی ممکن است در پاسخ به پرسش‌های روان‌شناختی اطلاعاتی نادرست یا ناقص ارائه کند؛ اطلاعاتی که گاهی با لحنی مطمئن و تخصصی بیان می‌شوند و تشخیص نادرستی آنها برای کاربر دشوار است. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که فرد از چت‌بات درباره ابتلا به یک اختلال روانی، مصرف دارو، قطع درمان یا انتخاب روش درمانی سوال کند. تشخیص اختلالات روان‌شناختی به بررسی مجموعه‌ای از عوامل از جمله شدت و مدت علائم، سابقه پزشکی و روان‌شناختی، شرایط خانوادگی و اجتماعی و میزان تاثیر مشکل بر زندگی روزمره نیاز دارد. از سوی دیگر، در شرایط بحرانی مانند افکار جدی خودکشی، قصد آسیب به خود یا دیگران و آشفتگی شدید روانی، اتکا به پاسخ یک چت‌بات می‌تواند خطرناک باشد. در چنین شرایطی دریافت کمک فوری از متخصصان و مراکز درمانی ضروری است.

و اما حریم خصوصی!

موضوع دیگری که در استفاده از هوش مصنوعی برای مسائل روان‌شناختی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، حریم خصوصی است. افراد ممکن است در گفت‌وگو با چت‌بات‌ها اطلاعات بسیار شخصی درباره روابط خانوادگی، مسائل عاطفی، سابقه بیماری، تجربه‌های آسیب‌زا و مشکلات روانی خود مطرح کنند اطلاعاتی که در صورت بی‌توجهی به نحوه ذخیره‌سازی و پردازش داده‌ها می‌توانند مخاطراتی برای حریم خصوصی آنها ایجاد کنند. کاربران باید بدانند گفت‌وگو با یک سامانه هوش مصنوعی لزوما معادل گفت‌وگوی محرمانه با روان‌شناس در چارچوب رابطه حرفه‌ای نیست. بنابراین بهتر است از وارد کردن اطلاعات هویتی و جزئیات حساس غیرضروری خودداری کنند و پیش از استفاده، سیاست‌های حفظ حریم خصوصی ابزار مورد نظر را بررسی کنند.

کما اینکه دیده شده هوش مصنوعی تمام اطلاعاتی را که از اول به او داده شده را حفظ کرده و گاهی به مخاطب اعلام می‌کند که قبلا هم درباره این موضوع صحبت کرده یا موارد مشابهی داشته است بنابراین خطر آنجاست که زمانی از این همه اطلاعاتی که کاربر به هوش مصنوعی داده سوءاستفاده شود.

هوش مصنوعی را حذف نکنیم، اما جای درمانگر هم ننشانیم

با وجود این چالش‌ها، نمی‌توان نقش هوش مصنوعی را در افزایش دسترسی به اطلاعات روان‌شناختی نادیده گرفت. این فناوری می‌تواند به افراد کمک کند درباره مشکلات خود اطلاعات اولیه به دست آورند، افکار و احساسات‌شان را سازمان‌دهی کنند، برای مراجعه به روان‌شناس آماده شوند و حتی تمرین‌هایی را که متخصص برای آنها در نظر گرفته است، بهتر دنبال کنند.

برای نمونه، فرد می‌تواند از هوش مصنوعی بخواهد جدولی برای ثبت افکار و احساسات روزانه طراحی کند یا درباره مفاهیمی مانند اضطراب، ذهن‌آگاهی و درمان شناختی رفتاری توضیح دهد. همچنین می‌تواند پیش از جلسه مشاوره، موضوعاتی را که می‌خواهد با درمانگر در میان بگذارد، مرتب کند. در چنین شرایطی هوش مصنوعی نقش یک ابزار مکمل را دارد، نه جایگزین متخصص. شاید مسئله اصلی انتخاب میان روان‌شناس و هوش مصنوعی نباشد بلکه چگونگی استفاده درست از فناوری در کنار حفظ جایگاه متخصصان انسانی است. هوش مصنوعی می‌تواند به پرسش‌های ما پاسخ دهد، اطلاعات ارائه کند و حتی در لحظاتی از تنهایی همراه گفت‌وگوی ما باشد، اما پاسخ دادن به یک سوال، شناخت یک انسان و درمان ریشه‌ای مشکلات روان‌شناختی او سه موضوع متفاوتند.

بیمارستان‌های دولتی توان خرید قطعات رادیولوژی را ندارند

رئیس انجمن رادیولوژی ایران گفت: تعرفه‌های پایین خدمات، خرید قطعات دستگاه‌ها با ارز آزاد را دشوار کرده است.

مرتضی صانعی، رئیس انجمن رادیولوژی ایران، با اشاره به وضعیت تامین تجهیزات پزشکی و سازوکار ارزی آن اظهار داشت: فرآیند تامین تجهیزات کاملا تحت نظارت وزارت بهداشت، اداره‌کل تجهیزات پزشکی و سیاست‌های سطح‌بندی کمیسیون ماده ۲۰ انجام می‌شود و ارز مورد نیاز آن نیز توسط بانک مرکزی تخصیص می‌یابد. اگرچه در بخش تجهیزات مصرفی حیاتی، نظیر تیوب و لامپ‌های سی‌تی‌اسکن، اقداماتی با ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی انجام شده و مشکلی وجود ندارد، اما حجم مطالبات و نیازهای ارزی شرکت‌های تجهیزات پزشکی در ماه‌های گذشته با چالش‌های جدی تامین مواجه بوده است.

وی با انتقاد از فشار هزینه‌ها بر مراکز درمانی دولتی گفت: در بخش‌هایی که واردات تجهیزات یا قطعات به ارز آزاد نیاز دارد، بیمارستان‌های دولتی عملا در بن‌بست قرار می‌گیرند. یک مرکز درمانی با تعرفه‌های نازل فعلی که معادل دو تا نهایتا پنج دلار است، چگونه می‌تواند قطعات یدکی را با نرخ‌های سرسام‌آور بازار آزاد تهیه کند؟ این عدم تعادل، نوسازی و به‌روزرسانی ناوگان درمانی را بسیار دشوار کرده است و متاسفانه مراکز ناچارند صرفا با مستهلک کردن دستگاه‌های موجود به خدمت‌رسانی ادامه دهند؛ امری که ضرورت تخصیص هدفمند منابع از سوی وزارت بهداشت را دوچندان می‌کند.

رئیس انجمن رادیولوژی ایران با رد برخی ادعاها درباره کمبود دستگاه در حواشی و مناطق مرزی تصریح کرد: برخلاف تصور عمومی، روند توزیع تجهیزات طی یک دهه اخیر به سمت مناطق محروم و مرزی پررنگ بوده است؛ تا جایی که امروز مراکز دانشگاهی و ریفرال (مرجع) ما از نظر برخورداری از دستگاه‌های پیشرفته و به‌روز، حتی از برخی شهرهای مرزی فقیرتر هستند.

وی بر ضرورت «سطح‌بندی خدمات» تاکید کرد و افزود: عدالت اجتماعی به معنای توزیع متوازن و کارآمد است. دستگاه گران‌قیمت باید در نقطه‌ای مستقر شود که هم تعداد بیماران کافی باشد و هم پزشک متخصص و فوق‌تخصص حضور داشته باشد، نه اینکه دستگاه بدون استفاده بماند. همچنین باید زیرساخت یکپارچه‌ای فراهم شود تا استادان دانشگاهی بتوانند از طریق تله‌رادیولوژی و از راه دور، گزارش‌ها و مشاوره‌های تخصصی را به اقصی نقاط کشور ارائه دهند.

فروش ۴۰۰ همت دارو در ایران طی ۶ ماه نخست امسال

در شش ماهه نخست امسال، ۴۰۰ همت دارو در کشور فروخته شد که ۸۷ درصد آن به داروهای تولید داخل اختصاص داشت.

فرهاد حبیبی با ارائه گزارشی از وضعیت فروش دارو در شش ماهه نخست سال جاری اظهار کرد: از مجموع فروش ۴۰۰ همتی دارو تا پایان شهریور امسال، ۳۴۸ همت مربوط به داروهای تولید داخل (معادل ۸۷ درصد کل فروش بازار) بوده و ۵۲ همت، (معادل ۱۳ درصد از کل فروش)، به داروهای وارداتی اختصاص داشته است.

وی افزود: از نظر فروش عددی نیز در شش ماهه نخست امسال حدود ۲۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون واحد دارو در کشور به فروش رسیده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، حدود ۱٫۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. از این میزان، حدود ۲۸ میلیارد واحد مربوط به داروهای تولید داخل و حدود ۳۰۰ میلیون واحد مربوط به داروهای وارداتی بوده است. به این ترتیب، داروهای تولید داخل از نظر عددی ۹۸٫۹ درصد و داروهای وارداتی حدود ۱٫۱ درصد از سهم عددی بازار را به خود اختصاص داده‌اند.

حبیبی درباره پرفروش‌ترین اقلام دارویی از نظر ارزش ریالی گفت: داروی تیرزپاتاید با ۲۸٫۴ همت در رتبه نخست قرار گرفته است. پس از آن، داروی انسولین شامل انواع آسپارت و گلارژین با ۱۲٫۱ همت، محلول تزریقی سدیم کلراید (سرم نمکی) با ۷٫۲ همت، ایمونوگلوبولین وریدی با ۶٫۵ همت و آیو دیکسانول تزریقی با ۵٫۹ همت، رتبه‌های دوم تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند.

وی ادامه داد: آموکسی‌سیلین، داروی ترکیبی امپاگلیفلوزین، لیناگلیپتین و متفورمین، قرص کلوپیدوگرل، پمبرولیزومب و ویال سفازولین نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

آسپرین بیشترین داروی مصرفی ایرانیان

معاون اجرایی رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به پرفروش‌ترین داروها از نظر تعداد بیان کرد: قرص آسپرین با ۸۲۵ میلیون واحد در رتبه نخست قرار دارد. پس از آن، قرص آتوروا استاتین با ۸۱۷ میلیون واحد، قرص لووتیروکسین سدیم با ۷۲۴ میلیون واحد، قرص متفورمین هیدروکلراید با ۶۸۹ میلیون واحد و آموکسی سیلین با ۶۴۷ میلیون واحد، پنج قلم نخست دارویی کشور از نظر تعداد فروش در شش ماهه نخست سال جاری هستند.

حبیبی افزود: قرص‌های فاموتیدین، سرماخوردگی بزرگسالان، لوزارتان، متادون و آملودیپین در رتبه‌های بعدی از نظر تعداد فروش هستند.

تاکید بر تقویت پیوندهای فرهنگی و گردشگری ایران و هند

ارائه راهکارهایی برای تسهیل سفر ایرانیان

دیوالی یا «جشنواره نورها» یکی از مهم‌ترین و باشکوه‌ترین جشن‌های سنتی هند است که هر سال در فصل پاییز و معمولا در ماه اکتبر یا نوامبر برگزار می‌شود. این جشن ریشه در سنت‌های مذهبی و فرهنگی هند دارد و نماد پیروزی نور بر تاریکی، خیر بر شر و دانایی بر نادانی است. زمان برگزاری آن با تقویم قمری هندو تعیین می‌شود و معمولا پنج روز به طول می‌انجامد.

به گزارش خبرنگار «آگاه»: در این ایام، خانه‌ها و خیابان‌ها با چراغ‌های کوچک روغنی موسوم به «دیا»، شمع و چراغ‌های رنگارنگ آراسته می‌شوند و خانواده‌ها با پوشیدن لباس‌های نو، تبادل هدیه، تهیه شیرینی و برگزاری آیین‌های مذهبی به استقبال این جشن می‌روند. آتش‌بازی، روشن کردن چراغ‌ها و گردهمایی‌های خانوادگی نیز از جلوه‌های شناخته‌شده دیوالی است. این جشن علاوه بر اهمیت مذهبی، فرصتی برای تقویت پیوندهای خانوادگی، همبستگی اجتماعی و پاسداشت میراث فرهنگی هند به شمار می‌رود.

دیوالی نماد پیروزی نور بر تاریکی، دانایی بر نادانی و امید بر ناامیدی است. در این جشن، خانواده‌ها در کشورهای مختلف با روشن کردن چراغ‌های سفالی، هدیه دادن شیرینی و گردهمایی، این مناسبت را گرامی می‌دارند. در ایران نیز هندی‌های زیادی زندگی می‌کنند که این روز را جشن می‌گیرند. چراغ روشن کرده و به همشهری‌های ایرانی خود هدیه می‌دهند.

سفارت هند در تهران نیز به همین مناسبت جشن دیوالی را در حضور جمعی از مهمانان و نمایندگان کشورهای مختلف در محوطه روباز اقامتگاه سفیر این کشور برگزار کرد. در این مراسم، ویشواس نگی، سفیر هند در ایران، با تاکید بر نقش دیپلماسی فرهنگی در تقویت روابط میان ملت‌ها، میراث تاریخی و تمدنی مشترک ایران و هند را ظرفیتی برای گسترش ارتباطات فرهنگی و گردشگری دو کشور دانست و از چشم‌انداز توسعه سفرهای دوجانبه ابراز خوش‌بینی کرد.

ویشواس نگی دیوالی را فرصتی برای تأمل در ارزش‌هایی دانست که روابط فرهنگی و دیپلماسی بر پایه آنها شکل می‌گیرند و گفت: چراغ سفالی کوچکی که در خانه‌ها و فضاهای عمومی روشن می‌شود، ساده و بی‌پیرایه است، اما نور آن بی‌دریغ به دیگران می‌رسد. در همین کار ساده درسی نهفته است روشنایی زمانی اثر بیشتری می‌گذارد که آن را با دیگران سهیم شویم و تنها برای خود نگه نداریم. وی با اشاره به شرایط جهان و سایه درگیری‌ها، نااطمینانی‌ها و اختلافات بر روابط میان کشورها افزود: این جشن به ما یادآوری می‌کند که پیشرفت با انتخابی آگاهانه برای روشن کردن چراغ تفاهم آغاز می‌شود.

سفیر هند با تشبیه دیپلماسی به روشن کردن چراغ‌ها اظهار کرد: هنر دیپلماسی در بهترین شکل خود، تلاشی صبورانه برای یافتن زمینه‌های مشترک، جایگزین کردن گفت‌وگو به جای بی‌اعتمادی و ایجاد روابط و همکاری‌هایی است که فراتر از یک بحران دوام بیاورند. نگی ادامه داد: همان روحیه‌ای که خانواده‌ها را در دیوالی به گشودن درهای خانه‌هایشان ترغیب می‌کند، ملت‌ها را نیز برآن می‌دارد که حتی با وجود اختلاف نظرها، راه‌های ارتباطی را باز نگه دارند. هر دو به اعتماد، مهربانی و آمادگی برای دیدن دیگری نه به چشم حریف، بلکه به‌عنوان شریکی در سرگذشت مشترک بشری نیاز دارند. وی همچنین با اشاره به سابقه طولانی تبادل اندیشه، کالا، زبان و باورهای دینی میان هند و کشورهای حاضر در این مراسم، تاکید کرد که این پیوندها هیچ‌گاه صرفا تجاری نبوده‌اند، بلکه ماهیتی تمدنی داشته‌اند.

سفیر هند در بخش دیگری از سخنان خود، بر ضرورت تلاش جمعی برای تحقق صلح، رفاه فراگیر و گسترش دیپلماسی تاکید کرد و گفت: معیار موفقیت دیپلماسی نباید تنها امضای توافق‌ها باشد، بلکه امیدی که از خود بر جای می‌گذارد نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ویشواس نگی درباره ظرفیت‌های گردشگری ایران و هند و پایین بودن شمار گردشگران دو کشور نسبت به اشتراکات فرهنگی و تاریخی آنها گفت: میراث مشترک ایران و هند فرصت‌های قابل توجهی برای توسعه همکاری‌های فرهنگی و گردشگری فراهم می‌کند. سفیر هند با اشاره به بازدید اخیر خود از برج میلاد تهران اظهار کرد که در این بازدید با نمونه‌ای از جاذبه‌های ایران معاصر آشنا شده است. وی قصد دارد تا حد امکان، هم میراث کهن ایران و هم جاذبه‌های معاصر این کشور را به مخاطبان هندی معرفی کند.





نگی همچنین با ابراز خوش‌بینی نسبت به چشم‌انداز گردشگری دوجانبه گفت که تلاش خواهد کرد در صورت امکان، راهکارهایی برای تسهیل سفر ایرانیان به هند مورد بررسی قرار دهد.



مجتبی خالدی، سخنگوی جمعیت هلال احمر با اشاره به مخاطرات هوایی روزهای اخیر:

۱۲۵۶ نفر از خدمات امدادی بهره‌مند شدند

دوشنبـه/ ۱۸ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۵

وقتی بیمه، درمان را تضمین نمی‌کند

دود بحران درمان در چشم بازنشستگان



مینا یاری، خبرنگار گروه جامعه: مشکلات حوزه بهداشت و درمان در ماه‌های اخیر ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است؛ از افزایش قیمت دارو و تجهیزات پزشکی و دشواری تامین برخی اقلام دارویی گرفته تا تاخیر در پرداخت مطالبات مراکز درمانی و محدودیت منابع بیمه‌ها. در این میان، گروهی که بیش از دیگران از تبعات این وضعیت آسیب می بینند، بازنشستگان هستند؛ افرادی که به دلیل افزایش سن و شیوع بیماری‌های مزمن، بیش از سایر گروه‌ها به دارو، آزمایش‌های دوره‌ای، ویزیت پزشک و خدمات درمانی نیاز دارند.

برای یک بازنشسته مبتلا به دیابت یا فشار خون، تهیه دارو یک هزینه مقطعی نیست که بتوان آن را به ماه بعد موکول کرد. انسولین و داروهای کنترل فشار خون باید به‌طور مستمر مصرف شوند و هرگونه وقفه در درمان می‌تواند سلامت بیمار را به خطر بیندازد. با این حال، مشاهدات اخیر خبرنگار روزنامه «آگاه» از افزایش قیمت این داروها و دشواری دسترسی به آنها در مراکز درمانی تامین اجتماعی حکایت دارد؛ وضعیتی که بازنشستگان را برای تهیه دارو به داروخانه‌های مختلف می‌کشاند و هزینه بیشتری به آنها تحمیل می‌کند.

پوشش دهی ناکافی بیمه‌های تکمیلی نیز مشکل را دو چندان کرده است. خانمی ۵۵ ساله با درد زانو که به متخصص ارتوپد مراجعه کرده بود در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» از ناکافی بودن بیمه تکمیلی گلایه کرد و گفت: بیمه هزینه ویزیت را تقبل نمی‌کند از سوی دیگر پزشک برای اینکه بتوانم راه بروم آمپولی تجویز کرده است که خود دارو و هزینه تزریق را باید آزاد حساب کنم.

انسولین و داروهای فشار خون؛ هزینه‌ای که از توان بازنشسته خارج می‌شود

بر اساس مشاهدات خبرنگار روزنامه «آگاه» در نیمه آبان ۱۴۰۵، قیمت برخی داروهای پرمصرف از جمله انسولین، لوزارتان و تامسولوسین طی یک ماه تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. همزمان، شماری از بازنشستگان از پیدا نکردن این داروها در مراکز درمانی ملکی تامین اجتماعی گلایه دارند. حسن صادقی، عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران، با اشاره به کاهش سهمیه داروهای بیماری‌های خاص در مراکز تامین اجتماعی گفته است این کمبودها در ماه‌های اخیر تشدید شده و حتی به داروهای پرمصرف بیماران مبتلا به دیابت و فشار خون نیز رسیده است. به گفته او، بیماران برای تهیه داروهای مورد نیاز خود ناچارند به داروخانه‌های مختلف، از جمله داروخانه‌های هلال احمر و ۱۳ آبان تهران، مراجعه کنند.

این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که براساس قانون الزام، سازمان تامین اجتماعی مکلف به ارائه خدمات درمانی به بیمه‌شدگان و بازنشستگان است. صادقی نیز تاکید کرده است افزایش قیمت دارو نباید به‌طور مستقیم به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران منتقل شود و سازمان باید منابع مالی لازم برای جبران افزایش هزینه‌ها را پیش‌بینی کند.

بدهی بیمه‌ها و مراکزی که از ادامه همکاری منصرف می‌شوند

در کنار گرانی دارو، مشکلات مالی سازمان‌های بیمه‌گر و تاخیر در پرداخت مطالبات مراکز درمانی، زنجیره ارائه خدمات سلامت را با اختلال روبه‌رو کرده است. داروخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها، مراکز تصویربرداری و بیمارستان‌های خصوصی برای ادامه فعالیت به دریافت به موقع مطالبات خود نیاز دارند. وقتی این پرداخت‌ها به تعویق می‌افتد، مراکز درمانی نیز برای تامین هزینه‌های جاری و پرداخت حقوق کارکنان با مشکل مواجه می‌شوند.

در ماه‌های گذشته، گزارش‌هایی از تهدید برخی مراکز خصوصی به قطع قرارداد با تامین اجتماعی منتشر شده است. در مواردی نیز بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از توقف یا محدود کردن همکاری با بیمه‌ها خبر داده‌اند. این مسئله برای بازنشسته‌ای که به خدمات بیمه‌ای وابسته است، به معنای احتمال پرداخت هزینه آزاد برای خدماتی است که پیش از این با تعرفه بیمه دریافت می‌کرد.

سیدمحمد جمالیان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، پیشتر درباره مطالبات معوق مراکز خصوصی درمانی هشدار داده و از مشکلات مالی آزمایشگاه‌ها، مراکز تصویربرداری و پاراکلینیکی به دلیل تاخیر در پرداخت مطالبات تامین اجتماعی سخن گفته بود. به گفته او، برخی مراکز حتی برای پرداخت حقوق کارکنان خود نیز با مشکل مواجه شده‌اند و احتمال قطع قرارداد با بیمه وجود دارد.

هشدار رئیس کمیسیون بهداشت درباره افزایش قیمت دارو و بدهی بیمه‌ها

حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، در تشریح وضعیت دارو و درمان کشور از افزایش ۵۰ تا ۵۰۰ درصدی قیمت برخی داروهای بیماران سرطانی و صعب‌العلاج خبر داد. او با اشاره به اینکه بخش قابل توجهی از هزینه‌های تولید دارو با نرخ ارز آزاد محاسبه می‌شود، تحریم‌ها، محدودیت انتقال ارز و دشواری واردات مواد اولیه را از عوامل اثرگذار بر تامین دارو دانست.

شهریاری همچنین با تاکید بر اینکه طبق سیاست‌های ابلاغی حوزه سلامت، سهم پرداختی مردم از هزینه‌های درمان باید حداکثر ۳۰ درصد باشد، گفت: با وجود افزایش اعتبارات وزارت بهداشت، همچنان نارضایتی از هزینه‌های درمان حتی در بیمارستان‌های دولتی وجود دارد و بخش مهمی از تماس‌های مردم با نمایندگان به افزایش قیمت یا نبود دارو مربوط می‌شود.

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در بخش دیگری از اظهاراتش به مشکلات مالی بیمارستان‌ها اشاره کرد و گفت: بیمارستان‌های وزارت بهداشت صدها هزار میلیارد تومان از بیمه‌ها طلب دارند و تاخیر در پرداخت مطالبات گاهی به چندین ماه می‌رسد. او تاکید کرد: نمی‌توان انتظار داشت بیمارستان‌ها خدمات باکیفیت ارائه دهند، اما مطالبات آنها با تاخیر طولانی پرداخت شود. شهریاری همچنین یکی از مشکلات حوزه دارو را نحوه تخصیص و نظارت بر مصرف ارز دانست و بر ضرورت شفافیت درباره شرکت‌های دریافت‌کننده ارز، داروهای وارد‌شده و زمان ورود محموله‌ها تاکید کرد. او یادآور شد که در گذشته نیز در برخی موارد ارز ترجیحی به‌درستی به هدف مورد نظر نرسیده است. این اظهارات نشان می‌دهد مشکلات دارو و درمان تنها به شرایط جنگی و تحریم محدود نمی‌شود و مسائل مربوط به مدیریت منابع، نظارت بر تخصیص ارز و تاخیر در پرداخت مطالبات نیز در شکل‌گیری وضعیت فعلی نقش دارند.

حقوق بازنشسته کفاف هزینه درمان را می‌دهد؟

در سوی دیگر این معادله، مستمری بازنشستگان قرار دارد. بازنشسته‌ای که سال‌ها حق بیمه پرداخت کرده، اکنون در شرایطی قرار گرفته که باید بخشی از درآمد محدود خود را صرف دارو، ویزیت، آزمایش و خدمات درمانی کند. این هزینه‌ها در بسیاری از موارد ثابت و قابل حذف نیستند؛ چراکه بیماری‌های مزمن با یک دوره درمان کوتاه پایان نمی‌یابند. علی‌اکبر عیوضی، دبیر کانون کارگران بازنشسته استان تهران، نیز با انتقاد از وضعیت پوشش بیمه‌ای گفت: بازنشستگان با وجود برخورداری از بیمه پایه و تکمیلی، همچنان برای تامین هزینه‌های دارو و درمان با مشکل مواجهند. به گفته او، سطح پوشش بیمه‌ها حتی در بخش بیمه مکمل نیز پایین است و افزایش مداوم قیمت داروها باعث شده این بیمه‌ها نتوانند پاسخگوی هزینه‌های بیماران باشند.

مشکلاتی که پیش از جنگ هم وجود داشتند

بدون تردید شرایط جنگی و تحریم‌ها می‌توانند بر واردات دارو، تامین مواد اولیه، انتقال ارز و فعالیت کارخانه‌های داروسازی تاثیر بگذارند. شهریاری نیز در اظهارات اخیر خود به آسیب دیدن برخی کارخانه‌های داروسازی و دشواری تامین دارو اشاره کرده است. بنابراین نمی‌توان اثر این شرایط را بر وضعیت امروز نادیده گرفت.

با این حال، مشکلات مالی مراکز درمانی، تاخیر در پرداخت مطالبات، ضعف پوشش بیمه‌ای و افزایش پرداخت از جیب بیماران، مسائلی نیستند که صرفا با شرایط جنگی آغاز شده باشند. گزارش‌های پیشین درباره افزایش قیمت داروهای وارداتی پس از تغییر سیاست‌های ارزی، ناکافی بودن منابع بیمه‌ها و ناتوانی بیماران در تامین هزینه درمان نیز نشان می‌دهد بخشی از این مشکلات ریشه در سیاست‌گذاری و مدیریت منابع دارد.

از همین رو، نسبت دادن تمام مشکلات به تحریم و جنگ نمی‌تواند پاسخگوی مطالبات بیماران و بازنشستگان باشد. در کنار تامین منابع مالی و مقابله با محدودیت‌های خارجی، لازم است درباره نحوه تخصیص اعتبارات، مدیریت بدهی‌های بیمه‌ای، نظارت بر توزیع دارو و عملکرد مراکز درمانی نیز پاسخ‌گویی وجود داشته باشد. بازنشستگان سال‌ها از درآمد خود برای برخورداری از خدمات بیمه‌ای سهم پرداخت کرده‌اند. انتظار آنها در دوران سالمندی این است که در زمان نیاز، بتوانند بدون نگرانی از قیمت دارو یا هزینه خدمات، درمان خود را ادامه دهند. ضروری است سازمان تامین اجتماعی درباره مطالبات مراکز طرف قرارداد، موجودی داروخانه‌های ملکی و دسترسی بیمه‌شدگان به داروهای ضروری شفاف‌سازی کند. همچنین بازنگری در پوشش بیمه تکمیلی و متناسب‌سازی حمایت‌های درمانی با هزینه‌های واقعی زندگی باید در اولویت قرار گیرد.

گره گواهینامه موتورسیکلت زنان بازنشد

مصوبه ابلاغ شده یا در انتظار ابلاغ است؟

در حالی که معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری از نهایی شدن مراحل قانونی صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان و الزام پلیس به اجرای مصوبه هیات وزیران خبر می‌دهد، جانشین رئیس پلیس راهور فراجا اعلام کرده است که تاکنون هیچ ابلاغیه‌ای در این زمینه به پلیس نرسیده است؛ اختلافی که بار دیگر موضوع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان را در کانون توجه قرار داده و فاصله میان اعلام تصمیمات دولتی و اجرای عملی آنها را برجسته کرده است.

به گزارش «آگاه»، زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری، یک‌شنبه ۱۷ آبان با تاکید بر اینکه موضوع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان از نظر قانونی حل شده است، گفت: نیروی انتظامی براساس تصویب‌نامه هیات وزیران مکلف به صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان است و از نظر قانونی مانعی برای اجرای این مصوبه وجود ندارد. وی با اشاره به سازوکار بررسی مصوبات هیات وزیران در هیات تطبیق قوانین اظهار کرد: مصوبه مربوطه از نظر انطباق با قوانین بالادستی مورد بررسی قرار می‌گیرد و چنانچه ظرف ۱۰ روز مغایرتی اعلام نشود، عملا ابلاغ خواهد شد. به گفته بهروزآذر، این مراحل طی شده، مصوبه ابلاغ شده و اکنون پلیس موظف به اجرای آن است.

معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری همچنین تاکید کرد که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این معاونت از ابتدای پیگیری موضوع، تامین امنیت زنان موتورسوار بوده است. به گفته وی، باید شرایطی فراهم شود که در صورت بروز حادثه یا خسارت برای زنان موتورسوار، وضعیت حقوقی و حمایتی آنها مشخص باشد و امنیت آنان در فرآیند استفاده از موتورسیکلت مورد توجه قرار گیرد. بهروزآذر با اشاره به مشکلات و شرایط خاص ایجاد‌شده در کشور، از جمله پیامدهای جنگ، اظهار کرد که شرایط نیروی انتظامی را نیز درک می‌کنند؛ با این حال، از نگاه دولت، تعیین تکلیف قانونی این موضوع انجام شده و انتظار می‌رود فرآیند اجرایی آن دنبال شود.

پلیس: هنوز ابلاغیه‌ای دریافت نکرده‌ایم

در مقابل این اظهارات، سردار احمد کرمی‌اسد، جانشین رئیس پلیس راهور فراجا، اعلام کرده است که تاکنون هیچ ابلاغیه‌ای درباره صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان به پلیس نرسیده است. وی در واکنش به اظهارات معاون رئیس جمهور گفت: اگر مشکل از نظر قانونی حل شده باشد، باید موضوع به پلیس ابلاغ شود؛ چراکه هرزمان یک موضوع از نظر قانونی تعیین تکلیف شود، مراتب آن به پلیس ابلاغ خواهد شد.

جانشین رئیس پلیس راهور فراجا با تاکید بر اینکه پلیس مجری قانون است، تصریح کرد که پس از حل قانونی موضوع و ابلاغ رسمی آن، پلیس مطابق قانون اقدام خواهد کرد. به این ترتیب، در شرایطی که معاون رئیس جمهور از ابلاغ مصوبه و تکلیف قانونی پلیس سخن می‌گوید، مسئولان پلیس راهور همچنان بر دریافت نکردن دستور رسمی تاکید دارند. این اختلاف در اظهارات دو دستگاه، ابهام اصلی درباره سرنوشت اجرای مصوبه را شکل داده است؛ اینکه آیا مصوبه از مسیرهای قانونی عبور کرده اما هنوز به مرجع اجرایی نرسیده یا اختلافی در برداشت دستگاه‌ها از مراحل ابلاغ و اجرای آن وجود دارد.

تکرار وعده‌ها در ماه‌های گذشته؛ از آغاز قریب‌الوقوع تا چاپ نمونه گواهینامه

موضوع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان در ماه‌های گذشته نیز بارها از سوی معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری مطرح شده و هر بار اخباری درباره رفع موانع قانونی و نزدیک بودن آغاز فرآیند صدور گواهینامه منتشر شده است؛ با این حال، تاکنون گزارشی از آغاز رسمی این فرآیند و صدور گواهینامه ارائه نشده است.

بهروزآذر هشتم بهمن ۱۴۰۴، پس از تصویب موضوع در هیات وزیران، اعلام کرده بود که از همان روز مانعی برای صدور گواهینامه موتورسیکلت زنان وجود ندارد و نیروی انتظامی می‌تواند با برگزاری کلاس‌های آموزشی رسمی، فرآیند صدور گواهینامه را آغاز کند. وی در آن زمان از انجام هماهنگی‌های لازم و آمادگی نیروی انتظامی برای اجرای طرح نیز خبر داده بود. چند ماه بعد، در ۳۰ تیر ۱۴۰۵، معاون رئیس جمهور بار دیگر به این موضوع پرداخت و حتی از چاپ نمونه اولیه گواهینامه موتورسیکلت زنان خبر داد. او در آن مقطع توضیح داده بود که قرار بوده فرآیند صدور گواهینامه از اسفند سال گذشته آغاز شود، اما وقوع جنگ رمضان موجب توقف این روند شده است.

با این حال، سردار تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا، همان روز تاکید کرد که تاکنون هیچ گواهینامه‌ای در این حوزه صادر نشده است و اطلاع‌رسانی درباره زمان و نحوه آغاز صدور گواهینامه نیز باید از سوی پلیس راهور انجام شود.

بهروزآذر پنجم مرداد ۱۴۰۵ نیز اعلام کرد که تمامی فرآیندهای حقوقی و قانونی مربوط به صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان انجام شده و از این بابت مشکلی وجود ندارد. وی در همان زمان گفت که معاونت امور زنان منتظر اعلام زمان از سوی پلیس راهور و فرماندهی انتظامی برای برگزاری مراسم آغاز صدور گواهینامه است. اکنون با گذشت چند ماه از این اظهارات، بار دیگر موضوع با همان دو روایت متفاوت روبه‌رو شده است؛ دولت بر نهایی شدن مراحل قانونی و الزام پلیس به اجرای مصوبه تاکید دارد، اما پلیس راهور همچنان از دریافت نکردن ابلاغیه رسمی خبر می‌دهد.

سرنوشت اجرای مصوبه در انتظار رفع ابهام

تداوم این وضعیت نشان می‌دهد که صرف اعلام تصویب یا نهایی شدن مراحل حقوقی، هنوز به معنای آغاز عملی صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان نبوده است. اجرای این تصمیم علاوه بر تعیین تکلیف نهایی مکاتبات و ابلاغیه‌ها، به مشخص شدن جزئیاتی مانند نحوه ثبت‌نام متقاضیان، برگزاری دوره‌های آموزشی، آزمون‌های عملی و نظری و الزامات ایمنی نیاز دارد. از سوی دیگر، تاکید معاونت امور زنان بر امنیت موتورسواران نیز نشان می‌دهد که موضوع صرفا صدور یک مجوز رانندگی نیست و باید سازوکارهای لازم برای آموزش، احراز صلاحیت و حمایت از زنان در صورت وقوع حوادث نیز در نظر گرفته شود.



در نهایت، پرسش اصلی این است که با وجود تاکید دولت بر حل کامل موانع قانونی، چه زمانی ابلاغ رسمی به پلیس راهور انجام می‌شود و زنان متقاضی می‌توانند برای دریافت گواهینامه اقدام کنند؟ تا زمانی که این اختلاف در اظهارات مسئولان برطرف نشود و پلیس راهور آغاز رسمی فرآیند را اعلام نکند، صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان همچنان در فاصله میان مصوبه قانونی و اجرای عملی باقی خواهد ماند.

بعد از شجاع و عارف، نوبت به آسانی رسید

کشاله‌های مصدوم و صحنه‌های زشت

محمود احمدی، خبرنگار ورزشی: بازی جنجالی بین دو تیم استقلال تهران و همنام خوزستانی از هفته دوازدهم لیگ برتر فوتبال همه چیز داشت، از چهار گلی که به ثمر رسید و سهم هر تیم دو گل بود، تا پنالتی، اخراج، گل مردود شده (البته در ادامه این گل توسط VAR پذیرفته شد) و صحنه‌ای زشت که یاسر آسانی، وینگر آلبانیایی استقلال بازیگر نقش اول آن بود.

در دقایق پایانی این مسابقه بین یاسر آسانی، بازیکن استقلال تهران و علیرضا ایلدروم، کمک‌داور مسابقه بر سر یک ضربه کرنر تنش به وجود آمد که پایان بخش این صحنه، حرکت زشت و زننده بازیکن استقلال مقابل کمک‌داور مسابقه و اخراج این بازیکن بود. صحنه‌ای مشابه رفتار شجاع خلیل‌زاده، بازیکن ملی‌پوش تراکتور که در یزد و مقابل هواداران تیم یزدی انجام شد. حالا اگر داور مسابقه این رفتار را توهین به مقام رسمی مسابقه قلمداد کرده و آن را در گزارش خود آورده باشد، استقلال باید منتظر جریمه و محرومیت این بازیکن - حداقل تا پنج جلسه - باشد، اتفاقی که می‌تواند بهترین بازیکن این فصل استقلال را برای چند هفته محروم کند. اما باشگاه استقلال قصد دارد با استناد به پرونده‌های مشابه قبلی از آسانی دفاع کند. پرونده شجاع خلیل‌زاده، بازیکن ملی‌پوش تراکتور در مقابل چادرملو ی یزد یکی از نمونه‌هایی است که استقلال می‌تواند به آن استناد کند. در آن پرونده خلیل‌زاده مدعی شد که کشاله‌اش مصدوم بوده و قصد توهین به هواداران یزدی را نداشته است. کمیته انضباطی در آن پرونده بازیکن تراکتور را به پرداخت ۵۰۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم کرد و محرومیتی برای او در نظر گرفته نشد. رفتار عارف حاجی‌عیدی، بازیکن سپاهان نمونه دیگری از همین پرونده‌ها بود که مقابل هواداران استقلال حرکت زشتی را مرتکب شد و کمیته انضباطی او را به پرداخت ۵۰۰ میلیون تومان جریمه نقدی و یک جلسه محرومیت تعلیقی تا پایان فصل محکوم کرد!

روزی که خلیل‌زاده مقابل هواداران یزدی آن رفتار زشت را مرتکب شد و در توجیه آن گفت از ناحیه کشاله مصدوم هستم و... گفتیم که نباید با این بازیکنان و این رفتارها مماشات شود چرا که باعث می‌شود دیگر بازیکنان هم این رفتارها را انجام دهند و نهایتا جریمه‌اش را پرداخت کنند. متاسفانه حرکت خلیل‌زاده و حاجی‌عیدی در برنامه زنده از تلویزیون پخش شد و همگان شاهد آن رفتار زشت بودند اما حکم کمیته انضباطی فدراسیون آنقدر بازدارنده نبود که هواداران فوتبال دیگر شاهد چنین صحنه‌ای نباشند و یاسر آسانی، بازیکن استقلال تهران این رفتار را تکرار کرد تا بار دیگر مشخص شود که باشگاه‌های ورزشی کشورمان خصوصا فوتبالی‌ها هیچ کار فرهنگی انجام نمی‌دهند و برخی بازیکنان هیچ درکی از رفتار فرهنگی ندارند.

کمیته انضباطی اگر می‌خواهد دیگر شاهد چنین رفتار زشتی در ورزشگاه‌ها نباشد باید از یک جایی برخورد با این رفتار را شروع کند و به اسم و رسم بازیکن و باشگاهش توجهی نداشته باشد. اینکه بازیکنان باشگاه‌های کوچک‌تر در صورت ارتکاب رفتاری مشابه، با احکام سنگین مواجه شوند و بازیکنان باشگاه‌های اسم و رسم‌دار با احکام تعلیقی و نهایتا پرداخت جریمه مالی روبه‌رو شوند، مصداق بارز یک بام و دوهوایی است که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال در پیش گرفته است. حالا این شائبه نزد هواداران فوتبال به وجود آمده است که چون در گذشته با بازیکنان در پرونده‌های قبلی برخورد جدی‌ای صورت نگرفته است، در این پرونده هم بازیکن استقلال با حکم سنگینی مواجه نمی‌شود و شک نکنید این دور باطل در آینده هم تکرار خواهد شد. بیایید یک بار برای همیشه با مرتکبین این رفتار زشت برخورد جدی‌ای انجام بدهید تا شاید برای همیشه بساط این رفتارهای ناپسند جمع شود.

پیش‌بینی رشد ۳۵ درصدی حقوق در بودجه ۱۴۰۶



بر اساس بخشنامه بودجه سال ۱۴۰۶، متوسط افزایش حقوق کارکنان دولت به‌صورت پلکانی ۳۵ درصد تعیین شده و افزایش بیش از این میزان در بودجه دستگاه‌های اجرایی مجاز نیست.

به گزارش «مهر»، ضوابط مالی تهیه و تنظیم لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ کل کشور از سوی رئیس جمهور به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است؛ بر اساس این ضوابط، متوسط رشد حقوق کارکنان دولت در سال آینده نسبت به سال ۱۴۰۵ معادل ۳۵ درصد خواهد بود و نحوه اعمال این افزایش پس از تصویب هیات وزیران ابلاغ می‌شود.

مطابق این بخشنامه، افزایش حقوق به‌صورت پلکانی و با رویکرد رشد بیشتر برای حقوق‌های پایین‌تر پیش‌بینی شده است؛ بنابراین رقم ۳۵ درصد به معنای افزایش یکسان حقوق تمام کارکنان نیست و میزان افزایش دریافتی‌ها به سازوکار پلکانی مصوب دولت بستگی خواهد داشت.

در کنار تعیین چارچوب افزایش حقوق، بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ برای سایر پرداخت‌های کارکنان نیز محدودیت‌هایی در نظر گرفته است. بر این اساس، سقف اعتبار سرانه مربوط به مزایای عملکردی و پاداش یک ماهه کارکنان در بودجه پیشنهادی سال آینده حداکثر معادل اعتبار سرانه سال ۱۴۰۵ خواهد بود.

همچنین دستگاه‌های اجرایی باید اعتبار مورد نیاز برای پرداخت عیدی پایان سال را متناسب با متوسط رشد حقوق پیش‌بینی‌شده در بودجه خود لحاظ کنند؛ با این حال، مبلغ قطعی عیدی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

اعتبارات مربوط به ماموریت‌های داخلی و خارجی کارکنان نیز حداکثر بر مبنای عملکرد و اعتبار سرانه سال ۱۴۰۵ پیش‌بینی می‌شود. کمک‌های رفاهی مستقیم و غیرمستقیم کارکنان، اعم از نقدی و غیرنقدی، نیز از این قاعده مستثنا نیست و سقف اعتبار آن باید با در نظر گرفتن اعتبارات سال جاری تعیین شود. از سوی دیگر، در بخش مربوط به هزینه‌های نیروی انسانی، مبنای محاسبه اعتبارات کارکنان برای سال ۱۴۰۶، آمار و اطلاعات نیروی انسانی و پرداخت‌های ثبت‌شده در سامانه یکپارچه نظام اداری ایران (سینا) اعلام شده است. دستگاه‌های دارای قوانین و مقررات خاص نیز موظف‌اند مستندات کامل پرداختی نیروی انسانی خود را به‌صورت تجمیعی و با رعایت محرمانگی ارائه کنند.

این بخشنامه همچنین تاکید دارد که هرگونه افزایش مازاد بر میزان رشد پیش‌بینی‌شده حقوق و مزایا برای شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول، از سوی مراجع و شوراهای مختلف قابل قبول نخواهد بود. به این ترتیب، دولت در تدوین بودجه سال آینده علاوه بر تعیین متوسط رشد ۳۵ درصدی حقوق، به دنبال محدود کردن رشد سایر پرداخت‌های پرسنلی و انضباط بخشی به هزینه‌های نیروی انسانی دستگاه‌های اجرایی است؛ موضوعی که جزئیات نهایی آن با تصویب سازوکار اجرایی افزایش پلکانی در هیات وزیران مشخص خواهد شد.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۸۵

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

شنبه

۱۸ آبان ماه ۱۴۰۵

۲۹ جمادی الاول ۱۴۴۸ | ۹ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۰۳
اذان ظهر	۱۱:۴۸
اذان مغرب	۱۷:۲۶
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

کاغذی

جایزه باید موثر باشد

اگر برنده یکی از جوایز ادبی شوید، چه اتفاقی برای کتاب‌تان می‌افتد؟ در تانزانیا، دولت کتاب‌های برگزیده را می‌خرد و در مدارس توزیع می‌کند. تاکنون صدها هزار نسخه کتاب از این راه به دست دانش‌آموزان رسیده است. این جایزه از سال ۲۰۲۳ برای حمایت از نویسندگان و گسترش ادبیات سواحیلی راه‌اندازی شده است. ابتدا دو بخش داشت و اکنون چهار بخش دارد: رمان، شعر، نمایشنامه و کتاب کودک.

نفرات اول هر بخش، علاوه بر جایزه نقدی ۱۰ میلیون شیلینگ تانزانیا (حدود یک میلیارد تومان) از حمایت دولت برای انتشار کتاب‌شان برخوردار می‌شوند. دولت متعهد شده از هر اثر برگزیده ۴۰ هزار نسخه برای توزیع در مدارس بخرد. به این ترتیب، جایزه ادبی به ابزاری برای حمایت همزمان از نویسندگان، ناشران و کتاب‌خوانی در مدارس تبدیل شده است. نویسنده مخاطب پیدا می‌کند، ناشر سفارش چاپ می‌گیرد و کتاب به دست دانش‌آموزان می‌رسد.

قابلیت جدید واتس‌اپ برای گسترش عکس‌ها با هوش مصنوعی

واتس‌اپ ممکن است به‌زودی امکان گسترش عکس‌ها با هوش مصنوعی متا (Meta AI) را در آیفون فراهم کند.

ابزار هوش مصنوعی جدید واتس‌اپ می‌تواند لبه‌های تصاویر را با جزئیات تولید شده توسط هوش مصنوعی پر کند و به شما آزادی بیشتری برای تغییر کادر و قاب‌بندی عکس‌ها پیش از اشتراک‌گذاری بدهد. به گزارش دیجیتال‌ترندز، اپل در به‌روزرسانی iOS ۲۷ قابلیت جدیدی به نام Photo Extend معرفی کرده است که به کاربران اجازه می‌دهد با استفاده از فناوری مولد هوش مصنوعی Siri AI، لبه‌های بیرونی عکس‌های خود را گسترش دهند. این قابلیت زمانی بسیار کاربردی است که بخواهید نسبت تصویر را تغییر دهید یا کادر عکس را تنظیم کنید.

با این حال، تنها آیفون‌هایی که از Siri AI پشتیبانی می‌کنند می‌توانند از این قابلیت استفاده کنند؛ بنابراین کاربران آیفون‌های قدیمی‌تر مجبورند به سراغ ابزارهای هوش مصنوعی شخص ثالث بروند. حالا طبق گزارش WABetaInfo، واتس‌اپ در حال اضافه کردن قابلیت مشابهی به نسخه iOS اپلیکیشن خود است تا کاربران بتوانند بدون جابه‌جایی بین اپلیکیشن‌ها، عکس‌ها را برای استوری آماده کنند یا با دوستان‌شان به اشتراک بگذارند.

چگونه یک عکس را در واتس‌اپ گسترش دهیم؟

کاربران اندروید مدتی است به این قابلیت دسترسی دارند و حالا واتس‌اپ در حال آزمایش آن با گروه کوچکی از کاربران نسخه بتای آیفون است.

برای استفاده از آن، کافی است یک عکس را از داخل یک چت باز کنید. سپس وارد صفحه ویرایش عکس در واتس‌اپ می‌شوید؛ صفحه‌ای که همین حالا هم چند افکت هوش مصنوعی در اختیار شما قرار می‌دهد. ابزار جدید Expand نیز در کنار همین گزینه‌ها قرار گرفته است. با لمس آن و کمی صبر کردن، Meta AI تصویر را با اضافه کردن جزئیات جدید در خارج از مرزهای اصلی عکس، گسترش می‌دهد. پس از اینکه از نتیجه راضی شدید، می‌توانید عکس را در چت ارسال کنید یا آن را در Status خود به اشتراک بگذارید. اگر این ابزار را نمی‌بینید، یک عکس مربعی را امتحان کنید. واتس‌اپ برای تصاویری که از قبل با قاب مورد پشتیبانی آن مطابقت دارند، گزینه گسترش تصویر را نمایش نمی‌دهد.

اگر هوش مصنوعی عکس را خراب کند، می‌توان دوباره امتحان کرد؟ بله و می‌توانید این کار را هر چند بار که بخواهید، انجام دهید. تا زمانی که روی گزینه ارسال نزنید، هیچ چیزی از گوشی شما خارج نمی‌شود و همیشه ابتدا یک پیش‌نمایش در اختیار خواهید داشت. اگر از نحوه‌ای که Meta AI لبه‌های تصویر را پر کرده راضی نبودید، می‌توانید روی Undo بزنید تا به عکس اصلی برگردید یا دوباره ابزار گسترش را اجرا کنید تا هوش مصنوعی یک نتیجه کاملا متفاوت ایجاد کند.



آب و هوا



بارش باران و برف در ۲۹ استان کشور
کاهش محسوس دما در نیمه شمالی

سازمان هواشناسی از بارش باران و برف در ۲۹ استان کشور و کاهش محسوس دمای هوا در نیمه شمالی خبر داد.

بر اساس نقشه‌ها و مدل‌های هواشناسی امروز دوشنبه در استان‌های ساحلی دریای خزر، برخی مناطق شمال غرب و شمال شرق و دامنه‌ها و ارتفاعات مرکزی و جنوبی زاگرس بارش رخ می‌دهد. روز سه‌شنبه بارش‌ها در استان‌های ساحلی دریای خزر و برخی مناطق شمال شرق، چهارشنبه در برخی مناطق جنوب، جنوب غرب، غرب و سواحل دریای خزر و پنج‌شنبه در برخی مناطق شمال شرق کشور ادامه خواهد داشت.

بر اساس این پیش‌بینی، امروز در برخی مناطق شمال شرق، مرکز، غرب و شمال غرب کشور و استان‌های واقع در دامنه‌های جنوبی البرز، در بعضی ساعات وزش باد شدید رخ می‌دهد. در برخی مناطق شرق و جنوب کشور نیز وزش باد و گردوخاک دور از انتظار نیست. از بعدازظهر امروز تا سه‌شنبه کاهش محسوس دما در نیمه شمالی کشور پیش‌بینی شده است. طی دو روز آینده دریای خزر و نیمه شمالی خلیج فارس و از روز سه‌شنبه تا پنج‌شنبه خلیج فارس مواج خواهد بود.



فصل انار در نمهیل

با فرارسیدن فصل پاییز، برداشت انار از باغ‌های روستای نمهیل در بخش خورش‌رستم شهرستان خلخال آغاز شده است. باغداران این روستا در میان درختان پربار، مشغول برداشت محصولی هستند که از تولیدات باغی این منطقه به شمار می‌رود.

عکس: محمد دشتی / مهر

۶ ربات، فروشگاه را ۲۴ ساعت گرداندند



در اتفاقی جذاب و نو، ۶ ربات ۲۴ ساعت در یک فروشگاه در شانگهای کار کردند، به مشتریان خوشامد گفتند، قهوه و غذا آماده کردند و قفسه‌ها را پر کردند.

به گزارش اینترستینگ انجینرینگ، البته در پایان شیفت کاری این اقدام جدید، فقط چهار ماشین ارزیابی عملکرد را با موفقیت پشت سر گذاشتند که این امر نشان دهنده مشکلاتی است که ربات‌ها هنوز هنگام انجام فعالیت‌های روزمره با آن روبه‌رو می‌شوند. این آزمایش «ربات‌ها هرگز تعطیل نمی‌شوند» نام داشت و توسط شرکت رباتیک AGIBOT سازماندهی شده بود که از ۱۰ صبح روز دوم نوامبر تا ۱۰ صبح سوم نوامبر در یک فروشگاه در شانگهای برگزار شد. این شرکت ۶ ربات انسان‌نمای چرخ‌دار G۲ را به کار گرفت و این چالش را به طور زنده پخش کرد و در پلتفرم‌های آنلاین بیش از دو میلیون تماشاچی را به خود جذب کرد.

به گفته شرکت رباتیک مذکور ماشین‌ها در مجموعه ۱۷۳۰ فعالیت را طی آزمایش انجام دادند. اما دو ربات که وظیفه تمیزکردن و بازرسی قفسه‌ها و همچنین پرکردن آنها را برعهده داشتند به عملکرد مورد نظر شرکت دست نیافتند. به ۶ ربات مذکور فعالیت‌های خرده فروشی مختلفی مانند کمک به مشتریان، کنترل محصولات، آماده‌سازی قهوه، سرویس غذای گرم و تمیزکاری محول شد. این آزمایش نشان داد فعالیت‌های مدیریت قفسه‌ها و تمیزکاری به طور خاص چالش برانگیز است.

سبک زندگی

تقویت سیستم ایمنی در سرما با ۹ خوراکی طبیعی و مقوی

تغذیه متعادل و مصرف متنوع میوه‌ها و سبزیجات می‌تواند به عملکرد طبیعی سیستم ایمنی کمک کند. متخصصان تغذیه ۹ خوراکی از جمله فلفل دلمه‌ای قرمز، بروکلی، کیوی و سیر را به دلیل مواد مغذی ارزشمندشان پیشنهاد می‌کنند.

اگرچه بسیاری از افراد برای تقویت سیستم ایمنی خود به سراغ مکمل‌های غذایی مانند ویتامین C یا زینک می‌روند، اما تمام مواد مغذی مورد نیاز برای تقویت ایمنی بدن را می‌توان به راحتی در میوه و سبزیجات پیدا کرد. کولت میکو، متخصص تغذیه، می‌گوید: «داشتن یک رژیم غذایی متعادل و سرشار از انواع میوه‌ها و سبزیجات، گامی مهم در جهت تقویت سیستم ایمنی است. دلیل این امر آن است که میوه‌ها و سبزیجات بسیاری از معیارهای یک ماده غذایی تقویت‌کننده ایمنی را دارا هستند.»

میکو توضیح می‌دهد: «یک ماده غذایی تقویت‌کننده سیستم ایمنی، هم به تامین آب بدن کمک می‌کند و هم سرشار از ویتامین‌ها، مواد معدنی و فیتوکمیکال‌ها (ترکیبات شیمیایی موجود در گیاهان) است.» میوه‌ها و سبزیجات به طور طبیعی سرشار از مواد مغذی متنوعی هستند که از سیستم ایمنی پشتیبانی کرده و به بدن در مبارزه با باکتری‌ها و ویروس‌های بیماری‌زا کمک می‌کنند. در ادامه، به معرفی برخی از بهترین میوه‌ها و سبزیجات برای تقویت سیستم ایمنی می‌پردازیم؛ انتخاب‌هایی که به دلیل داشتن مواد مغذی قدرتمند، گزینه‌هایی عالی برای مصرف در تمام طول سال محسوب می‌شوند.

۱.فلفل دلمه‌ای قرمز

میکو می‌گوید: «فلفل دلمه‌ای‌های قرمز منبعی عالی برای ویتامین‌های C و E هستند. تنها نصف پیمانه فلفل دلمه‌ای قرمز خردشده، بیش از ۱۰۰ درصد مقدار توصیه شده روزانه ویتامین C را تامین می‌کند.» این فلفل‌های کمی شیرین، همچنین سرشار از آب، فیبر و ترکیبات گیاهی هستند.

۲.کلم بروکلی

این سبزی چلیپایی (از خانواده کلم‌ها)، به لطف داشتن فیبر محلول و ویتامین‌های A، B۶ و C، به خودی خود یک بمب تقویت‌کننده سیستم ایمنی است.

۳.گریپ‌فروت

اگرچه تمام مرکبات شایسته آن هستند که در فهرست مواد غذایی تقویت‌کننده سیستم ایمنی جای بگیرند، اما گریپ فروت در این میان جایگاه ویژه‌ای دارد. یک گریپ فروت حاوی بیش از ۱۰۰ درصد نیاز روزانه، به علاوه فیبر محلول، آب و ویتامین A است.

۴.اسفناج

میکو می‌گوید: «اسفناج، منبع غنی آنتی اکسیدان‌ها (به ویژه ویتامین‌های A، C و E) است. همچنین منبع آهن است. این مواد مغذی همراه با فیبر و ترکیبات گیاهی موجود در اسفناج، آن را برای کسانی که به دنبال تقویت سیستم ایمنی خود هستند، انتخابی عالی می‌کند.

۵.شاه توت

مانند مرکبات، همه انواع توت‌ها میوه‌های استثنایی تقویت‌کننده سیستم ایمنی هستند، اما زمان آن رسیده است که شاه توت نادیده گرفته شده را مورد توجه قرار دهیم. در حالی که این توت تیره سرشار از آب، ویتامین C و ترکیبات گیاهی است، محتوای فیبر آن واقعا آن را متمایز می‌کند.

۶.آووکادو

آووکادو به عنوان یک منبع عالی از ترکیبات گیاهی و ویتامین‌های C و E، مطمئنا یک تقویت‌کننده سیستم ایمنی است. قدرت پری‌بیوتیک آن هم برای سیستم ایمنی و هم برای سلامت روده مفید است.

۷.زنجبیل

میکو توضیح می‌دهد: «ریشه زنجبیل حاوی انواع آنتی اکسیدان‌ها است که به کاهش التهاب کمک می‌کند و دارای خواص ضد میکروبی و آنتی بیوتیکی طبیعی برای کمک به جلوگیری از عفونت است.»

۸.کیوی

کیوی یک مکمل عالی برای رژیم سلامت سیستم ایمنی است زیرا سرشار از فیبر، ترکیبات گیاهی، آب و ویتامین‌های C و E است.

۹.سیر

سیر به عنوان یک منبع قوی از مواد مغذی گیاهی، این فهرست از میوه‌ها و سبزیجات تقویت‌کننده سیستم ایمنی را نیز در اختیار دارد. اما نحوه مصرف سیر در واقع برای بهره‌مندی از فواید کامل بسیار مهم است. میکو می‌گوید: «سیر له شده، جویده شده یا ریز خرد شده، یک جزء شیمیایی به نام آلیسین آزاد می‌کند که تولید گلبول‌های سفید خون را افزایش می‌دهد و سیستم ایمنی را برای مبارزه با عفونت مجهزتر می‌کند.» وی می‌افزاید: «مصرف منظم سیر باعث کاهش طول مدت علائم سرماخوردگی و کاهش خطر ابتلا به بیماری می‌شود.»

خوردن طیف گسترده‌ای از غذاهای سالم، از جمله این میوه‌ها و سبزیجات عالی، یک عامل کلیدی برای کمک به بدن در پیشگیری و مبارزه با بیماری است. با این حال، میکو به ما یادآوری می‌کند که هیچ میوه جادویی یا عادتی به تنهایی عمل نمی‌کند. او می‌گوید: «در حالی که تغذیه جزء مهمی برای بهینه سازی عملکرد سیستم ایمنی است، تنها یک تکه از پازل است. عوامل سبک زندگی مانند خواب کافی، مدیریت استرس، فعالیت بدنی منظم و عدم استفاده از الکل نیز نقش کلیدی دارند.»

#تجربه_کردم

وقتی همه ترکت می‌کنن... وقتی در اوج بی‌کسی، «گیر» می‌کنی... وقتی در مقروض‌ترین «شرایط»ی...
وقتی همه کسانی که عمرت رو پاشون گذاشتی، بهت «نارو» می‌زنن... وقتی به خاطر خوش اومدن دیگران اعتقادهات رو کنار می‌ذاری... و همون‌ها ولت می‌کنن... وقتی احساس می‌کنی حتی یه نفر تکیه‌گاه نداری...
تنها کسی که از همه سو در آغوشش می‌گیردت... «امام زمان»ه رفیق جان!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

شیر برای سرماخوردگی و تب خوب است؟

بسیاری از افراد تصور می‌کنند نوشیدن شیر هنگام تب، سرماخوردگی یا آنفلوآنزا باعث افزایش خلط و تشدید گرفتگی بینی و سرفه می‌شود اما شواهد علمی موجود چنین باوری را تایید نمی‌کند. بیشتر افراد، در صورت نداشتن حساسیت یا مشکل گوارشی، می‌توانند هنگام بیماری نیز شیر پاستوریزه بنوشند.

شیر به‌تنهایی تب یا سرماخوردگی را درمان نمی‌کند، اما می‌تواند بخشی از مایعات، انرژی و پروتئین مورد نیاز بدن را تامین کند. البته مقدار و نوع شیر مصرفی باید با توجه به سن، وضعیت سلامت و شرایط گوارشی فرد انتخاب شود. در ادامه می‌خوانید که شیر هنگام تب و سرماخوردگی چه تاثیری بر بدن دارد و کودکان، سالمندان و زنان باردار چه نکاتی را باید رعایت کنند.

آیا شیر باعث افزایش خلط می‌شود؟

براساس پژوهش‌های موجود، مصرف شیر در افرادی که به آن حساسیت ندارند، معمولا باعث افزایش تولید مخاط تنفسی نمی‌شود. در یکی از مطالعاتی که روی بزرگسالان در معرض ویروس سرماخوردگی انجام شد، ارتباط معناداری میان مصرف شیر و لبنیات با افزایش گرفتگی یا ترشحات بینی مشاهده نشد.

چرا بعد از نوشیدن شیر، احساس خلط بیشتری داریم؟

بافت شیر ممکن است برای مدت کوتاهی احساس غلظت یا پوشش در دهان و گلو ایجاد کند. بعضی افراد این احساس را با افزایش خلط اشتباه می‌گیرند؛ در حالی که لزوما به معنی تولید بیشتر مخاط در مجاری تنفسی نیست. اگر هنگام گلودرد نوشیدن شیر برای‌تان خوشایند نیست، ضرورتی ندارد خودتان را به مصرف آن مجبور کنید. می‌توانید از آب، سوپ و دیگر نوشیدنی‌ها و غذاهای مغذی استفاده کنید.

آیا نوشیدن شیر هنگام تب ضرر دارد؟

برای بیشتر افراد، مصرف شیر پاستوریزه هنگام تب، در صورتی که آن را به‌خوبی تحمل کنند، اشکالی ندارد. شیر مقداری آب، پروتئین، انرژی و مواد مغذی در اختیار بدن قرار می‌دهد و می‌تواند برای افرادی که هنگام بیماری اشتهای کمتری دارند، بخشی از رژیم غذایی باشد. با این حال، باید به چند نکته توجه کرد:

- شیر درمان تب نیست و جای دارو یا بررسی علت بیماری را نمی‌گیرد.
- مصرف شیر برای همه افراد مبتلا به تب ضروری نیست.
- اگر فرد دچار استفراغ است، باید به توانایی نگه داشتن مایعات و احتمال کم‌آبی توجه شود.
- در صورت تشدید نفخ، دل‌درد یا اسهال پس از نوشیدن شیر، بهتر است علت این علائم بررسی شود.
- افراد دارای حساسیت به پروتئین شیر گاو نباید شیر معمولی یا شیر بدون لاکتوز مصرف کنند؛ زیرا شیر بدون لاکتوز همچنان حاوی پروتئین شیر گاو است.

مصرف شیر هنگام سرماخوردگی برای بزرگسالان

بزرگسالانی که به شیر حساسیت ندارند و آن را به‌خوبی تحمل می‌کنند، می‌توانند در دوران سرماخوردگی نیز شیر بنوشند. شیر سرد، هم‌دمای محیط یا ولرم از نظر اصل مصرف تفاوتی ندارد و انتخاب دمای آن به سلیقه و راحتی فرد بستگی دارد. البته نوشیدنی ولرم ممکن است برای بعضی افراد مبتلا به گلودرد خوشایندتر باشد.

شیر و عسل یا شیر و زردچوبه برای سرماخوردگی مفید است؟

نوشیدن شیر ولرم همراه با مقدار کمی عسل ممکن است برای برخی افراد به تسکین موقت گلودرد یا سرفه کمک کند. اضافه کردن زردچوبه نیز می‌تواند طعم نوشیدنی را تغییر دهد، اما شواهد کافی برای اثبات اینکه ترکیب شیر، عسل و زردچوبه سرماخوردگی یا تب را درمان می‌کند، وجود ندارد. نکته مهم اینکه عسل برای کودکان زیر یک سال ممنوع است و نباید به غذای آنها اضافه شود. همچنین شیر نباید آن‌قدر داغ باشد که دهان و گلو را بسوزاند. در موقع سرماخوردگی بهتر است با دستور پزشک مواد غذایی را مصرف کنید تا تداخلی با داروهای‌تان نداشته باشد.

بعد از ۵۰ سالگی کدام کربوهیدرات‌ها را بیشتر مصرف کنیم؟

مجموعه‌ای از مطالعات، مصرف کافی فیبر را با کاهش خطر مرگ و میر، بیماری عروق کرونر قلب، سکته مغزی، دیابت نوع ۲ و سرطان روده بزرگ مرتبط دانسته‌اند.

به گزارش روزنامه تلگراف، در یک مطالعه تازه توسط متخصصان علوم پزشکی دانشگاه سیدنی آشکار شد مصرف بیشتر کربوهیدرات‌های باکیفیت می‌تواند به پیری سالم‌تر و کاهش سن زیستی بدن کمک کند.

در این مطالعه، افراد ۶۵ تا ۷۵ ساله به چهار گروه تقسیم شدند و هر گروه به مدت چهار هفته رژیم غذایی متفاوتی داشت. بیشترین بهبود شاخص‌های سن زیستی در گروهی مشاهده شد که ۵۳ درصد کالری روزانه را از کربوهیدرات‌ها، ۱۴ درصد از پروتئین و ۲۸ تا ۲۹ درصد از چربی دریافت می‌کردند. سن زیستی این افراد بر اساس شاخص‌های اندازه‌گیری شده، به‌طور میانگین حدود ۳.۵ سال کمتر از آغاز مطالعه برآورد شد.

اما باردول، متخصص تغذیه و نویسند کتاب «اثر فیبر» در این باره می‌گوید کربوهیدرات‌های باکیفیت حاوی فیبر، ریزمغذی‌ها و ترکیبات گیاهی هستند که برای پیری سالم‌تر اهمیت دارند. باردول می‌گوید نباید کربوهیدرات‌های موجود در حبوبات و غلات کامل را با کربوهیدرات‌های خوراکی‌هایی مانند شیرینی و بیسکویت یکسان دانست.

شرکت‌کنندگان در این مطالعه، بیشتر غذاهای کم فرآوری شده مصرف می‌کردند و کربوهیدرات مورد نیازشان از میوه‌ها، سبزیجات، لوبیا، عدس، جو دوسر، جو، نان سبوس‌دار، برنج قهوه‌ای و کینوا تامین می‌شد. در مقابل، کربوهیدرات‌های تصفیه شده مانند نان و برنج سفید، بخش زیادی از فیبر و مواد مغذی‌شان را از دست داده‌اند و باعث افزایش سریع‌تر قند خون می‌شوند. تکرار جهش‌های قند خون می‌تواند به التهاب مزمن و مشکلاتی مانند چاقی، بیماری قلبی، دیابت نوع ۲ و سکته مغزی منجر شود.

به گفته باردول، فیبر علاوه بر افزایش احساس سیری به سلامت روده و تنظیم کلسترول و قند خون کمک می‌کند. کربوهیدرات‌های سرشار از فیبر با تغذیه باکتری‌های مفید روده، تولید اسیدهای چرب زنجیره کوتاه را افزایش می‌دهند که در تنظیم التهاب نقش دارند. او برای صبحانه جو دوسر همراه با دانه چیا، پسیلیوم یا بذر کتان و ماست یونانی پیشنهاد می‌کند. افزودن نخود و لوبیا به غذاها و جایگزینی نان سفید، برنج سفید و پاستای معمولی با انواع سبوس‌دار نیز از مواردی است که باردول توصیه می‌کند. مصرف جو پوست‌کنده، بلغور گندم، کینوا و سیب‌زمینی آب‌پز یا تنوری با پوست نیز توصیه می‌شود. سیب‌زمینی حاوی پتاسیم، ویتامین C و مقداری فیبر است.

به گزارش ایندیپندنت، در مطالعه دانشگاه سیدنی، تغییرات سن زیستی شرکت‌کنندگان پس از چهار هفته مشاهده شد. متخصصان این تغییرات را با بررسی ۲۰ نشانگر زیستی از جمله کلسترول، انسولین و پروتئین واکنشی C که نشانگر التهاب است، محاسبه کردند. با این حال، محققان هنوز نمی‌دانند این تغییرات پس از چهار هفته باقی می‌مانند یا خیر.

باردول می‌گوید: جایگزینی کربوهیدرات‌های تصفیه‌شده با انواع باکیفیت می‌تواند به سرعت، به ویژه در سطح انرژی، تغییر ایجاد کند و این الگوی غذایی برای رعایت بلندمدت مناسب است.